بنام خداوند دانا و حکیم

تجسم هنر در معماری

از ایده تا واقعیت

زینب ایدری

انتشارات نظری

عنوان و نام پدیدآور	تجسم هنر در معماری از ایده تا واقعیت / زینب ایدری.
مشخصات نشر	تهران : انتشارات نظری، ۱۴۰۵
مشخصات ظاهری	۲۴۱/ ص.: مصور.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۳۳۵-۳۴۶-۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فیپا
موضوع	معماری داخلی
	معماری داخلی- جنبه های روان شناسی
رده بندی کنگره	NA۲۸۵۰
رده بندی دیویی	۷۲۹
شماره کتابشناسی ملی	۱۰۴۸۱۲۵۰

نام کتاب : تجسم هنر در معماری از ایده تا واقعیت

نام نویسنده: زینب ایدری

نوبت چاپ : اول- ۱۴۰۵

شمارگان : ۵۰

« کلیه حقوق مادی ، چاپ و نشر مخصوص و محفوظ ناشر می‌باشد »

دفتر مرکزی : تهران، خیابان ولی‌عصر (عج) ، خیابان سید جمال الدین اسدآبادی (یوسف آباد) ،

نبش خیابان فتحی شقاقی ، جنب بانک سپه پلاک ۳۲ ، طبقه ۲ ، واحد ۱۷

E-mail: nazaribook@yahoo.com

www.nashrenazari.com

تلفن : ۸۸۱۰۲۷۷۵

همراه : ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵

انتشارات نظری

قیمت : ۶۲۲۰۰۰۰ ریال

فهرست

مقدمه ۹

موضوع مبانی هنرهای تجسمی : ۱۰

نقطه : ۱۰

نقطه چیست ؟ ۱۱

نکته کلیدی درباره نقطه : ۱۲

مسائل روان شناختی نقطه در کادر : ۱۵

زمانی که نقطه از دیدمان بالاتر است چه اتفاقی رخ می دهد ؟ ۱۸

نقطه از دید پایین ۲۱

خط و انواع آن : ۲۵

خط های افقی ۲۵

خصوصیات خط افقی : ۲۸

خط عمودی : ۳۲

خط مورب : ۳۶

خط منحنی : ۴۳

خط منحنی چه مشخصه هایی دارد ؟ ۴۳

سطوح و حجم ها :..... ۴۹
مربع..... ۵۰
مثلث..... ۵۰
دایره..... ۵۱
ذوزنقه ۵۱
چندضلعی ها..... ۵۲
بیضی..... ۵۲
متوازی الاضلاع..... ۵۳
شکل دایره ۵۶
مربع به مکعب مربع :..... ۵۷
کره..... ۵۸
استوانه چیست ؟..... ۵۹
هرم..... ۶۰
هم خوانی و هم نشینی رنگ ها :..... ۶۵
شکل ها :..... ۶۸
رنگ زرد ۷۰
هم نشینی رنگ :..... ۷۴
رنگ نارنجی..... ۷۸
مشخصات رنگ نارنجی چیست ؟ ۷۹
رنگ قرمز :..... ۸۳
خصوصیات رنگ قرمز ؟؟..... ۸۴
در کجایی این رنگ قرمز در فضا استفاده می شود ؟..... ۸۴
چرا بعضی از دروغ های تفکری ایدئولوژیکی روی رنگ قرمزند ؟..... ۸۷

رنگ بنفش ۸۸
چرا این حالت برای این رنگ اتفاق می افتد ؟ ۸۹
رنگ بنفش جز رنگ استاندارد چه صنعتی می باشد ؟ ۸۹
رنگ آبی ۹۱
آسایش با آرامش چه تفاوتی دارد ؟ ۹۱
این رنگ آبی جزو چه مشاغلی حساب کنید می شود ؟ ۹۲
رنگ سبز : ۹۴
خصیصه های رنگ سبز : ۹۵
هم نشینی رنگ ها : ۹۷
مونوکروماتیک : ۹۷
خاکستری چه قابلیتی دارد ؟ ۹۸
خاکستری چه مشخصه ای در خود دارد؟ ۹۸
هارمونی : ۱۰۲
هارمونی چیست ؟ ۱۰۲
هارمونی (۲) : یعنی چه ؟ ۱۰۳
کنتراست : ۱۰۵
حرف آقای ایتن چه بود ؟ ۱۰۵
نارنجی قرمز ۱۰۸
زرد سبز ۱۰۸
زرد نارنجی ۱۰۹
هم نشینی ۴ ضلعی : ۱۱۰
سبک های معماری داخلی : ۱۱۲
سبک باروک : ۱۱۴

سبک گوتیک :..... ۱۱۶
سبک روکوکو :..... ۱۲۶
دلیل اینکه این سبک چرا صد سال بیشتر عمر نکرد از چیست ؟..... ۱۲۸
سبک کلاسیک :..... ۱۳۰
ایجاد تم کلاسیک..... ۱۳۲
انتخاب مبلمان :..... ۱۳۴
رنگ ها در سبک کلاسیک:..... ۱۳۴
پرده ها:..... ۱۳۵
کفپوش چوبی و فرش ها:..... ۱۳۶
سبک رنسانس :..... ۱۳۷
سبک صنعتی:..... ۱۴۳
حال این سبک صنعتی برای چه دوره ایی است ؟..... ۱۴۵
سبک مدرن :..... ۱۵۰
پُست مدرن :..... ۱۵۵
پُست مدرن چیست ؟ چه تعریفی از پُست مدرن دارید ؟..... ۱۵۶
سبک نئو کلاسیک :..... ۱۵۷
آرت دِکو :..... ۱۶۰
نقوش آرت دِکو :..... ۱۶۴
سبک آرت نِو :۹..... ۱۶۸
سبک مدرن شهری :..... ۱۷۳
سبک معاصر :..... ۱۷۵
سبک مینیمال :..... ۱۷۷
سبک اسکاندیناوی :..... ۱۸۱

مبلمان این سبک ۱۸۳
رنگ ها در سبک اسکاندیناوی ۱۸۴
سبک ذِن : ۱۸۶
سبک شبی شیک : ۱۸۹
شبی شیک یعنی چه؟ ۱۹۰
شبی شیک در لغت ۱۹۱
رنگ بندی ۱۹۱
مبلمان ۱۹۱
نقش و نگار ۱۹۲
مصالح و بافت ها ۱۹۲
دکوریجات ۱۹۳
سبک شیکر : ۱۹۴
مبلمان در دکوراسیون داخلی سبک شیکر ۱۹۵
کفپوش خانه در طراحی داخلی به سبک شیکر ۱۹۶
سبک شیکر در طراحی داخلی آشپزخانه ۱۹۷
سبک روستیک : ۱۹۸
سبک بوهم : ۲۰۱
سبک آرت آند کِرَفت : ۲۰۵
سبک اسپانیایی : ۲۰۸
سبک مراکشی : ۲۱۵
سبک عربی : ۲۲۴
هورنو چیست ؟ ۲۲۵
سبک ایرانی ۲۲۸

معماران داخلی ایرانی و خارجی معروف :..... ۲۳۶
کریم رشید :..... ۲۳۶
علیرضا تغابنی :..... ۲۳۷
فرانک لوید رایت :..... ۲۳۸
سبک معماری فرانک لویدرایت..... ۲۳۹
مهمترین آثار فرانک لویدرایت..... ۲۳۹

مقدمه

رشته معماری طراحی داخلی برا اساس اصول بصری مورد استفاده قرار می گیرد ، یعنی : بر اساس عناصر دیداری چیدمانش صورت خواهد گرفت و با انرژی هایی که از طریق چشم انتقال پیدا می کند و می تواند باعث احساساتی مختلف در ما به وجود بیاید .

رشته معماری طراحی داخلی موضوع مهم این است که با : احساساتمان سرو کار دارد ، این یعنی چه ؟

(یعنی هر آنچه که ما می بینیم و یک خطای دید و یک رفتاری با روح و روان ما خواهد داشت که باعث می شود آن فضا را آن فرد با آن چیزی را که دوست داشته باشد را یا نداشته باشیم .)

بتوانیم تمام هنرهای بصری را از جمله : عکاسی و هنرهای دیداری کنیم از جمله : نقاشی و معماری و معماری داخلی همه آنچه که با چشم ما سروکار دارد ؛ دقیقا انرژی هایی را که از محیط می گیرند که به درون ما انتقال می دهد و ما به آن یک عکس العمل ویژه نسبت داده می شود .

موضوع مبانی هنرهای تجسمی :

این مبانی شامل زیرشاخه ای است به نام عناصر بصری ، یعنی عناصری که ما آنها را می بینیم .

عناصر بصری را اگر بخواهیم از جزئیات به کلیات در موردش صحبت کنیم شامل : نقطه ، خط ، سطح ، حجم ، رنگ ، نور، بافت است .

می خواهیم از کوچک ترین عنصر بصری که شاید در معنای اولیه خیلی هم به ظاهر اهمیتی ندارد را صحبت کنیم .

نقطه :

قبل از اینکه ما به این موضوع بپردازیم می توانیم بگوییم که ما هر روز صبح که چشممان را باز می کنیم کلیات فضا را می بینیم و شاید خیلی متوجه این که نقطه کجا قرار دارد نشویم ؟

اما این کلیات از یک سری ریز عناصر تشکیل شده است که ما باید اول اینها را بشناسیم و سپس به فضای حجم های کلی تری برویم.

این عناصر بصری با هم در اولویت هستند یعنی : رنگ و فرم (از نقطه تا بافت به آن ما فرم می گوییم)

رنگ ها از فرم های قدرتمند ترساند ، نورها از رنگ و فرم قدرتمندتر خواهند شد .{ همچنین بافت قدرتش از همه این ها زیادتر است } این یعنی چه ؟

« یعنی تاثیرش از بقیه دیگر آنها بیشتر است . »

مثلا : یک سرامیک براق را در کنار یک فرش می گذاریم ، کدام یک از آنها بیشتر دیده می شود ؟ سرامیک براق ، زیرا براق است و شاین دارد و نمی گذرد فرشی که بافت بدون شایش دیده بشود . پس به این ترتیب از لحاظ قدرتمندتر بودن بافت روی نور ، نور روی رنگ و رنگ روی فرم تاثیر خودشان را خواهند گذاشت و این خیلی اتفاق قشنگی می باشد.

چون احیانا مثلا : یک فرم اشتباه انتخاب شده باشد و می توانیم آن را با نور اصلاح بکنیم به گونه ای که کسی متوجه نمی شود که ما آن فرم را اشتباه انتخاب کردیم .

نقطه چیست ؟

تعریف گرافیکی اش این است که به کوچک ترین اثر هر چیزی روی کاغذ به آن نقطه می گویند .

مانند : سوزن که زمانی آن را روی کاغذ می گذاریم نقطه ایجاد می کنیم اما تعریف گرافیکی اش برای ما مد آنچنان اهمیت ندارد .

زیرا در حوزه معماری و معماری داخلی ما نقطه را به عنوان لکه گذاری می دانیم مثلا : در سرویس بهداشتی و گلدان و پذیرایی که از دور ما آن را می بینیم به حالت نقطه دیده می شود .

نکته کلیدی درباره نقطه :

نقطه جایگاهی در فضا دارد .

مثلا : یا اینکه اگر من یک نقطه مورد نظرم را در یک قاب عکس فرض بکنیم که دقیقا در وسط دیوار قرار گرفته است .

فرض می کنیم که ما یک کادر داریم و نقطه در وسطش قرار گرفته است و زمانی که نقطه کادر نداشته باشد هیچ معنایی ندارد پس کادر برای ما یک موضوع بسیار مهمی است.

نقطه در وسط

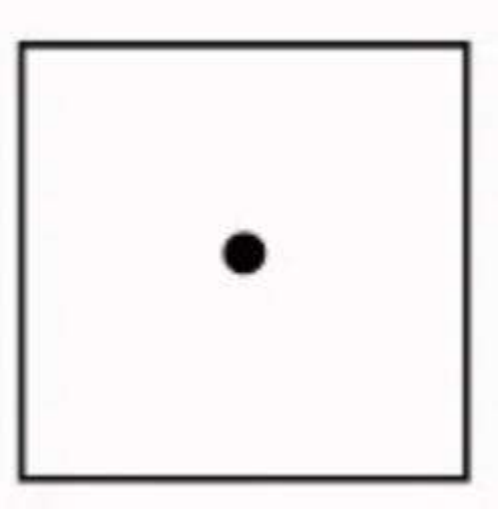

نقطه بالا تر از خط دید

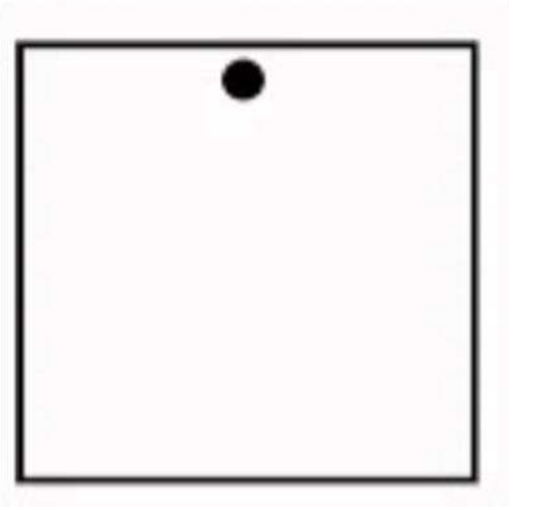

نقطه در پایین ترین خط دید

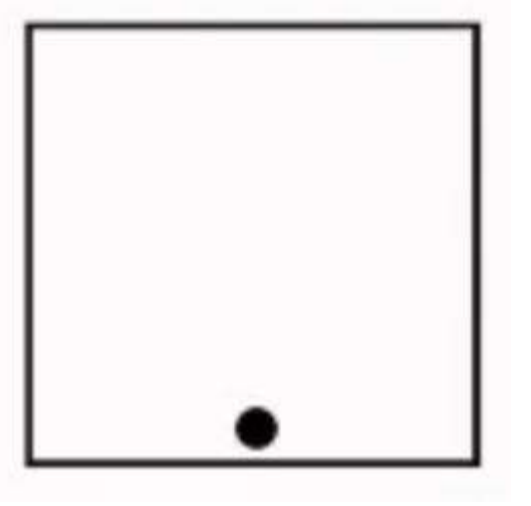

نقطه هایی که در کنار هم قرار می گیرند

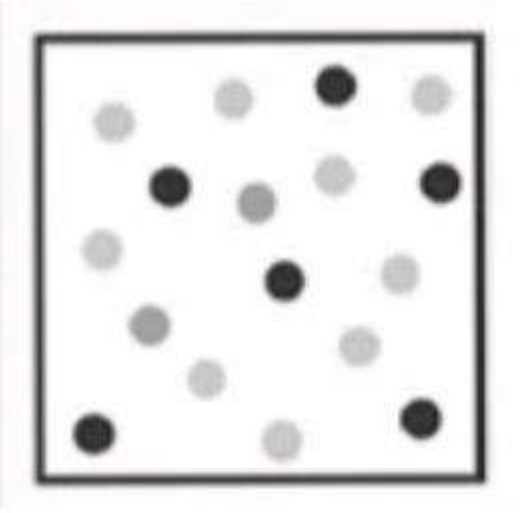

اندازه کادر بزرگی و کوچکی آن برای ما آن چنان مهم نیست.

چیزی که برای مهم و ارزشمند است و اهمیت دارد این است که جای نقطه را بدانیم و اینکه نقطه در کجا قرار دارد ؟ .

مسائل روان شناختی نقطه در کادر :

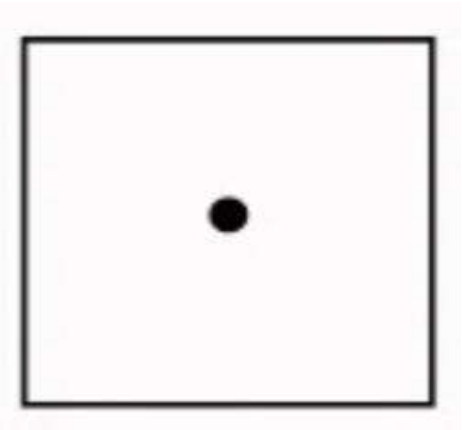

زمانی که نقطه در وسط کادر قرار می گیرد قرار است که چه احساسی به مخاطب مورد نظر ما انتقال بدهد ؟

حس درستی و نظم ، تعادل ، تقارن ، توجه ، تمرکز را دارد.

جلب توجه و تمرکز موضوع مقطعی است که یعنی اگر ۵ بار وارد آن فضا می شویم برای مثال : اکسسوری ، چراغ دیواری یا هر چیز دیگر که برایمان جلب توجه بکند .

از بار پنجم به بعد دیگر آن وسیله را نمی بینیم و چشممان دنبال چیزهای جدید می گردد .

یکی از مهم ترین شاخه های ایجاد سکون و یکنواختی است یکی از

شاخصه های مهم سبک کلاسیک است .

// سبک کلاسیک و وسط دیوار را ما یک چیز پیدا می کنیم و به عنوان وسیله و یا هر چیز دیگری داخل آن می توانیم بگذاریم برای همین است که سبک کلاسیک کمی خسته کننده است . //

در ده دفعه اول برای یک فرد جذاب است ولی به مرور خسته کننده برای فرد موردنظر می شود .

جلب توجه و تمرکز به خاطر عدم پویایی و عدم حرکت و داشتن آن سکون و تمرکز درازمدت باعث ایجاد حس خستگی می شود .

در حالی که ما یک نقطه را به دو نقطه تقسیم کنیم ، در ورودی دو سمتش دو نقطه باشد باعث ایجاد حرکت است و انرژی منتقل می کند.

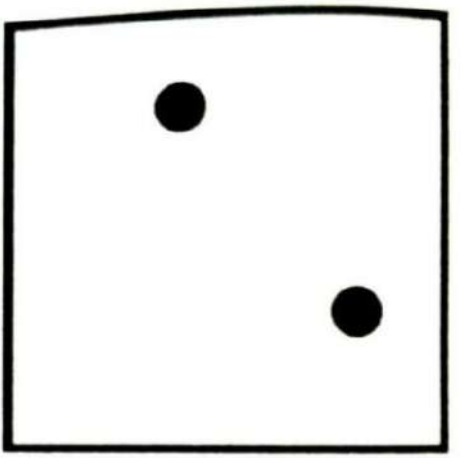

در سبک کلاسیک زمانی که می خواهیم این حالت سکون را از بین

ببریم که از تمهیدات خاصی استفاده می کنیم . برای مثال : قاب بندی خاصی داریم که باعث ایجاد پویایی در فضا می شود.

این نقطه توجه و تمرکز دارد و پویایی و حرکتش به چشم می خورد متقارن و متواضع هم دارد ؛ در موارد خیلی خاص استفاده می کنیم .

مانند: در فظایمان هیچ چیزی نداریم و یک فضای مینیمال داریم . یا یک محصول بخصوصی را که می خواهیم برای یک جایی ارائه بکنیم مثلا کل فضا را خالی می کنیم و یک میز در وسط قرار می دهیم . و محصول بخصوص را روی آن می گذاریم از این خاصیت کوتاه مدتش استفاده می کنیم.

مثلا : در فضای مینیمال که داریم بدون هیچ اکسسوری در آن است و یک دیوار سفید با تابلو خاکستری ، کاربری های موضعی ، کاربری های گالری، کاربری های محصولات خاص یا ویترین مغازه دیزاین می کنیم که پر از وسیله و اصلا متوجه نمی شویم .

ولی روی یک ویترین دیگر در مغازه می بینیم که یک استند است و یک کیف روی آن قرار دارد و یک لباس خاص روی بدن مانکن قرار دارد .

ایجاد توجه و تمرکز در کارهای تجاری و جلب توجه های کوتاه مدت خیلی خوب و مناسب است ولی در خانه فقط ایجاد خستگی می کند .

همان ویترین یا گالری را بیش از پنج بار اگر از کنارش رد بشوید و بروید

دیگر به آن نگاه نمی کنید و اهمیت نمی دهید . همه این ها می شود انرژی هایی که یک نقطه در وسط قرار دارد.

زمانی که نقطه از دیدمان بالاتر است چه اتفاقی رخ می دهد ؟

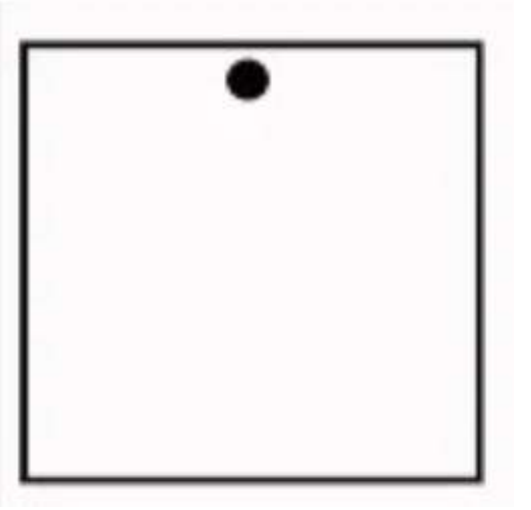

برتری ، قدرت ، ترس ، تاثیرگذاری در دکوراسیون داخلی به معنای تجملات نشان می دهد . برای مثال : یک خانه ای که ارتفاع سقفی اش کوتاه است و هرچقدر لوستر عجیب و غریب باشد که نشانگر یک چیز به درد نخورورد و حتی یا توسری خور باشد ولی اگر ارتفاع سخت چهار یا شش متر است و شما که وارد آن غذا می شوید ، همه آن وسایلی که آن بالا است انگار دارند به شما فخر می فروشند و حس مجلل بودن و تجملات را به شما القا می کنند .

در سبک های کلاسیک می بینیم که مجسمه ها و نقاشی های دیگر از سقف وجود دارند که حس تفاخر را ایجاد می کنند . مثلا : ساعت .

اولین ساعتی که در ایران آمده در کجای ایران قرار دارد ؟

اولین ساعت روی برج شمس العماره قرار دارد .

این ساعت در کدام قسمت برج قرار دار ؟

در بلندترین ساختمان شهر در آن دوره خودش قرار دارد ، شمس العماره در دوره ناصرالدین شاه بلندترین ساختمان بوده است و ناصرالدین شاه به آنجا می رفته وبا و با سوگلی هایش بستنی می خورد و عیش و نوش می کرده و شهر را نگاه می کرده است و آن ساعت را آن بالا قرار می داده که هرچه برتری و تجملات و لوکس و گرانی همه و همه را به مردم نشان می داد.

یا مثلا دانشگاه که می روید به اتاق رئیس دانشگاه که می بینید عکس مدیران قبلی آن دانشگاه یا شخصیت های سیاسی و نظامی را بالای دیوار زده اند که نگاه از بالا به پایین آن قدرت را نشان می دهند .

پس اگر بخواهیم یک چیز یا وسیله ای را مهم نشان بدهیم از زاویه ۱/۷۰ آن را بالا می بریم ، حتی اگر یک چیزی بی ارزش هم باشد جایگاه آن احساس را به مخاطب به وجود می آورد و می گوید که من خیلی چیز مهمی هستم .

برای همین دیوارکوب ها را آن بالا می چسبانند ، مگر اینکه یک فضای مدرن داشته باشیم که ما به دنبال حس تجملات و خیلی چیزهای دیگر باعث تفاخر بشند و همه را در زاویه دید خط انسان ۱/۶۰ یا ۱/۷۰ می چینیم .

اما کادرهای کلاسی اگر دقت کرده باشید ، می بینیم که گل مصنوعی هم در بالا قرار دارد و یا مجسمه ها و سرویس ها و دیوارکوب ها که همه آنها بالاتر از خط دید انسان قرار می گیرند .

این نقطه از دید بالا نقطه خطرناکی است ، زیادی از حد کار کردنش حس ترس را برای کسی که در آن خانه زندگی می کند را یک اضطراب و یک آشوب درونی برای آن فرد به وجود می آورد که دائم در آن محیط زندگی قرار است بکند.

فضای کلاسیک ، فضایی است که عجیب و غریب و همچنین کمتر استفاده باید گردد.

نقطه از دید پایین

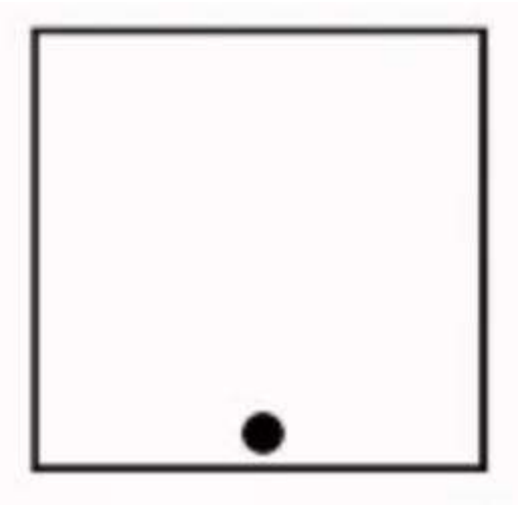

نشانگر : بی ارزش بودن و بیچاره بودن است .

وسایلی که در پایین خانه قرار می گیرد مانند پریس و قرنی است که نباید دیده بشوند ، بیشتر جنبه عملکردی دارند و خیلی تزیینی نیستند و همچنین جایگاه اکسسوری های بی ارزش است ، چرا ؟ زیرا حسی که به ما القا می کند حس بیهودگی که همه چیز در بدترین حالت ممکن است ، بی اهمیت بودن را هم در این مورد صدق می کند.

مثلا : کارفرمایی را ما داریم که یک وسیله خیلی بسیار زشت دارد که ما دلمان نمی خواهد آن به چشم بیاید و یک میز خیلی کوتاه را در نظر می گیریم و آن را در قسمت پایین قرار می دهیم و هیچ تاثیری در روند کاری مان هم ندارد .

البته اگر این چیز بی ارزش اطرافش خلوت باشد باز هم نشانه تمرکز و جلب توجه را خواهد داشت ، پس بنابراین اکسسوری هایی که پایین ما قرار می دهیم ترجیح می دهیم که اطرافش را کمی شلوغ کنیم تا تمرکز و توجه آن را کم کنیم .

در دو نقطه از چه سبک هایی باید استفاده کرد ؟

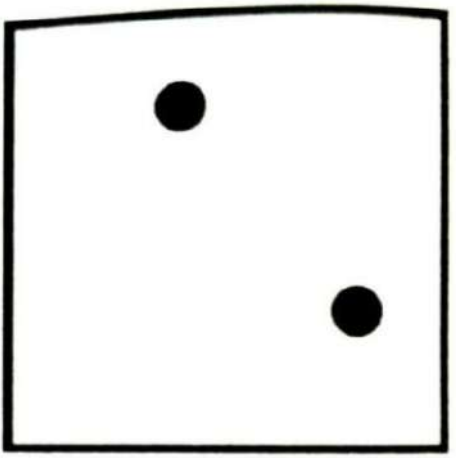

مدرن نئوکلاسیک می توان از دو نقطه در این سبک ها استفاده کرد .

انگلیسی ها از این مدل خیلی مانور می دهند ، زمانی که به دوران سبک شناسی دوران انگلیسی برسیم به آنها می پردازیم .

نقطه طلایی : ما نقطه دیگری هم داریم بنام نقطه طلایی که آقای داوینچی آن را کشف کردند و در عکاسی و نقاشی وجود دارد .

در معماری داخلی خیلی از نقطه طلایی استفاده نمی کنیم ، زیرا بیشتر

به صفحه آرایی مربوط می شود ، آقای داوینچی گفته اند که اگر یک صفحه داشته باشید آن را به سه قسمت مساوی تقسیم بکنید ، محل تقاطع دو نقطه در سمت راست و گوشه تصویر قرار دارد و یعنی شما هر چیزی را بگذارید دیده می شود .

مثلا : یک عکس گروهی می گیرید و کسی که دوست ندارید در نقطه طلایی ایستاده و صاف در آنجا قرار دارد.

یا مثلا : یک فردی تراکتی به شما می دهد که می بینید تبلیغ دندانپزشکی می باشد و یک دهان باز بزرگ با دندان های سفید ید در مکان مورد نظر گذاشته و یک نوشته هایی هم در آن قرار دارد که ما آن همه نوشته را نمی بینیم و در وهله اول آن دهان بزرگ را می بینی و آن در ذهن ما می ماند.

در این نقطه از سک های انگلیسی و نئوکلاسیک استفاده می کنیم که در همه سبک ها خیلی کم به کار برده می شود . من در سبک های مدرن و کلاسیک اصلا استفاده نمی شود .

در کلاسیک موضوع درج نمی شود و در مدرن هم چون خاصیت های خودش را دارد ما را به اینس سمت هدایت نمی کند . خیلی گزیده و کم از این تکنیک در فضا استفاده می کنیم .

نقطه در معماری و معماری داخلی در همه چیز آن اطلاق می شود و هر

چقدر فاصله اجسام از ما دورتر باشد آن جسم نقطه تر به حساب می آید. مانند: ستاره ها ، ستاره ها حجم های بزرگی اند اما از دور آنها به صورت نقطه مان می بینیم .

یا مثلا : از یک سمت شهر برج میلاد را نگاه می کنید یک تعدادی از نقطه های کوچک را می بینید در حالی که به آن نزدیک می شوید متوجه می شوید که پنجره های بزرگ و آنتن و دکل و ... که روی سطح آن فضا وجود دارد.

یا مثلا به یک شهربازی که می روید از پایین به بالا که نگاه می کنید متوجه می شوید که کسانی که آن بالا قرار دارند نقطه های ریز و درشتی هستند که شما آنها را می بینید ولی زمانی که آنها به پایین می آیند متوجه می شوید که آدم های بزرگی هستند که هم قد و قواره شما و شاید هم بلندتر از شما هستند.

پس بنابراین فاصله در معماری البته این نقطه را بیشتر تشدید می کند و این توجه به نقطه ای که مثلا در طراحی Roof Garden روف گاردین ها و در طراحی فضای سبز و حیاط ها که کمی به آنها توجه می شود ، به طور کلی در طراحی داخلی ما با نقطه ها و با ایجاد فاصله ها اصلا کاری نداریم .

خط و انواع آن :

۱-چند مدل خط داریم ؟

خط افقی ، خط عمودی ، خط مورب ، خط منحنی (خط شکسته از تقاطع یا به هم پیوستن از خط ها ی مورب به وجود می آید.)

خط افقی : چه احساسی به ما می دهد ؟

حس گستردگی که بسیار مهم است و در آن یک حرکت خیلی کمی وجود دارد که باعث ایجاد وسعت می شود و نمایانگر بزرگ نمایی است و اگر بخواهیم خط افقی را بیان کنیم که همیشه خواب و سکون است.

خطی است که ایجاد آرامش می دهد و مشخصات زنانه است که برای فضاهایی آقایان در آن کار و فعالیت می کنند به کار برده می شود .

این خط ، خطی است بی انرژی و مهربانی در آن وجود دارد و حس های تنش آمیزی در آن ندارد و همه چیز خوب است و انگار که با یک خطی روبه رو هستیم که ما را دچار اضطراب و استرس کند .

خط های افقی :

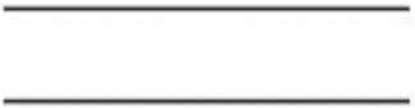

یکی از بزرگ ترین خط هایی که ما در دنیا می بینیم دریا می باشد.

اتصال آسمان و دریا ، اتصال آسمان و کویر، که بعضی از انسان ها می‌گویند ما می رویم غروب کویر یا غروب دریا را ببینیم ، این ذهنیت اشتباه است . چرا ؟

زیرا آن انسان ها می روند که بزرگ ترین خط افقی را نگاه کنند که احساس آرامش به آنها دست دهد ، چطور است که خورشید با رنگ نارنجی در بالاترین گرمای خودش قرار گرفته چه آرامشی به ما خواهد داد ؟

آن چیزی که به ما آرامش می دهد آن خط افقی بلند است که ساکت است و در کویر و در دریا هر جا که این خط افقی یک بلند باشد باعث آرامش بخش شدن فرد می شود.

حال خط افقی کاربردش در فضای خانه در چیست ؟

خواب و نشیمن خصوصی و آشپزخانه برای ایجاد وسعت و گستردگی اش به آن ما احتیاج داریم . اما در حالت کلی احساسش را خیلی احتیاج نداریم (در اتاق خواب پسرها) : باید از خط افقی استفاده شود در اتاق ها و دخترها اصلا نباید استفاده شود و تا جایی که در اتاق ها خانم ها باید از خط افقی و از ذهنمان دور کنیم .

اگر دخترش فعال داشته باشیم می توانیم از این خط در فضا استفاده

بکنیم و پسرش فعال اگر داریم که آن را ما آرام و ساکت کنیم این خط ها باعث می شود که انرژی آن پسر و یا دختر پیش فعال را کنترل کرد نه آنکه آن انرژی آن دختر یا پسر پیشوار را سرکوب کنیم و فرقی هم به سن آن پسر یا دختر پیشوان ندارد و اکثر در اتاق پسرها باید استفاده شود ما باید آن انرژی بیش از حد آن را به حد اندازه خودش برسانیم.

حتی در اتاق کار آقایان باید فرم های افقی بیشتر قرار بگیرد تا فرم های دیگر.

نشیمن خصوصی ، Tv room،living room برای کسانی که اعتیاد فیلم و سینما دارند از خط های افقی باید استفاده کرد.

زمانی که به حالت افقی نگاه می کنند مسخ می شوند و دیگر کاری نمی توانند انجام بدهند و خط آفاقق آنها را به خود می گیرد.

در نشیمن های خصوصی کاناپه های بزرگ قرار می دهیم و روی به قول معروف (لَم) می دهیم و مبل کلاسیک داخلش نمی چینیم و مبل های اِل L می چینیم .

اگر فضا مربع یا مستطیل باشد ، میزها را ما طول های بلند قرار می دهیم و ارتفاع آن کوتاه می گذاریم خود میز کوتاه است اما سطح وسیعی دارد .

تابلوها در اتاق های نشیمن خصوصی افقی نصب می شوند و اکسسوری های کاربردی در اتاق نشیمن خصوصی روی میز قرار می گیرند.

هیچ وقت روی فضای نشیمن خصوصی ظرف پایه دار بر روی میزها قرار نمی دهیم و این کار اشتباهی است و یک ظرفی که پایه اش روی میز قرار دارد را می گذاریم.

خصوصیات خط افقی :

همه چیز فضا به صورت دوستانه است و خط افق یک خط مهربان ، صمیمی، آرام که انرژی اش را انتقال می دهد و در فضای نشیمن خصوصی در سقفش پر از حالت های منحنی کار نمی کنیم و خطا به صورت آرام و آهستهن و به سمت مربع شدن حرکت می کنند.

یا نقطه کانونی که از در آن را می بینیم یک خط افقی بلند است و این خط در راستا برعکس چشم ما نیست و در نقطه کانونی یک خط بلند توجه ما را جلب می کند .

در فضای آشپزخانه اگر بخواهیم خط افقی را زیاد استفاده کنیم خانم خانه اصلا در آنجا نمی تواند کار بکند ، اما در آشپزخانه بیشتر وسعتش برایمان مد نظرمان است چون معمولا فضای آشپزخانه فضای محدود و متوسط و حتی در بعضی از موارد کوچک است .

حال اگر ما مثلا که یک آشپزخانه داشته باشیم و به همه آن که کشو بدهیم، کدام از موارد حالت آشپزخانه احساس آرامش دست می دهد ؟

این حالت کشویی آشفتگی بصری ایجاد می کند ، و فضا را کوچکتر نشان

می دهد.

زیرا ما در دوره مدرن هستیم و خط های افقی در آن مهم است و اکنون در دوران مدرن شهری به سر می بریم ، در دوران مدرن شهری از خطای عمودی و افقی خیلی زیاد استفاده می شود.

اندازه کابینت ها یکی است اما حالت آن افقی است و وسعت را نشان می دهد و اکثر کابینت سازها چون که گذاشتن در ارزان قیمت راحت تر است و خیلی به نفع آنهاست ، زیرا مدل خط افقی در کابینت ها و کشوها ، ریل می خواهد و ریل هایشان عدد گرانی هم هستند و همچنین آنها به لولاها وصل می شوند و ساخت آن جعبه که کشو طبیعتا زمان بیشتری می برد.

مثلا : شخصی می خواهد مرد داخل کشو یک لولا به کار ببرد که آن کشو دَرش خراب نشود و چیزهایی از این قبیل .... .

این ها همه معجزه خط افقی است که باعث به نظر رسیدن محیط می شود و از طرفی به خاطر حس آرامشی که به فضا به وجود می آورد می

تواند از حس قشنگ تری را به دیگران القا کند.

مثلا : جایی می رویم که خط واقعی آن زیاد است و خوابمان می گیرد و پس از آن ما باید با رنگ آن خط افقی را کنترل کنیم همان طور که گفتیم رنگ ها روی فرم ها تاثیر می گذارند و بعدا می توانیم این کار را روی آنها انجام بدهیم.

اگر زیادی از خط افقی استفاده کنیم ، یکنواختی و سستی و خستگی در فضا ایجاد می شود ، درست است که خط خوبی است اما آن شخصی که در آنجا زندگی می کند دوست دارد که در آنجا بخوابد و این خوب نیست در محیط ها معمولا از همه خط ها استفاده باید کرد.

اما از خط افقی ، شاخص ترین آن است که استفاده می شود و بیشترین خطی که توجه را به خود جلب می کند . خط افقی است و همه اینها را خط ها کنار هم می گذاریم و نباید انتظار داشته باشیم که خط افقی است و نباید خط مورب و عمودی با از همه این خط ها در فضا استفاده کنیم.

خط عمودی :

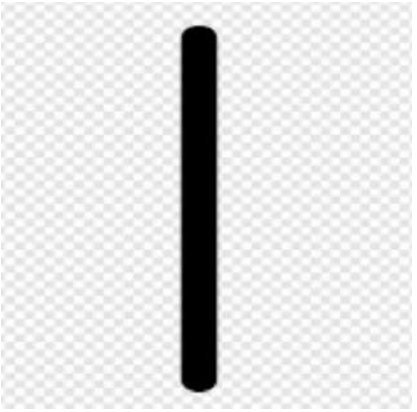

چه احساسی به ما انتقال می دهد ؟

حرکت عمودی ، صعود ، ترس و اضطراب ، هیجان و نشانگر به سمت خداوند است که همه سرها به سمت بالا قرار گرفته است .

اماکن مذهبی این خصوصیات را دارند و نگاه ها باید به سمت آسمان باشد.

این خط توهم زاست ، توهمی که از سمت قدرت است . مثلا : افرادی که گنبد سلطانیه می روند یا به تخت جمشید می روند و می گوید فضای آنجا ما را در خود گرفت ، گرفتنی در کار نیست ؛ آن خط عمودی بلندی آن فضا باعث ایجاد توهم می شود یا جنگل رفتن که خیلی درخت های بلندی که می بینی ایجاد ترس و توهم به شما دست می دهد و چیزهایی را حس می کنید که واقعی نیست .

دلیل این حالت استفاده از خط عمودی می باشد . ما این موضوع را در معابد یونانی خیلی می بینیم درصدها سال پیش زمانی که می خواستند معبد درست بکنند آن معبد سرشار از ستون های به هم چسبیده من پیچیده و بلند و با تاکید از اینکه یک ستون قرار می دادم و یک سرستون هم روی آن می گذاشتند و روی سرستون هم خط هایی می گذاشتند و قلم دانی انجام می دادند که ظرافت کار را نشان می دادند .

پس بنابراین حس توهم را ایجاد می کند و یک مجسمه ای را در وسط داشتند که خدای آن معبد و الهه آن معبد بود و باید به آن احترام گذاشته می شد این همه خط عمودی خودش باعث به وجود آمدن همچنین حسی در شخص مورد نظر در آن فضا می شود .

در کاخ ها هم همچنین حسی وجود دارد و در مساجد بلند هم همین اتفاق می افتد و ما به یک گندخانه ای که می روی و زیر آن فضای گنبدخانه که قرار میگیریم یک حال به خصوصی به فرد مورد نظر در آن فضا دست می یابد.

آن حالی که در شخص ایجاد می شود نشان دهنده در واقع ناشی از آن ارتفاع و همان توهم است که آرام آرام در فرد ایجاد می شود.

نکته مهم : به شدت خط مهمی در فضاهایی است که ما آن فضاها را خیلی لوکس نشان بدهیم .

کاربرد این خط در خانه ها در کدام فضاها بیشتر به کار برده می شود ؟

فضاهای پذیرایی ، لابی ، ورودی خانه خط شاخص است ما خط عمودی است .

چرا سازنده ها اصرار دارند که ارتفاع سقف لابی شان از سه متر بلندتر باشد؟

زیرا زمانی که پایه ما ان فضا می گذاریم ارتفاع بلند آن شخص را میخکوب کند ، مانند : هتل اسپیناس ، ارتفاع بلند لابی ، درهای بلند ، گچ بری های زیاد ، ستون هایی که تاکید بر خط عمودی را دارند همه این ها باعث می شود که نشان بدهد اینجا فضای خیلی لوکس است.

آن مجلل بودن فضا آن شخص را تحت تاثیر خودش قرار می دهد و اینها مشخصه قد عمودی است و ترس و استرس به وجود می آورد ؛ ارتفاع مبل پذیرایی بلند باید باشد ، زیرا مهمان می نشیند و می خو به فضا می شود و می رود و همچنین قاب های پذیرایی عمودی نصب می شوند .

ظرف و ظروف در این فضا په دارار استفاده می شوند و آباژورها رومیزی نیستند که در فضای خصوصی استفاده می شوند ، در این فضاها آباژورها بلند و استند دار هستند ، در فضای نشیمن خصوصی اگر از یک گل و گیاه کوچک استفاده می کردیم ، در فضای پذیرایی درختچه باید قرار بدهیم ؛ زیرا ارتفاعش بلند است و پرده ها عمودی اند و ممتدند و آن

حس مجلل و فاخر بودن را به کسی که به آن فضا وارد می شود را انتقال می دهند .

همه وسایل ها در فضای پذیرایی پیرو استفاده از خط عمودی می باشد و آن ترس و رعب و وحشت و معنای آن که من از تو بهترم و کمال گرایی در خط عمودی به کسانی که در آن فضا قرار دارند را انتقال می دهد پس ما در فضاهای پذیرایی به دنبال آرامش نیستیم و همان لوسترها که با ارتفاعات بلند استفاده می شوند .

فضاهای آنجا ۳ متر است ، برای مثال : در گوشه خانه اش یک لوستر کناری از سقف تا کف اضافه کرده ، چون حس قدرت را به کسانی که وارد آن فضا می شوند انتقال دهد فضاهای لوکس و شرکت های خاص و اتاق مدیران و هلدینگ های خیلی بزرگ که ما برای آنها سالن اجتماعات طراحی می کنیم در آن فضاها پنل های افقی در آنجا قرار نمی دهید و آرامش نباید بگذاریم از این موارد استفاده شود و برای جلساتی که مهمان می آید و می خواهد قدرتش را روی مهمان انتقال بدهد باید از مواردی که خط عمودی به کار برده شده است استفاده شود.

برای مثال : رستوران های خیلی لوکس ، سبک های عربی معمولا در ارتفاعات بلند استفاده می شودند و واقعا احساس قدرت را در محیط زنده و قوی می کند و هویت پیدا می کند.

خط مورب :

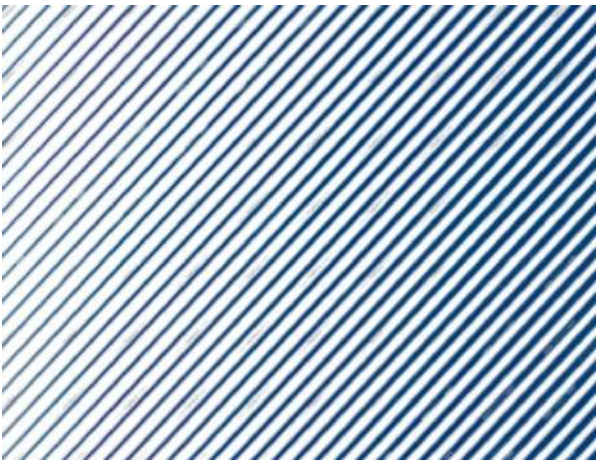

خط مورب چه احساسی به بیننده در محیطی که قرار می گیرد را ایجاد می کند ؟

خیلی پویا ، جز خط های نامتعارف به حساب می آید.

این خط ، خطی نیست که در طراحی داخلی مخصوصا به صورت روتین این را در هر جایی بتوان دید .

خصوصیات دیگر این خط پرانرژی بودن است و از مهم ترین دیگر خصوصیتش عدم تعادل است که یعنی هرچقدر افقی معبودی ساب و

ساکن متعادل و راحت هستند .

خط مورب تعادلی در خود هستند ندارد و زمانی که تعادل ندارد در واقع کمی استرس و اضطراب و ترس داخلش وجود دارد ، مانند : ایستادن روی سرسره یا ورزش اسکی زمانی که بالای قله پر بررف بایستید اگر تجهیزات و امکانات لازم را نداشته باشید به شخص آسیب وارد می شود و علاوه بر آن تجهیزات و امکانات را داشته باشید باز هم حرکت رو به پایین هیجان و کمی استرس و ترس داخلش وجود دارد.

این خط از نامتعارف و کم مصرف بودنش به چشممان کم می بینیم و این خط به هیچ عنوان خط خانگی محسوب نمی شود ؛

ما فضای مدرن داریم که کلا عمودی افقی در آن به کار می رود و در همه جای فضای خانه کاربرد دارد اما ما نمی توانیم خط مورب را برای یک خانه ای درست کنیم که کج باشد .

خط مورب که به آن خط مسابقه ای می گوییم مخصوصا در معماری استفاده می شود و چون خط عمودی افقی زیاد است و زمانی که خط مورب را بین آن خط ها می آید ساختار فضا را تغییر می دهد.

مانند : خانه ای هستیم که همه چیز افقی و عمودی است و یک فرش کج رو ما در آن فضا می اندازیم و یا مبل ها را زاویه دار قرار می دهیم که ایجاد خط مورب در وضعیت افقی است .

خط مورب در هر وضعیتی که باشد مکمل و خط باقی است یعنی هر چقدر خط افقی ساکت و بی حال و ساکن و یا شاید هم کم انرژی باشد خط مورب همه این خصوصیات را کنترل می کند و ساختار خط افقی را می شکند یعنی برای آنها انرژی به وجود می آورد.

اما خط مورب عمودی یک خط بسیار خطرناک است که ما خیلی کم در محیط های داخلی خانه از آن به کار می بریم اما خط مورب افقی خیلی خوب خط زیبا و پرکاربردی می باشد .

حال بگوییم خط مورب عمودی یعنی چه ؟

مثلا : یک دیوار را کج بسازیم یا یک کمدی را بدنه اش را کج کنیم درست است که خیلی قشنگی دارند ، اما به صورت تک آن مدل آن خودنمایی می کند یا مثلا آوانگارد معماری که کار می کنند.

یک راه پله ای را در وسط خانه درست می کنند که راه پله معمولا حالت کچ دارد و یک رنگ قرمز زیر آن کجی می زند که این نشانه تاکید بر خط مورب دارد ؛ همه فضا افقی است و هیچ انرژی ای وجود ندارد و فضایی که کاملا ساکن است و یک رنگ شاخصی که آن مورب را بیشتر نشان می دهد و در چشم باشد.

در محیط های داخلی برای محیطی مانند اتاق نشیمن که از خط های افقی به کار می بریم چراغ هایی برای آن فضا انتخاب می کنیم و می

خریم که شیدهایشان مورب است .

یا آباژوری را انتخاب می کنیم و می خریم که شید مورب دارد یا چراغ ها هم به همین صورت یا میزی می خریم که پایه هایشان داخل هم قرار گرفته است و آن فرم افقی را به آن انرژی و حرکت تبدیل می کنیم ، این خط ، خط تجاری و نمایشگاهی است ، مخصوصا خط مورب عمودی البته این خصلت را دارد مثلا : کسانی که در شمال ایران زندگی می کنند هیچ حسی به سقف خانه هایشان ندارند چون همه آنها یک شکلند و ما که به آنجا می رویم و از بیرون آنها را می بینیم برایمان جذاب و جالب است.

ولی پس از مدتی آرام آرام آن شخص را عصبی هم می کند خط مورب برای طراحی غرفه نمایشگاه بیشتر استفاده می شود برای مثال فردی می خواهد غرفه نمایشگاهش را شاخص تر نشان بدهد به جای اینکه دیواری ساده و با طرح های معمولی درست بکند یک دیواره ای مورب را می سازد و روی آن رنگ نمایشگاهی مانند زرد و نارنجی و از آخر نمایشگاه که آن دیوار مورب را که ببینیم .

چون در سه روز بیشتر بود آن غرفه در نمایشگاه نیست خیلی روتین و معمولی هم هست و کسی هم به آن کاری ندارد اما نمی توانیم در خانه مردم یک دیوار موررب کج درست کنیم که نامتعارف و عجیب و غریب است یا مثلا حتی خیلی اوقات دیده ایم که فضاهای زیر راه و پله ها را

حالت کج دارد و انسان ها آن را دوست ندارند و ترجیح می دهند که زیر آن فضایی می سازند و یک چیز کاربری به کار می برند که آن کجی را نشان ندهند .

معمولا از این چیزها استفاده می کنند و از جنبه روانی اذیتشان می کند و با آن کاری نمی توانند بکنند و با آن کنار بیایند پس بنابراین خط مورب خطی نیست که همه جا و همه روزه از آن استفاده بکنیم در کنار خط افقی کاربری پیدا می کند و کنار خط افقی آن انرژی را به وجود بیاورد و یک فرم خوبی را درست بکند و حس حرکت را نشان بدهد.

اگر توجه کرده باشید ما اگر سر کوچه مان قرار بگیریم یا یک خیابانی قرار بگیریم که ملکی سر چهارراه قرار گرفته باشد که ملک در سر آن خیابان یا کوچه باشد آن ملک یک دیواره ای دارد که مورب است و این استاندارد شهرداری این را بیان می کند زمانی که یک خانه ای است سر تقاطع قرار گرفته و به خاطر این افراد زمانی که از آن مسیر حرکت می کنند تصمیمی برای حرکتشان می گیرند همچنین اتفاقی در فضاهای داخل خانه هم پیش می آید و گوشه های خانه فضاهای پخت که آن قدر از نظر بعضی ها دوست داشتنی هستند جنبه کاربردی دارد.

مثلا : دو تا اتاق کنار همدیگر اگر قرار داشته باشد معمار یک گوشه از آن را پخش می کند و یک حرکتی را القا می کند و ما همیشه از آن حس

خوبی را به دست نمی آوریم و بدمان می آید.

پَخی هایی که در گوشه های داخلی خانه هستند و از نما آورده شده اند ممکن است سخت باشد ولی چاره ای نداریم از آن استفاده بکنیم و باید با آن کنار بیاییم خط های مورب را از سقف های کاذب می توان استفاده کرد.

در معماری موضوعی که وجود دارد این است که این کف و سخف باید با هم مناسب داشته باشن و این تناسبی که در کف و و سقف وجود دارد خیلی موضوع مهمی است و مثلا طرف برای به وجود آوردن حس ، اگر بخواهید به پاساژ کورش بروید و سقفش را ببینید شامل مثلث هایی است که کنار هم اند.

چرا آن سازنده پاساژ این کار را با سقف انجام داده است ؟

زیرا ، مرکز تجاری است و این حس حرکت القا می کند و انسان ها پشت ویترین گیر نکنند .

در معماری حرکتی وجود دارد به نام حرکت همار این حرکت حرکتی است که زاویه ۴۵ درجه از این دقیقا همان حرکت است ، الاغ ها با زاویه ۴۵ درجه حرکت می کنند ، شاید به موضوع معماری ربطی نداشته باشد ولی جهان و طبیعت از دست مخلوق به وجود آمدند و ما از آفریده های خداوند می توانیم در سازه های خودمان الگو بگیریم حتی اینکه همین

حیوانات هم از جمله همین الاغ که با زاویه ۴۵ درجه حرکت می کند هیچ وقت هم از هیچ جایی سقوط نمی کنند .

همیشه بیشترین تصمیم گیری و زیباترین حرکت ها را دارند در معماری هم از همین حرکت همار استفاده می کنیم ، زیباترین پلان ها در مسابقات و جشنواره ها جایزه برنده می شوند ؛ پلان هایی هستند که دیوارهایشان زاویه ۴۵ درجه دارد .

مثلا : به یک فردی زمینی داده اند و روی آن زمین یک ویلا ساخته با زاویه ۴۵درجه که البته وزش باد و زاویه نور را هم در این حالت باید در نظر بگیریم یا وارد یک خانه که می شویم یک دیوار صاف پیدا نمی کنیم و همه را حالت کج می بینیم و زمانی که از بالا به پایین پلان را نگاه می کنیم می بینیم رقص خطوط مورب را در آن فضا حس می کنیم و فقط حرکت ایجاد شده زیرا آن خانه خسته کننده نباشد .

وزش ها را با زاویه ۴۵ درجه می اندازند و سقف ها را زاویه دار می سازند مثلا : در راهرو خیلی دراز و طولانی اطراف آن را گچ بری بکنیم و لوستر را آویزان بکنیم در آن فرم های مورب می اندازیم و فضای یکنواخت را قطع می کنیم تا از آن حالت بیهودگی خارج بشود .

همه جلوی طولانی بودن سقف را گرفته ایم و همچنین خط مورب فرم های نامتعارف و یک خرده متفاوت را به وجود آورده است از همه مهم تر

این فضای راهرو و حس حرکتی را ایجاد می کند که خسته کننده هم نیست پس خط مورب که خیلی خط متفاوتی است .

این خط مورب به سمت خط افقی می آید تا آن را از کسالت خارج بکند و از آن بی حوصلگی که ممکن است.

در فضای افقی به وجود بیاید در آن جلوگیری می کند و خیلی فضای متفاوتی را ایجاد می کند .

دقیقا همراه یک خط مورب خط منحنی است ، خط مورب در فضا زیاد استفاده نمی شود بلکه خط کمکی به حساب می آید .

خط منحنی :

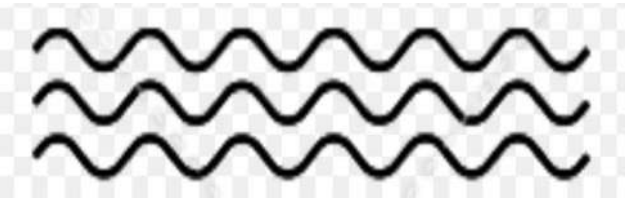

اهمیت این خط بسیار بسیار زیاد است خط مانند یک الگوی مکمل برای خط عمودی است و یعنی هر چقدر خط عمودی با آن حالت ترسناکی که دارد ساختار فضا را به هم می ریزد.

خط منحنی چه مشخصه هایی دارد ؟

این خط ، خطی منعطف و خوشحالی و شادی را در خود دارد این خط به شدت پرحرکت و پرانرژی است و این خط مشخصات مردانه دارد که برای خانم ها استفاده می شود .

ما هیچ وقت آقایی را ندیدیم که لباس چین چینی بر تن داشته باشد ، اما به چشم دیده ایم که خانم ها لباس چین چینی بر تن دارند و خیلی هم خوب است و جنبه مکمل دارد ، آن چیزی که نداریم را برمی داریم خانم ها آرامش دارند و آقایان سطح انرژی شان بالا است و آرامشی که خانم ها دارند را آنها ندارند و خط افقی را برای فضای اتاق یا اتاق کارشان استفاده می کنیم.

در عوض خانم ها سطح انرژی شان پایین تر از خطی را استفاده می کنیم که (اکتیو Active،) باشد و آن خانم را به حرکت در بیاورد و پرانرژی بشود پس بنابراین خط انعطاف پذیر که مکمل خط عمودی به حساب می آید ، فضاهای ما را کنترل می کند ؛ مانند : پنجره های بلند می سازند و بالاهای آن ها را منحنی می کنند که آن ترس حاصل از پنجره بلند را بگیرد درست است که هنوز آن قدرت خط عمدی را نشان می دهد اما دیگر قدرت آن خشک نیست و آزاردهنده و خشن نیست.

مانند : خانه های ایرانی که در قدیم پنجره های قدیمی آن که چنین چیزهایی را می دیدیم و پنجره هایی را می شناختند و قسمت بالای آن

را منحنی کار میکردند و طاق های منحنی که استفاده می کردند که همان اُبهت و عظمت را داشته باشد و حس خیلی خوبی که حرکت ناشی از خط منحنی را در خود به وجود بیاورد ، این خط منحنی زیاد خط مسکونی هم نیست و به عنوان خط مکمل در فضای مسکونی نیز استفاده می شود.

اما خط تجاری است و در باشگاه ها و استخرها استفاده می شود اگر دیده باشید در استخرها کاشی کاری هایی انجام می دهند که مانند : موج های آب و خال خالی ها و دایره دایره به کار می برند .

و یا در تالارهای عروسی میزها و سقف ها را فرم دایره شکل می گیرند و فرم های دیگر... .

این خط مکمل ، خط عمودی یعنی پشت خط عمودی قرار می گیرد و به شدت خط خوبی است و بعضی اوقات در فضاهای مسکونی خیلی از آن به کار

می برند ، اما این فط توهم زا است و باعث حس گیجی در فرد به وجود می آورد.

مخصوصا زمانی که خط منحنی به داخل هم می پیچد مانند تصویر زیر :

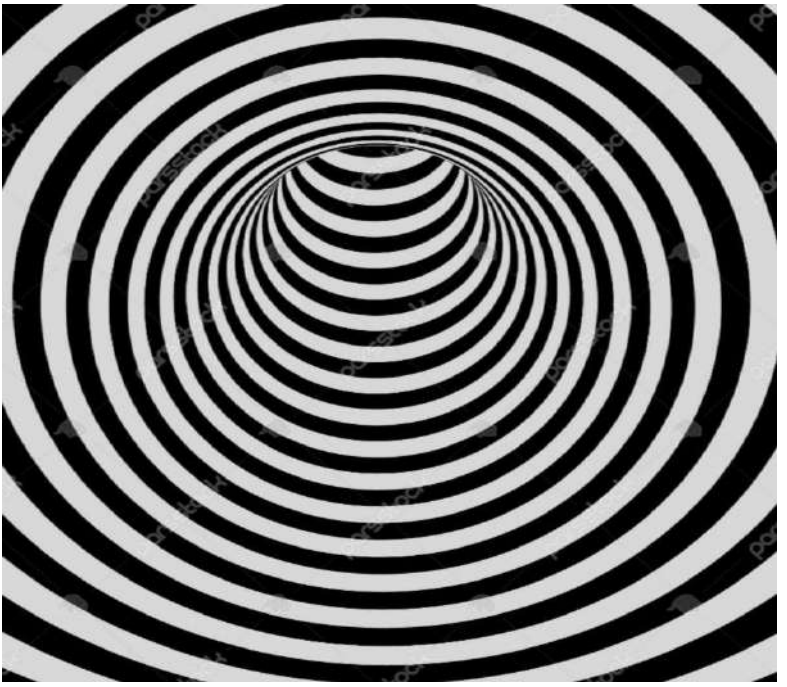

فرد مورد نظر را به حالت گیجی درمی آورد و او بازگو کنند این است که مثلا : نباید ما سقف مان را یا فرش مان را و یا حتی مبل مان همه آنها را هماهنگ با هم به حالت گرد دربیاوریم اینها باعث گیجی می شود .

و بی سواد ترین انسان ها این فرم را انتخاب می کنند ، دایره را از پذیرش زیاد به کار می برند و یا مربع را از همه جا استفاده می کنند باید یک هم نشینی مناسب از خط ها در همه فضاها استفاده کنیم در همه فضاها الزاما چیدمانش درست نیست و در برنامه (پینترس pintress،) که می رویم یک تصویر چیدمان می بینیم ؛ الزاما آن درست نیست ممکن

است که شما به عنوان تازه کار که بتوانیم راحت غلط کار را بگیریم.
پس بنابراین توجه به فرم جزو گزینه های خیی مهم در طراحی داخلی به حساب می آید ، فرم ها مخصوصا وجود فرم منحنی در محیط می تواند گیجی در فرد مدنظر به وجود بیاید .

از قدیم در سر خیابان فلسطین یک کافه ای که تبدیل به تالار عروسی به نام کوچینی شد تا چند سال پیش زمانی که روبرو آن در آنجا می ایستیم در آن مکان باز بود در ورودی ها شبیه به غار بود و یک در کوچک داشت و هم نشینی دو رنگ سفید و مشکی که منحنی های درهم پیچیده در بالای سر رد می شد و از همان اول فرد مورد نظر را گیج می کرد .

تا آن اینکه بالاخره به داخل فضا برسد زمانی که آن موقع کافه بود این حالت منحنی را انتخاب می کردند و خیلی انتخاب درستی برای آن فضا در زمان خودش بود و آن شخص را با المان های بصری اش کاملا در واقع خلق می کند و این برای تالارهای عروسی هم خوب است و صدق می کند.

همچنین در این تالارها دایره ای شکلش انرژی فراوان به افراد داخل تالار هم می دهد این مووی هایی که نورپردازی می کنند به شکل مربعی نیست با آن ها گوی هستند و آنها ها به صورت اثبات اند .

به صورت لکه های دایایره ای شکل اند و نورهایی که در کنسرت ها و تالارهای عروسی دهانه نور مربعی شکل باشد و ما هم چنین حالتی را نمی بینیم اما فیلترهای مربعی شکل و یا چند سنی شکل و گل و گیاه داریم و همه مدلی هم وجود دارد.

ولی استثنائا همیشه به شکل دایره است و فرم آن را منحنی می بینیم و به ما حس منحنی القا می شود این مدل حرکت خیلی زیادی وجود دارد ، اما حرکتشان بیش از اندازه است و سعی می کنیم در اتاق پسربچه ها کمتر مورد استفاده قرار بگیرد .

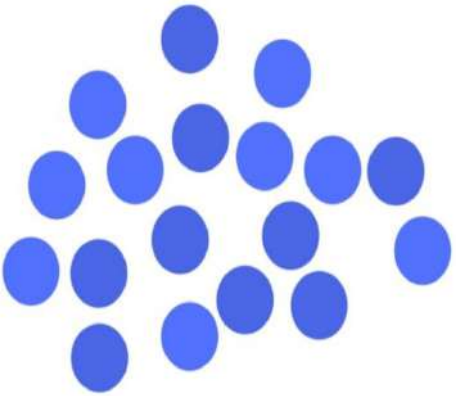

مثلا : در اتاق پسربچه پرده خال خالی نباید استفاده کنیم و یا فرش با شکل دایره اصلا نباید انتخاب شود و برای اتاق دختران می توان از این مدل فضا استفاده نمود می توان گفت از این مدل کاربری برای اتاق

پسران ممنوع است.

سطوح و حجم ها :

(سطوح یا هندسی اند یا غیر هندسی)

گروه اول : سطوح هندسی

۴ ضلعی ها تحت عنوان مربع و مستطیل اند .

این مستطیل ها هم باز می توانند عمودی یا افقی باشند و (دایره) میتواند ایجاد بشود ، به وسیله خط منحنی در فضا به کار ببریم.

بوسیله خط مورب می توانیم ما یک مثلث داشته باشیم .

مستطیل عمودی

مستطیل افقی

مربع

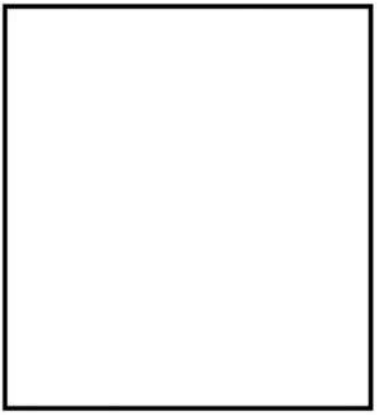

مثلث

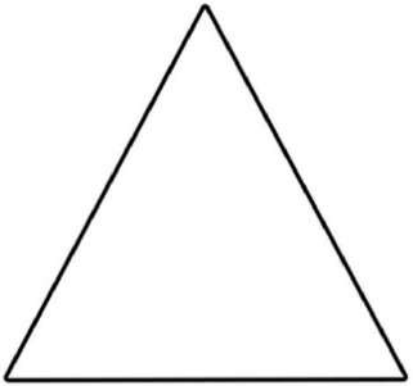

دایره

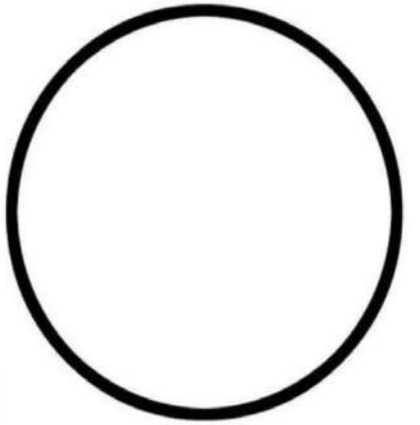

درکنار احجام هندسی ، سطوح هندسی گروه دوم هم داریم مانند :

ذوزنقه ، چند ضلعی ، بیضی ، متوازی الاضلاع ، فرم های هندسی گروه دوم اند.

ذوزنقه

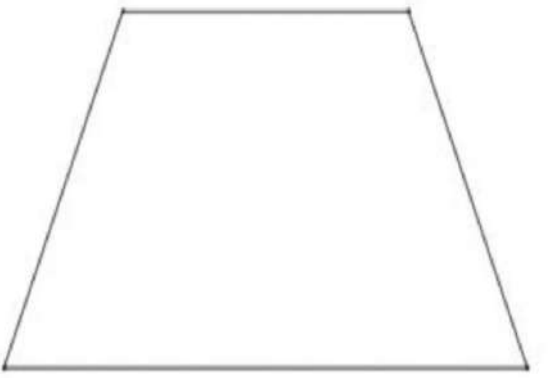

چندضلعی ها

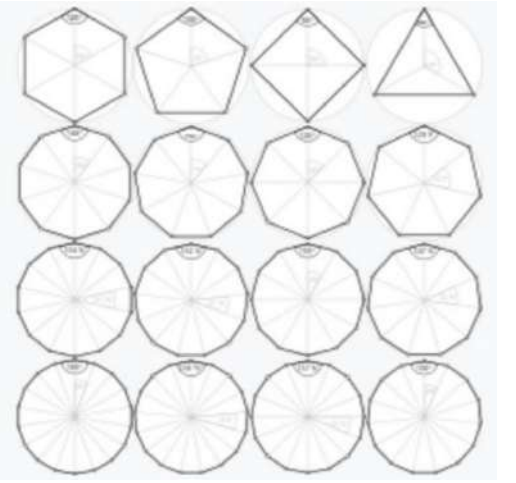

بیضی

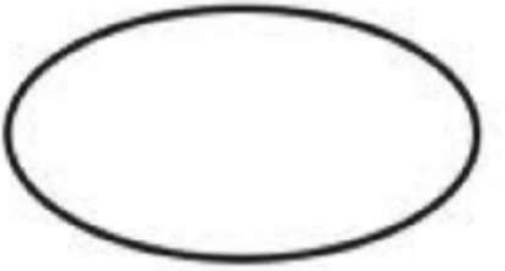

متوازی الاضلاع

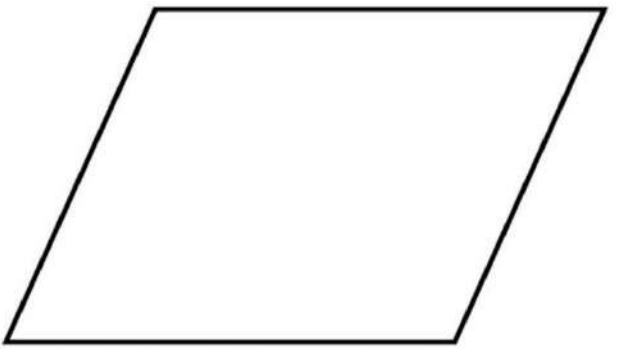

احجام غیر هندسی نام بخصوصی ندارند مانند تصاویر زیر :

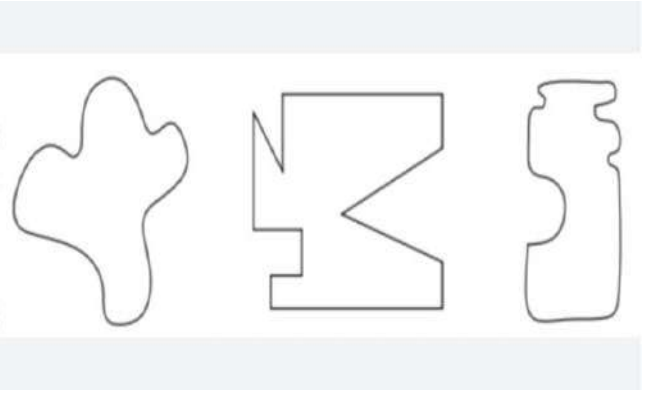

اگر بخواهیم آنها را تفکیک کنیم آن را می شکنیم و می گوییم که بر فرض مثال : این احجام غیرهندسی از سه تا حجم هندسی تشکیل شده اند .

برای مثال : از یک ذوزنقه و مثلث و دو تا مربع و مستطیل است .

غیر هندسی یعنی : اسم خصوصی آن شکل ندارد .

مشخصات سطوح هندسی و غیرندسی چه شکلی تعریف می شود ؟

بر اساس خطوط تشکیل دهنده شان خصوصیت شان تعریف می شود ، این اتفاق در احجام هم صدق می کند . یعنی اگر ما بخواهیم از حجم صحبت بکنیم و بگوییم : حجم ها ۳ بعدی شده سطوح اند . دقیقا مشخصات خطوط تشکیل دهنده شان را دارند .

مربع از ۴ تا خط هم اندازه تشکیل شده است و چه مشخصه هایی دارد ؟

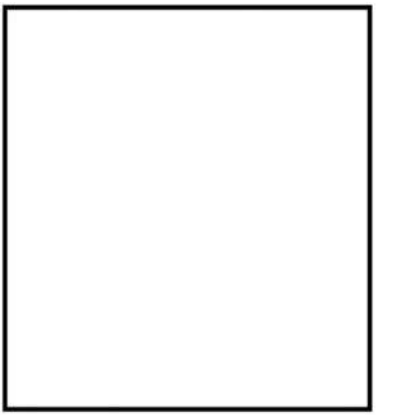

سکون و هیچ حرف دیگری برای خود ندارد و آن یک المان خنثی است ، زیرا ، مربع هم اضلاع آنها با هم برابرند .

برای همین است که ما در عصر مدرن زندگی می کنیم فرمای مربع شکل خیلی طرفدار دارد . چرا ؟

زیرا ، کسانی که طرفدار مدرن هستند قطعا مانند کسانی که حالا حوصله پیچیده را ندارند ترجیحا آنها سعی می کنند که فرم ها حرفی برای گفتن نداشته باشند و ساکت باشند مانند : تابلوهای مربعی شکل .

کمی شکل شبیه مورب است و کمتر دیده شده است ، همه آنها را دوست دارند مانند پاف های مربع شکل .

مشخصه مهمی که این شکل مربع دارد : ثبات او است ؛ این شکل خیلی پرکاربرد است ؛ زیرا ، هیچ انرژی را به محیط وارد نمی کند .

مخصوصا مربع های مکعبی شکل که هم اندازه اند و همه اعضای آن برابرند و هیچ حسی را تقریبا انتقال نمی دهند.

مشخصه های مستطیل : مستطیل ها مانند مربع ها نیستند و مشخصات خط تشکیل دهنده شأن را دارند.

مستطیل افقی مستطیل عمودی

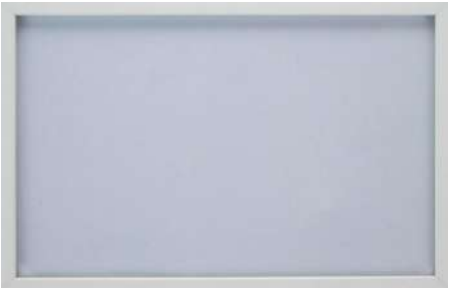

مستطیل افقی مانند : فرش می ماند که مستطیل عمودی مانند : ستون یا در کمد می ماند . مشخصات خط مستطیل مورب قرار گرفته است و درست است که قاعده یا ضلع پایینش قرار بگیرد جزء متعادل ترین سطوح به نظر می رسد ولی کافی است که آن برعکس بشود و از حالت تعادل خود درمی آید و همان حس هایی که خط مورب ترسناک همراه خودش داشت از جمله : نامتعارف و عجیب و غریب بودنش را در خودش ایجاد می کند .

مشخصه های دایره :

شکل دایره

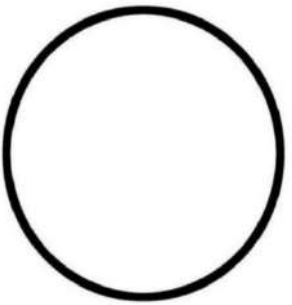

شکل دایره همه ی خصوصیات خط منحنی را در خودش دارد .

همه این سطح ها در یک مرحله یا (لِوِل ، level) بالاتر به حجم تبدیل می شوند و مانند :

مربع به مکعب مربع :

مکعب مربع

مربع

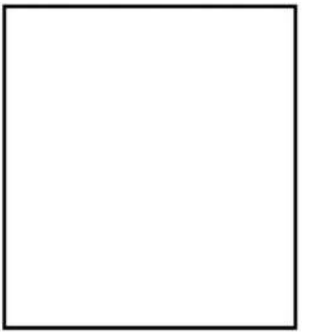

همچنین در عمودی و افقی بودن مکعب مستطیل فرقی ندارد ، برای نمونه:

مکعب مستطیل

مستطیل

عمودی

دایره به کُره و استوانه تبدیل می شود.

استوانه

دایره

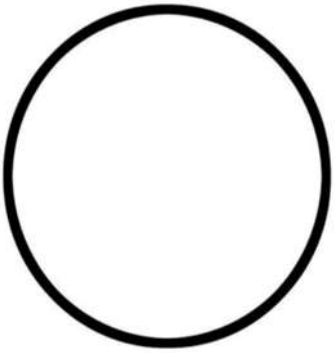

کره

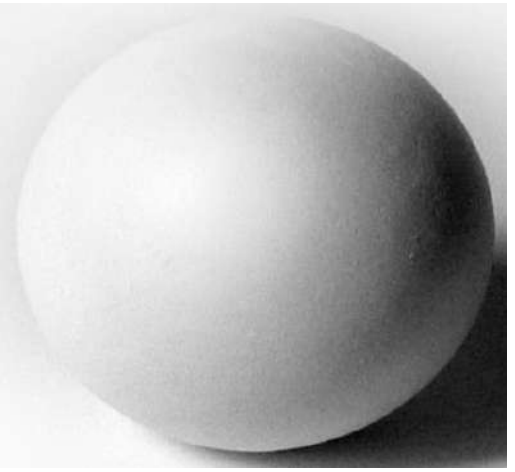

البته بیشتر ما با استوانه در فضا استفاده می کنیم .

استوانه چیست ؟

یک دایره ای است که عمودی شده است یعنی آن همه افسارگسیختگی را که در خط عمودی به صورت وحشتناکی که در خود داشته را کنترل می کند . مانند : زمانی که یک مکعب مربع عمودی می شود و بالا می آید ، تبدیل به یک صندلی می شود مثل « پایه میزها » .

حالت خشکی دارد و زمانی که استوانه می شود کمی بازیگوشی منحنی در آن وجود دارد و آن اذیت و آزار و ترس کمتر داخلش قرار دارد .

یا ستون هایی که مقطع دایره شکل دارند و استوانه هستند طرفداران بیشتری نسبت به ستون هایی که مقطع مربع شکلی دارند ، است . در فضای تجاری در پارکینگ آن ستون هایی که دارند مقاطع آن خشک است اما زمانی که به طبقات بالاتر که می رویم آنها به فرم های دایره ای شکل شده اند . برای اینکه حس بهتری به فرد مورد نظر بدهد و از آن خشکی مربع و مستطیل کمتر بشود و یک شکل قابل پذیرش را به وجود بیاورد .

این اتفاق درمورد مثلث هم درج می شود ، و آن تبدیل به مخروط و هرم می شود.

مخروط

مثلث

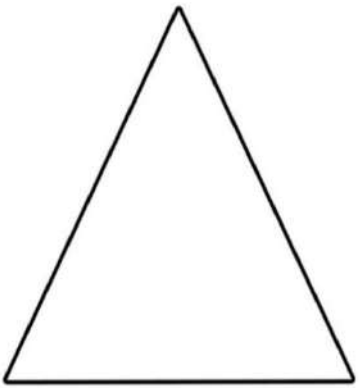

اما مخروط خنگ است و مقطع آن دایره شکل است و برای خودش خوشحال است و آن را اگر بیندازی حرکت می کند.

هرم

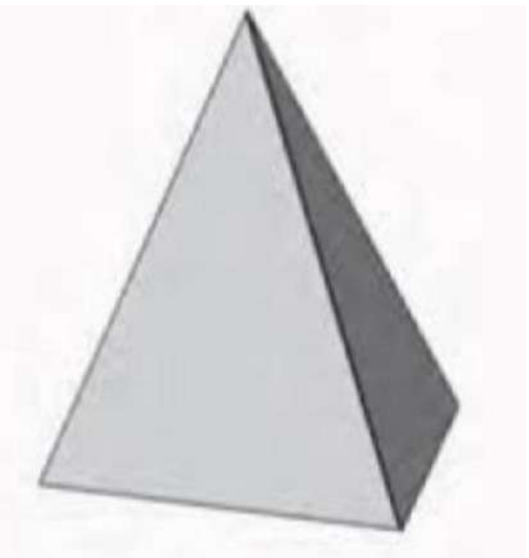

هرم ترسناک ، خشک و ناراحت است و مقطع آن مربع و مثلث ها روی آن آمده است .

این حجم جز اکسسوری می تواند به قول معروف پوست فضای ما را بکند بعضی و وقت ها طراح داخلی انتخاب هایی در اکسسوری در فضا ایجاد می کند می توانند از قدرت خط عمودی را حل دهد بشکند.

مانند : انتخاب کردن آباژورها و اکسسوری هایی که روی میز قرار دارند.

مخصوصا در فضاهای شلوغ استفاده می شود و اکنون ما در دوره اسکاندیناوی هستیم و در دوره ای زندگی می کنیم که سبک های غالب مان : مدرن شهری ، اسکاندیناوی و آرت دِکو می باشد .

این سه سبک زیر، زیرجموعه های سبک های مدرن هستند و از سبک صنعتی ما رد شده ایم و اکسسوری بر محیط غالب است هرجا شما می روید می بینید که یک سینی گذاشته اند و روی آن سینی یک سری اکسسوری داخلش وجود دارد .

دیوارها شلوغ است و قاب عکس های زیادی به کار برده می شود و همه چیز پر از انرژی کاذب است . شمع استفاده می شود و یک سینی می گذرند و داخل آن گل های فراوان می چیند و روی دیوارها اکسسوری است و همه چیز شلوغ است .

کشور ما مینیییمال پسند نیست ؛ شعار مینیییمال « کمتر بهتر است »
یک ایرانی را نشان بدهید که شعار مینیمالی با کمتر بهتر موفق باشد ؟ وجود ندارد .

اِلمان های سبک این دوره ای که زندگی می کنیم مینیمال است و فرم ها ، فرم های اسکاندیناوی است.

مدرن کار می شود اما نمی تواند خودش را از رنگ طلایی دور کند . زیرا ، ذهنش آرت دِکو پسند است و ما اکنون در دوره آرت دِکو هستیم که ما در آن میزهای طلایی که پایه های استیل دارند ، ایینه های ۴ تراش که روی این دیواره استفاده می شوند.

فرم های هندسی گنگ های طلایی و نقره ای دارد ما از وسایل هایی است که از آنها استفاده می کنیم ما را به چالش می کشد یعنی اکسسوری در دوره ای که ما زندگی می کنیم از مبلمان و فرم های معماری اهمیتش بیشتر است . مواردی مانند : هرم و مخروط و کلاه که طرف مقابلمان با شمع که کروی شکل کار می کند و آن را روی میز اتاق نشیمنش می گذارد.

یا میزی درست می کند که در اتاق نشیمنش که دچار چالش می شویم و اکنون ما در آن حالت متوجه نمی شویم که آن چه دلیلی برای این کار داشته است ؟

اما ما به عنوان یک طراح داخلی چون فرم ها را می شناسیم و این فرم ها را درست انتخاب می کنیم ، زمانی که ما به یک طراح محیطی می رویم باید فضایمان درست و استاندارد باشد چطور اکنون می گویند که تِم صورتی برای تولد یک فرد یک چیز رایج شده به عنوان تم که در قالب رنگ و شخصیت های کارتونی هم وجود دارد .

اما ما هم باید تم کاری در فضایی که کار می کنیم مشخص باشد و همچنین به این فضا ورود می کنیم و تیمی که باید ایجاد کنیم حس آرامش هم داخل اش هم ایجاد بکنیم یا قدرت و هیجان را با خطا در فضا به کار ببریم و خیلی زیرپوستی و نامحسوس بدون اینکه شخصی متوجه بشود که ما چطوری آن را انجام می دهیم و این تفاوت کسی است که طراح داخلی را اصولی یاد گرفته است با کسی که نجار است و از داخل یک مشت کاتالوگ و چیزهای مختلف اکسسوری زیاد را داخل هم دیده و کنار هم می چیند.

این تفاوت خیلی مهم است و باعث می شود که منحصر به فرد باشیم و شاخص باشیم و یک نفر هم چهل سال است که کار می کند و نمی دانیم که او کیست و چه کاری می کند ؟

پس فضاهای ما باید یک تمی داشته باشد و شاید شنیده باشید خط طراح یا قلم طراح ، قلم طراحی این است که کارش مدرن است و ساکن

و آرامش کار می کند و یک فرد دیگر است که قلم خیلی پرهیجانی دارد و ما اول باید خودمان را بشناسیم که محیطی را می خواهیم انجام بدهیم را تشخیص بدهیم و ببینیم به عنوان طراح « قلم من » چه کارهایی را باید بکند یا می خواهد انجام بدهد ؟

من به « عنوان طراح » چه قلمی را باید داشته باشم ؟ ، قرار است قلم هیجان انگیز یا آرامش بخشی داشته باشم و قرار است با آن فضا چه کاری باید انجام بدهیم ؟

زمانی که ما راجب به سطح ها صحبت می کنیم ، همانطور که خط ها مکمل داشته اند سطح ها هم دارند ، ما در محیط ها از لحاظ استاندارد سطحی و از لحاظ استاندارد هندسی می توانیم قاب ها و کادرهای مربعی شکل و مستطیل شکل ببندیم و داخل کادر مربع و مستطیل مان یک دایره بگذاریم یا بیضی قرار بدهیم یا چند تا دایره قرار بدهیم ؛ این کار زشت ترین اتفاق دنیا و غیراستاندارد است و ما در فرم های منحنی چهار ضلعی یا فرم های خشن شکسته قرار نمی دهیم و این کار غلط است .

اما در فرم های دایره ای شکل هستند می توانیم خود دایره را بگذاریم اما باید مسئولیت آن را قبول کنیم که گیجی در فضا به وجود نیاوریم .

پس بنابراین برای یک طراح تازه کار سراغ وسایل و موارد اولیه برود و برای کسی که عمر بیشتری را می گذراند و می تواند سراغ این فرم ها

برود این اتفاق در معماری ایرانی علی الخصوص جزء فرم هایی است که همه جا آن را می بینیم و یک آرامگاه مربعی شکل که یک گنبد دایره ای شکل روی آن قرار دارد یا یک مسجد مستطیل شکل گنبد روی آن قرار دارد و با فرم شاخ بُزی قرار گرفته و گویی یک مخروط روی آن بود قرار گرفته است .

پس این فرم چه در معماری ایرانی و چه در معماری مدرن باشد ما باید این فرم را می پذیریم و باید بپذیریم اما این را خیلی باید با احتیاط به جلو پیش ببریم .

هم خوانی و هم نشینی رنگ ها :

ته رنگ هایی که خاکستری دارند جزو رنگ های اولویت ما هستند و ما از آن در فضای داخلی مان استفاده می کنیم اما امروز راجب به مشخصه های همخوانی رنگ ها و هم نشینی رنگ ها با چه سیستم و به چه صورت امکان پذیر است ؟ و هارمونی و کنتراست هم طبقه بندی شده اش می پردازیم

یک دایره ای را درست می کنیم تحت عنوان دایره رنگ و یک مثلثی را داخل این دایره قرار می دهیم و رنگ های فرعی و اصلی هم در آن می نویسیم رنگ های اصلی داخل مثلث و رنگ های فرعی هم اطرافش قرار دارد عنوان بندی که می کنیم و هر رنگی را سر جای خودش می گذاریم

رنگ زرد و قرمز و نارنجی و بنفش و سبز و آبی است .

هر کدام از این رنگ ها که دایره رنگ که آقای ایتن گفته اند و آنها را تحت عنوان رنگ های اصلی و فرعی و ترکیبی که در یک خانواده بسیار بزرگ گرم و سرد قرار گرفته اند ، گوشه سمت راست رنگ ها زرد نارنجی و قرمز که جز رنگ های گرم اند و سبز و آبی و بنفش جز رنگ های سرد به حساب می آیند در خصوص رنگ های گرم که دو رنگ اصلی گرم داریم و در حالی که در رنگ های سرد دو تا رنگ فرعی سرد داریم .

پس این به این معناست که رنگ های گرم را به صورت کلی در اطرافمان بیشتر داریم زمانی که ما نگاهی به طبیعت می اندازیم یا تمایل آدم ها را به سمت رنگ ها نگاه کنیم متوجه می شویم ، که رنگ های اصلی جز رنگ های شاخص اند و تمایل افراد به رنگ های گرم کمی بیشتر است و به صورت عمومی و کلی رایج است .

حال اینکه آدم ها چه مشخصاتی دارند ؟ و برای استفاده از چه فضایی از آن رنگ ها استفاده می کنند ؟ و این رنگ ها هر کدام استاندارد چه فضایی است؟

ما به صورت ذاتی خیلی به سمت رنگ های گرم کشیده می شویم . زیرا ؛ بیشتر آنها را دیده ایم و در کل انرژی بیشتری را به وجود می آورد . اما بعضی از رنگ ها برای برخی از فضاها اصلا مناسب نیستند و ما نمی توانیم در بعضی از فضاها از آنها استفاده کنیم .

(رنگ زرد) به عنوان اولین رنگی که در گروه دایره رنگ بپردازیم .

این رنگ چه شکلی است ؟ یکی از اشکال زیر انتخاب می کنیم و شکل

مورد نظر هررنگ را می گوییم و طعم آنها چه مزه ایی است ؟

شکل ها :

دایره ، مستطیل ، مربع ، چندضلعی ، ذوزنقه ، مثلث ، بیضی

مستطیل

دایره

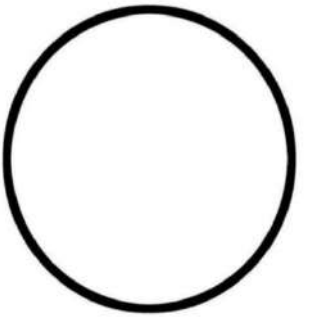

چندضلعی

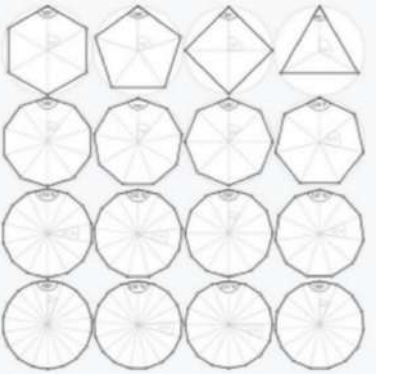

مربع

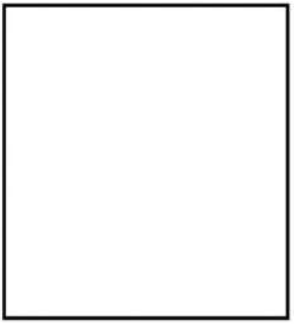

ذوزنقه

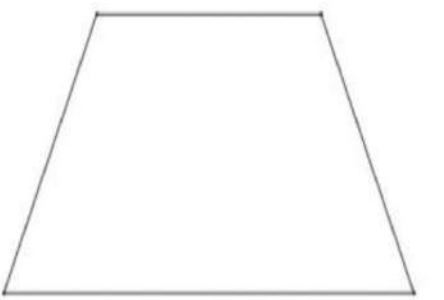

مثلث

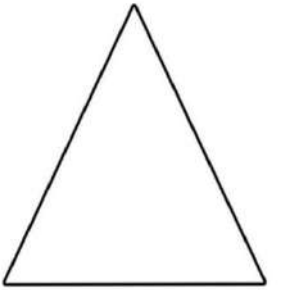

بیضی

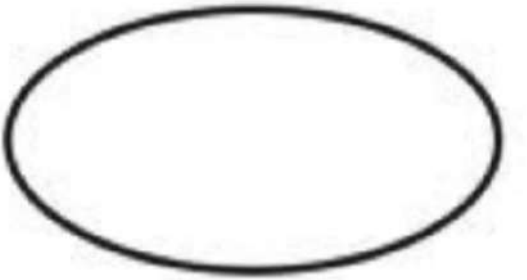

طعم ها : تلخ ، ترش ، شیرین ، گس ، شور و تند .

رنگ زرد :

این رنگ جز رنگ های گرم قرار دارد ، دوما این رنگ از لحاظ بصری و از لحاظ طعم و مزه یک مزه بخصوصی دارد .

رنگ زرد چه شکلی و چه مزه ایی است ؟

مزه : ترش

شکل : مثلث

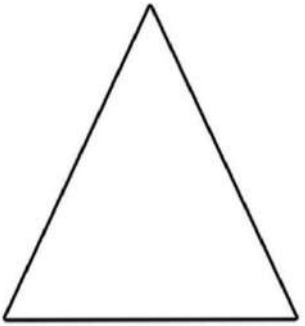

رنگ زرد اصلی طبیعتا یادآور خورشید است ، و ما همیشه خورشید را تجز می کشیم حتی به صورت فانتزی هم که شده با یک سری مثلث

خورشید را نشان می دهیم .

زمانی که رنگ زرد مثلثی شکل می شود و یک مقامی را برای ما می فرستد و او می گوید که هر چیزی را که به رنگ زرد در بیاورید بلافاصله دیده می شود یعنی اگر یک چیزی یک شی داریم یا یک مجسمه ای داریم و یا

می خواهید آن در دید باشد دایره رنگ به ما می گوید ر؛ نگ زرد را برایش انتخاب بکن .

رنگ زرد اصلی به شدت گرم و جلب توجه کننده است یعنی هر کاری هم بکنیم در زیر رنگ های دیگر یا هر چیز دیگر هم قرار بگیرد باز هم خلاصه دیده می شود .

یکی از رنگ هایی که از دل رنگ زرد بیرون می آید آن طلایی است و ما می بینیم که برای لوکس کردن و برای نمایش های متظاهرانه از رنگ طلایی استفاده می کنیم.

پس جز رنگ هایی به حساب می آید که در هر مکانی که باشد خودش را نمایان می کند .

ین رنگ اشتهاآور است ، اما اشتهاآور زرد چگونه است ؟ آیا اشتهاآوری زرد رستورانی است یا فست فودی ؟ چرا ؟

این رنگ به این دلیل اشتها آور است که ایجاد هیجان را در خود به همراه دارد در فست فود این اتفاق برایمان می افتد و این رنگ فست فودی است.

رنگ زرد همراه خودش اضطراب را به دنبال دارد و همچنین برای محله هایی که زیادی جمعیت دارند و شلوغ اند و اماکنی که در مکان های پر رفت و آمد جامعه اند ما از رنگ زرد استفاده می کنیم .

مثلا : بازار تهران ، می خواهیم فست فود طراحی کنیم و زرد اصلی را برای المان هایمان انتخاب می کنیم ، اولا که به چشم می آید و دیده می شود و دوما بازار خیلی شلوغ است و ما نمی توانیم کیف و دفتر و کتابمان را پهن کنیم و سه ساعت بنشینیم و در آنجا سریع غذایمان را بخوریم و سریع بیرون بیاییم .

پس بنابراین ؛ رنگ زرد به دلیل داشتن این مشخصات به عنوان رنگ رستورانی انتخاب نمی شود ، دیگر برای ایجاد حس تجمل گرایی آن هم از قسمت طلایی اش استفاده می شود ، یعنی رنگ زرد اصلی فست فودی

است. اما خانواده تجمل گرا زرد مثل ؛ طلایی ، برنجی ، کاهی یا حتی کِرِم که خیلی ساکت و آرام شده رنگ زرد است و همچنان آن رنگ زرد در انتهای خودش هیجان و حداقل گرمی را به دنبال دارد .

اما آن اضطراب را در خودش ندارد تنها چیزی که رنگ زرد داخل رنگ کرم باقی می ماند ، گرمی آن است ولی داخل رنگ زرد اصلی مشخصات منفی هم دارد ؛ مقداری در آن ترس وجود دارد چه به تنهایی و چه در ترکیبات این خصلت را در خود قرار می دهد و این رنگ می تواند در حالت عادی خودش هم قدرت داشته باشد با برتری هم در خود جای بدهد .

هنوز ما به رنگ طلایی ورود نکرده ایم و در رنگ زرد قرار داریم اما این زرد را در چه اشکال در سطح جامعه می بینید که رنگشان زرد است؟

ماشین های راه سازی ، جرثقیل ها که مثلث احتیاط را نشان می دهد رنگ زرد تاکسی ها نشان دهنده قدرت و جلب توجه است و معنای احتیاط را در خودش ندارد .

رنگ زرد با رنگ سیاه ترکیب شود و با رنگ سفید هم ترکیب می تواند شود یک مشخصات جدید را هم دارد و ما می بینیم که رنگ زرد زمانی که با سفید ترکیب می شود خیلی آرام و بی انرژی می شود و در واقع اشباع می شود.

هم نشینی رنگ :

زمانی که با سیاه ترکیب می شود قدرت پیدا می کند ، حالا رنگ زرد زمانی که در کنار رنگ سفید قرار می گیرد که ما به آن هم نشینی می گوییم ؛ زمانی که هم نشینی رنگ سفید می شود کودکانه و مهیج است و زمانی که کنار سیاه قرار می گیرد ترسناک می شود.

در طبیعت حیوانات خطرناک و سمی رنگشان زرد است ، مانند : مار و زنبور که زنبور همنشینی زرد و مشکی است و ما حتی اگر به این باور داشته باشیم که زنبور با ما کاری هم نداشته باش و اولین بار هم اصلا است زنبور را هم ببینیم ترس آدمی را می گیرد چون راه راه زرد ومشکی است و فرد مورد نظر را می ترساند یا مانند : ببر، پلنگ ، شیر که اینها تمام شان در واقع رنگ های خانواده زرد هستند ؛ عقرب های کشنده و خطرناک ها که رنگ زرداند پس این رنگ خیلی مهم است و زمانی که به طبیعت مراجعه می کنیم.

هر چقدر زبان نداشته باشد که به ما بگوید از من بترس را وجود دارد که آن برای رنگ خودش رو به فرد مقابل وادار می کند که بترسد و حتی اگر یک وسیله خطرناک هم نباشد رنگ زرد را که به آن بزنیم جز را در وجود خود القا می کند و باعث ترساندن دیگران می شود .

پس رنگ زرد در طراحی داخلی با این همه مشخصه که یک ترفند برای

آن باید قرار بدهید . مثلا : اگر یک نفر به ما بگوید که من رنگ زرد را دوست دارم و شما کاری که انجام دادید اینید که همان دقیقه رنگ زرد اصلی را به کار ببرید.

زیرا ، فردی که در آن فضا می خواهد زندگی کند در درازمدت دچار آسیب روانی روبه رو می شود و خیلی هم به صورت جدی پس بنابراین : رنگ ها ما باید کمی تغییر می دهیم و با سفید آن را ساکت می کنیم و با خاکستری آن را خفه می کنیم و دیگر عملا چیزی است ته رنگ زرد باقی نمی ماند .

زمانی که با رنگ سفید ترکیب می شود درست است که مهیج و کودکانه است و در بعضی از لِوِل ها قرار دارد ، اما قدرت رنگ زرد در سر جای خودش است و در مهدکودک ها برای اینکه به کودکان هیجان بدهیم در مسیری که کودکان در مهدکودک رفت و آمد دارند اندکی می توان از رنگ زرد استفاده کرد ؛ اما این رنگ زمانی اجازه ورود به طراحی داخلی را دارد که با سیاه ترکیب شود و از حالت عادی خودش خارج بشود و دوم اینکه با خاکستری درگیر شده باشد و آن انرژی هیجانی خودش را از دست بدهد با رنگهای سلطنتی می توانیم مانند : خانواده طلایی و کاهی از رنگ زرد آن را بیرون بکشیم و از خصوصیت آن جلب توجه کننده اش استفاده بکنیم

پس بنابراین : رنگ زرد را خیلی باید جدی گرفت و این رنگ برای فضای فست فود خوب است و برای مثال : می خواهید نانوایی طراحی کنید رنگ زرد برای آن بسیار عالی است ، زیرا ؛ انسان ها را به سمت خودش می کشد و کالای کم قیمتی است و با بوی نان جایی که نان درست می کنند.

زمانی که با آن بو این رنگ زرد ترکیب می شود یک چیزی درست می کنیم به نام روانشناسی بو طراحی داخلی از آن می توان استفاده کنیم یا یک سری بوهایی را که خواستند برای یک سری مغازه ها و مکان ها استفاده می کنیم و یک عطری را بر فضا ساختیم گفته می شود برای یک برندی و آن عطر فقط برای شما آشناست اگر یک کارفرمای متمدن و متفکر را داشته باشید می توانید در کار آن یک سری شرکت ها هستند در امارات که عطرهای ویژه برای یک سری برندهای خاص تولید می کنند و آن فرد برای رستوران یا فروشگاه هاش می تواند یک عطر به خصوص بخرد ؛ پس رنگ زرد می توانیم برای فروشگاه هایی که عرضه نان دارد و در فضاهای پوتی که و لباس ها و این رنگ زرد در قالب اکسسوری می تواند ورود کند و نه در قالب رنگ ویترین و رنگ داخلی از این رنگ بنا نباید استفاده شود

چرا ؟ به خاطر اینکه فروشگاه هایی که عرضه مستقیم محصول دارند و

مخصوصا : آرایش بهداشتی و پوشاک به هیچ عنوان نباید در فضای داخلی از رنگ زرد استفاده شود ، رنگ زرد آن را قوی است که اجناس داخل مغازه به چشم نمی آید ، مگر اینکه از حالت لوکس تر است آن استفاده کنیم آن هم به مقدار کم در فضا به کار برده شود.

صاحب آن مغازه بیچاره و مشتریان مجذوب دکور مغازه می شوند اجناس به فروش نمی رود ولی برای دیزاین و ویترین می توان از رنگ زرد و لباس ها استفاده کرد رنگ زرد اگر روی کف و در اطراف دیوار و پایین استفاده شود.

به خاطر حالت و انرژی که دارد باعث بزرگ تر شدن فضا می شود زمانی که در بالا ی سقف نزدیک دیوار استفاده بشود یعنی باعث ایجاد ترس می شود.

رنگ نارنجی :

رنگ نارنجی چه مزه ایی و چه شکلی است ؟

مزه : تند

شکل : ذوزنقه

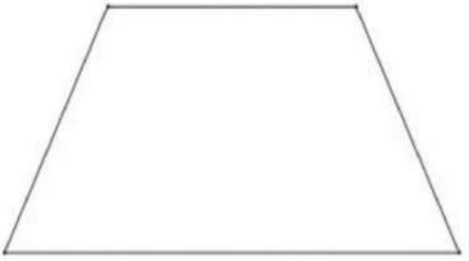

// این رنگ ، رنگ ادویه جات می باشد . //

مشخصات رنگ نارنجی چیست ؟

گرم و خوشحال و شاد و کودکانه محسوب می شود و رنگ مرکبات هم می تواند باشد و خیلی زیاد هم جلب توجه دارد از رنگ زرد هم شدت جلب توجه اش بیشتر است هیجان هم در داخل خود جای داده است و خیلی (چیپ cheep، است) و (فیک ، fakeمی تواند باشد) زود دیده می شود و زود هم از چشم می افتد هر چیزی بی ارزشی را که می خواهیم با ارزش نشان بدهیم آن را با رنگ نارنجی رنگ میکنیم مانند : وسایل ارزان قیمت عروسک هایی که کم ارزش اند و برای آنها یک لباس ساتن نارنجی تن آن عروسک می کنیم و بفروش می رسد که کودکان زمانی که اینگونه عروسک اند کار را می بینند و دوست دارند بخرند و زمانی که می خرند پس از مدتی آن را در دست دارد و با آن بازی می کند آن عروسک را پس از مدتی دور می اندازند .

زیرا دلشان می زند و این هم خاصیت رنگ نارنجی است جز رنگ هایی است که خسته کننده است و رنگ های نمایشگاهی به حساب می آید.

یک رنگ نارنجی هم اشتها آور فست فودی هم است ، جلب توجه کردن رنگ نارنجی در بعضی از کتاب ها تحت عنوان تمرکز نام برده شده است .

یعنی می گویند زمانی که رنگ نارنجی را می بینید روی آزم و خیره می

شوید اشاره هم دارد و لباس بودایی ها که به رنگ نارنجی دوخته و پوشیده هم می شود و پس علاوه بر اینکه هیجان دارد پایه رنگ های کلاسیک است و یک رنگ زمینی و خاکی محسوب می شود.

چرا ؟ زیرا ، تمام رنگ های قهوه ای از این رنگ نشات گرفته شده است اکثرا تمام کسانی که ما می شناسیم و با آنها رفت و آمد داریم یا کارفرماهایی که در آینده هستند و کسانی که از خانه شان خسته اند ، کسانی اند که این تِم رنگی در خانه هایشان به وفور دیده می شود .

از طرفی خود رنگ نارنجی رنگی نیست که جرات استفاده کردن از آن را داشته باشد و ترجیح می دهد که بگوید پس از این استفاده می کنید در استفاده از این رنگ کمی احتیاط را به بیننده ای که از آن می خواهد در کارش به کاربرد را انتقال می دهد ، اما انسان ها رنگ های زمینی و خاکی رنگ نارنجی را خیلی سریع انتخاب می کنند و اتفاقا از نظر آنها خیلی رنگ های بدون ریسکی است .

خیلی آدم ها در فضای قهوه ای استفاده می کنند اشتباه می کنند آنها دارند مستقیم رنگ نارنجی را وارد فضای خانه شان می کنند و این اصلا پر از ریسک است رنگ کم ر رنگ خاکستری است و بدون هیچ ریسکی می تواند وارد فضای یک خانه بش و این رنگ نارنجی و در ترکیب با رنگ خاکستری پرکاربردترین و زیباترین رنگ های طراحی داخلی را به ما

خواهد داد پس یک رنگ بد دردنخور نارنجی ناگهانی می تواند انقلابی را در طراحی داخلی به وجود بیاورد رنگ نارنجی خودش نه مشتقاتش خیلی زیاد در فضاهای داخلی تحت عنوان رنگ های زمینی و خاکی و کلاسیک مورد استفاده قرار می گیرد هم نشینی رنگ نارنجی رنگ زرد است که همسایه هر است و مکان هایی که زرد در بز ها به کار برده می شود و افسارگسیختگی می کند و رنگ نارنجی آن را کنترل می کند .

رنگ نارنجی کماکان مانند : رنگ زرد زمانی که با رنگ سفید هم نشین می شود خیلی کودکانه و پر جنب و جوش می شود و زمانی که با رنگ سیاه هم نشین می شود مرموز می شود پس ما تا جایی که امکان داشته باشد رنگ های را با هم ترکیب و با اصول آن از فضا استفاده می کنیم .

مثلا : رنگ دارچینی با مشکی خیلی عجیب و غریب است و احساس می کنیم که نمی دانیم با این دو رنگ در کنار هم چه کاری را باید انجام بدهیم و هیچ جواب و توجیهی برای هم ندارند چون هر دو قدرتمندند انگار نمی دانیم که کدامشان حرفی برای گفتن دارند پس رنگ نارنجی کنار رنگ مشکی می نشیند و پر رمز و راز می شود و شناختش برای فرد بیننده سخت می شود کسانی که می گویند ما عاشق رنگ نارنجی هستیم و می آیند ، سفید ، سیاه و نارنجی کار می کنند ، یک ذره رنگ های نامناسبی در فضا اند .

ما داریم به گونه ای در مورد مونوکروم (تک رنگ) صحبت می کنیم و معمولا فضاهای مونوکروم نداریم و خیلی ها فضاهایشان کم آمد .

معمولا این رنگ ها همنشین دارد و ما آنها را باید پیدا کنید و بدانید که هم نشینی های آن چه شکلی است و همچنین درصد و مقدار آن رنگ را برای استفاده اش در کل باید بپردازیم .

*خود رنگ قهوه ای زمانی که در کنار مشکی قرار می گیرد وحشتناک می شود .

رنگ نارنجی به ما می گوید که ما در شکل ذوزنقه مجاز هستی و یعنی می توانیم آن را روی افقی ها ، عمودی ها ، مورب ها باشی اما اجازه استفاده از روی خط های منحنی را نداریم ، رنگ نارنجی با قدرتی که دارد روی فرم و خط منحنی قرار بگیرد و اصلا توجیهی برای خود ندارد آن خط منحنی به حد کافی حرکت دارد حال اگر قرار باشد آن خط منحنی متحرک را نارنجی رنگ کنیم عملا فضا را غیرقابل کنترل می کنیم .

مگر اینکه هدفمان این باشد که فضا کلاب است و در کشورمان ما همچین فضاهایی را نداریم و می توانیم از این مدل ها و فرم و رنگ ها استفاده کنیم یا می توان گفت فضای پیست رقص است و برای این مدل فضاها می توان به کار برد ؛ اما خیلی غیرمنطقی است که در فرم های

دایره استفاده بکنیم و مگر اینکه رنگ های دیگری در کنارش قرار بگیرد و آن را خنثی و ساکتش بکند .

رنگ قرمز :

چه طعمی و چه شکلی است ؟

مزه : شیرین

شکل : مربع

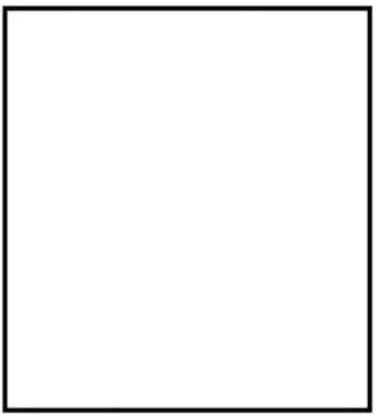

« رنگ قرمز با شکل مربع به تعادل می رسد و آن افسارگسیختگی را ندارد.»

خصوصیات رنگ قرمز ؟؟

اشتهاور و گرم ، ترس و هیجان ، هیجانی که در خود دارد غیر قابل کنترل است قدرت و باعث ترشح خون آدرنالین می شود . مثلا : در کتاب خانم آیزمند نوشته است که دارندگان اتومبیل های قرمز رنگ بیشتر از بقیه انسان ها و اتومبیل های دیگر خلاف می کنند کند .

زیرا ، مشخصات رنگ مورد نظر در آنها به وجود می آید و این رنگ جزو رنگ هایی است که می توان گفت یک مقدار رنگ جنسی است یعنی باعث ایجاد تحرکات جنسی می شود و این موضوع به این معنا نیست که مثلا : به فردی گفته اند که شما یک اتاق هم مَستر طراحی کنیم و یک دیوارش را قرمز کنیم و مردم حالت آرامش رو باید در خود اتاق خوابشان داشته باشدند نه حالت ترس و وحشتناک و وحشی های ترسناکی در فضای خوابشان باشد و بار منفی در خود دارد د.

در کجایی این رنگ قرمز در فضا استفاده می شود ؟

مانند : (نایت کلاپ night club) که از این رنگ به کار برده می شود.

مثلا : یک کارفرمای نادان داریم که هرچقدر این موضوع را به او بگوییم او متوجه نمی شود و اگر ما همچنان حرکتی برای او پیاده کنیم برای رو

تختی و یا فضای اتاق خوابش قرمز باشد گویی فضای عاشقانه را برای خود درست کرده است استفاده بیش از حد از رنگ قرمز با باعث ایجاد خشونت می شود و برای کسی که می خواهیم از رنگ به کار ببریم ازاکسسوری های قرمز در اتاق مَستر که جایگزین روتختی یا دیوار قرمز به کار می بریم .مثلا : کوسن قرمز، یک تاچ روی آن فضا به اتاق می زنیم و در سبک گوتیک که سبک رعب و وحشت است اتفاقا از قرمز و خانواده اش به شدت به کار برده می شود.

همچنین لباس های گوتیکی که با رنگ های مشکی و پر از دامن های پر و چین دار و با رژ لبای قرمز و بنفش به کار برده شده است .

این رنگ بالابرنده ضربان قلب است و به هیچ عنوان در محیط هایی که افراد مسن زندگی می کنند نباید این باشد و اگر نگاه کنید می بینید که فرش هایشان رنگ قرمز لاکی هستند و مبل هایشان قهوه ای و قرمز و یک دسته گل رز قرمز هم روی میزشان قرار می دهند و هر روز هم فشار خون این افراد مسن بالا می رود و آنها فکر می کنند که این رنگ ها رنگ های سنگینی اند دقیقا همین طور است و از این لحاظ که به آن فرد چشمش را که باز می کند رنگ ها را می بیند مغز خودش کار می کند و آدرنالین ترشح می شود و ما نمی توانیم بگوییم که آدرنالین ترشح را نشو

.

مثلا : کسی که قلبش را تازه عمل کرده نباید برای آن گل رز قرمز ببریم . در طراحی داخلی و مفاهیم آن آمده است که از رنگ قرمز نمی توانیم نتایج مناسب بگیریم ، اگر می خواهید در فضا ، فضای عاشقانه تلقی بشود باید از رنگ صورتی استفاده کنید .

صورتی همان قرمزی است که با سفید ترکیب شده است اگر می خواهید علاوه بر عاشقانه و رمانتیک بودن هیجان هم اضافه بکنید رنگ صورتی را هم اصلا دوست ندارید از همان قرمز یک تاچ هایی خیلی کمی در فضا به کار می بریم و فضا رمانتیک می کنید.

این رنگ جزو رنگ های اشتهاآوررستورانی است و در فضا رستوران های رنگ قرمز و خانواده اش اشتها آورند و از خانواده های هم مانند زرشکی به کار برده می شود .

هیچ وقت در رستوران از رنگ صورتی استفاده نباید بکنید و فضا را تبدیل به فضای بیخود نکنید در رستوران هتل ها کف آن از موکت زرشکی استفاده می شود و برای پوشش دیوار از قرمزی که با خاکستری ترکیب شده است و ما خود رنگ اصلی را در بازار به کار نمی بریم مگر اینکه یک هدف عجیب و غریب را بتوانیم بخواهیم دنبال کنیم ما همیشه تم های خاکستری در رنگ ها را استفاده می کنیم .

مثلا : اگر قرار است که در فضای قرمز به کار ببریم آن قرمز باید داخلش

خاکستری برده شود که بتوان در فضا استفاده کرد برای همین است که زرشکی جز رنگ های قدرتمند و با اصالت کلاسیک است به حساب می آید و همین طور قرمز رنگی است که باید حواسمان به آن باشد که چقدر از میزان آن به درست باید استفاده نمود قرمز کنار سفید هم نشینی که می کند شاد و بازیگوش می شود تمام رنگ های دایره در کنار سفید قدرتی از خودشان ندارند و آن سفید است که به خاطر روشن بودنش دیده می شود و مشخص می کند که اشباع بودنش را روی رنگ ثابت می کند و نشان می دهد که رنگ سفید باعث می شود رنگ های دیگر با آن قدرت بگیرند رنگ قرمز کنار مشکی قدرتمندترین کنتراست رنگی را ایجاد می کند.

حتی کنتراست اش از سفید و سیاه هم زیادتر می شود و القا کنند ترس و قدرت است و همچنین همه رنگ ها در کنار خاکستری ساکت و خاموش اند.

چرا بعضی از دروغ های تفکری ایدئولوژیکی روی رنگ قرمزند ؟

این رنگ ، رنگ مادی است فر رنگ چاکرای ریشه است و از لحاظ انرژی درمانی به حساب می آید و برای بد دست آوردن انسان ها چاکراه ریشه شان زیادی فعال است و به شدت جاه طلب اند .

کسانی که ایده آل گرای افراطی اند و چاکرا ریشه شان باز است و رنگ

قرمز به صورت کلی و عمومی در چاکراه های این مدل آدم ها در گردش است به همین دلیل است که فراماسون ها از این رنگ استفاده می کنند.

رنگ بنفش :

چه شکلی و چه مزه ایی این رنگ می تواند باشد ؟

مزه : گس

شکل : بیضی

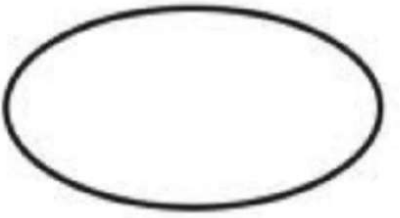

بعضی ها می گویند بنفش سرد است و بعضی هم می گویند که رنگ

گرمی است ولی سرد است ، در این رنگ به محض اینکه یک قطره است رنگ قرمز به آن اضافه بشود گرم می شود و اگر یک قط سفید به آن اضافه شوند یا آبی اضافه می شود سرد می شود .

چرا این حالت برای این رنگ اتفاق می افتد ؟

این رنگ مرموز است و مانند رنگ قرمز شهوانی است و برانگیزاننده نیروهای جنسی است و قدرت رنگ با قدرت های رنگ قرمز و رنگ های دیگر متفاوت هستند جز رنگ های شاهوار و سلطنتی به حساب می شود و گیج کننده هم می تواند باشد .

*یک مشخصه به معروف هم رنگ دارد آن هم جزو رنگ خرافات است و جادو است کمی هم تم روحانیت در آن به کار برده شده و تم مذهبی داخلش وجود دارد و زمانی که طراحی می شود به خرافات و جادو می رسد این رنگ نه اشتهاآور است نه ضدشتها.

زمانی که یک انسانی نادان گفت : « رستورانم رنگ بنفش بکار ببریم جلوی فرد را نمی گیریم تا جایی که می توانیم راضی اش می کنیم این رنگ به درد نمی خورد . »

رنگ بنفش جز رنگ استاندارد چه صنعتی می باشد ؟

جزو صنایع آرایش بهداشتی و عطرو ادکلن محسوب می شود ؛ چرا ؟

زیرا ، این رنگ می گوید شما به شکلی هستی که به یک شکل دیگر می

شوی و فریب می دهد و یک چیز غیرواقعی حساب می شود تمام شرکت های آرایش بهداشتی لوگوهایشان رنگ بنفش هستند و در بازار وزرا اگر نگاهی بیندازید عطر فروش ها را می بینیم که همه ویترین ها و بطری های بنفش رنگ اند.

همچنین این رنگ جزو رنگ های توهم زا هم است و زمانی که تبدیل به رنگ یاسی می شود و در ترکیب می رود می توان در فضای داخلی اتاق به کار برد و این رنگ همانند رنگ قرمز حالت دیوانه وار خودش را هم دارد .

از رنگ بنفش باید خیلی حواسمان باشد که در فضا استفاده می کنیم و جز رنگ هایی است که زمانی که کاربر را گفت من عاشق رنگ بنفشه نباید همان اول مبل هایش را رنگ بنفش انتخاب کنیم . زیرا ، آن فرد در خانه خود حالت بیماری های روانی پیدا می کند . این رنگ که خاصیت عجیبی دارد این است که به هیچ رنگی اجازه نمایان شدن نمی دهد مگر اینکه با یک تعداد زیادی خاکستری آن را ما خفه کنیم که باز هم رنگ خاکستری را نابود می کنیم این رنگ در کنار سفید کودکانه و در کنار سیاه مانند رنگ های دیگر ترسناک است.

رنگ آبی :

چه مزه ایی و چه شکلی است ؟

مزه : شور

شکل : دایره

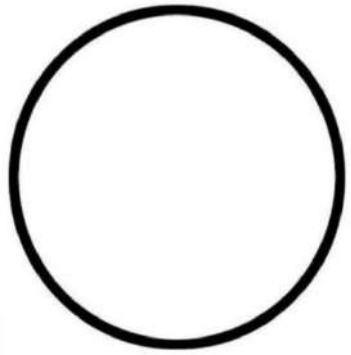

جز رنگ دریا است و به قول دکتر حلیمی شبیه گنبد دَوار آسمان است و آرامش و آسایش دارد .

آسایش با آرامش چه تفاوتی دارد ؟

آسایش مادی تر و زمینی تر است ، مثلا : فردی می گوید من آسایش خیال دارم و فرزندانم بزرگ شده اند و رفتن سر زندگی شان کی به این آسایش می گوید ولی آرامش درونی است .

آبی آرامش ایجاد نمی کند ، درست است که این رنگ بر خلاف اینکه قرمز فشار خون را بالا می برد این رنگ باعث کاهش فشار خون است و چون فشار خون را کاهش می دهد فکر می کنیم که آرامش دارد در واقع این رنگ ها ما را کُند می کند برای همین دلیل آقایان از رنگ آبی زیاد استفاده می کنند زیرا آنها سطح انرژی شان بالاست و این رنگ باعث می شود انرژی شان را کاهش دهد.

اشتها آور نیست و ضداشتها هم نیست همچنین حس تمیزی را القا می کند و برای همین است که در برندهای شوینده از رنگ آبی به کار برده می شود جز صنعت نظافت هم محسوب می شود و جز خواب آلودگی و بی حالی هم در رنگ آبی قرار می گیرد و اصلی ترین صفت آن در این رنگ اعتماد برانگیز بودن آن است .

این رنگ آبی جزو چه مشاغلی حساب کنید می شود ؟

این رنگ جزو شاخص های موسسات مالی اعتباری با بانک هاست مانند : بانک سامان ، صادرات ملی ، که قبلا آبی بودند.

رنگ آژانس های مسافرتی (Airline) رنگشان آبی است و به منظور

اینکه نترس و حتما سوار هواپیما بشو و خیلی خوب است که به ما اعتمادی دیپلمات ها لباس های آبی می پوشند که به گونه ای که یک فرد آنها را می بینند مغزشان سریع به امان می دهد که اعتماد کنند پس بنابراین برای کسانی که در حیطه پرستاری و نگهبانی اند دلیلش با این موضوع متفاوت است حس قلابی بودن به من اعتماد را به اطرافیان و افرادهای حاضر را بروز می دهد .

بیشتر در نمایش ورزش های آبی و غذاها و رستوران های دریایی و القا کردن این حس را در فضای مورد نظر انتخاب کنیم می شود رنگ آبی در صنایع غذایی از آن رنگ هایی است که ما خیلی خوراکی زیادی به رنگ آبی نداریم اکثرا در دسته بندی لبنیات به کار می رود و برای خوراکی ها فانتزی استفاده می شود و از آنجایی که طعمش هم شور است .

در دسته بندی نمک چیپس اما نمک در مصارف خانگی به کار برده شده و خوراکی های فانتزی مانند پاستیل که پاستیل شور نیست اما خوراکی فانتزی به حساب می آید و اصولا مغز انسان ها انتخاب با خوراکی های گرم است اون نه خوراکی های با رنگ سرد از لحاظ فروش خوراکی هایی که قرمز رنگ در بسته بندی ها قرار می گیرند و بدون فکر کودکان آنها را انتخاب می کنند .

از لحاظ تجاری سازی رنگ قرمز انتخاب مهم تری است فر رنگی را در هر

جایمان نباید استفاده کنیم برای همین است که کسانی که می خواهند وزنشان را کم کنند در ظرف آبی غذا بخورند یا رنگ لامپ داخل یخچالشانان را سرد کنند چرا ؟ غذا زیر نورهای سرد مانند : بنفش ، سبز ، آبی ، کپک زده و نفرت انگیز به نظر می رسد.

رنگ سبز :

چه طعم و چه شکلی است ؟

طعم : تلخ

شکل : چندضلعی

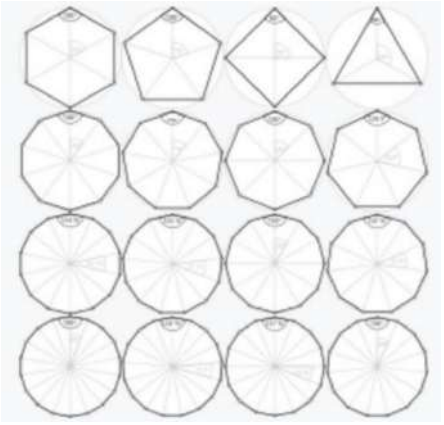

خصیصه های رنگ سبز :

این رنگ قطعا آرامش دارد و رنگ طبیعت است و صد در صد ضد اشتها است .

چرا این رنگ ضد اشتها است ؟

ما در بسته بندی حبوبات و جوانه گندم از این رنگ به کار می رود ، درست است که ضد اشتها است ولی جزو رنگ ها خوراکی و ارگانیک در نظر گرفته می شود .

حس توهم و رنگ معنویت قرار دارد و زمانی که سبز با سیاه ترکیب می شوند حالت قدرت را به همگان القا می کند ، سبز سیاه زمانی که کنار طلایی قرار می گیرد یک عجیبی را به وجود می آورد که ته رنگ طلایی از زرد نشات گرفته می شود.

علاوه بر آن ترکیب شده این رنگ سبز از آبی و زرد به وجود آمده است و آن حس آرامش و آسایش را از آبی و توهم معنویت را از زرد در خود جای داده است .

غالبا رنگ سبز را در قالب گل و گیاه در فضا به کار می بریم ، مگر اینکه در دوره هایی مانند اکنون و در سبک ها از این رنگ به خصوص استفاده کنیم .

کاربرد بیشتر این رنگ اکسسوری هاست استفادهانه می شود و آن هم به

خاطر این است که اکنون خانه های امروزی کوچک و جمع و جور شده است اگر بخواهیم یک کاناپه ۳/۵ متری سبز بخریم و فضا را ازبین می برد و جزو شاخه های رنگی سبک انگلیسی است .

بیشتر در اماکن مذهبی و کتاب بود خانه و فضاهای مطالعاتی که رنگ انرژی ندارد و حالت سکون دارد ؛ بعضی ها می گویند زمان زیادی در جنگل نمانید و آن فضا سکون انرژی هایی دارد این رنگ بیشتر اگر در بازار به کار رود باعث حالت تهوع در فرد می شود انسان را متحول و خطرناک می کند و یعنی همان رنگ سبز اصلی (سبز سیدی) است .

زمانی که در سبز اصلی سفید ترکیب می شود ، حالت همان رنگ است سبز پاستلی را به وجود می آورد و در فضا خطرناک نیست و با خاکستری هم خیلی زیباست در سبک فرانسوی سبز پاستلی یا آبی پاستلی را در تمام دیوارها به کار می بریم یا حتی صورتی پاستلی می کنیم .

زیرا ، سبک فرانسوی خیلی ویژه است و مشخصات دیزاین خودش را دارد بعضی سبک ها قوانین رنگ را می شکنند .

مانند : سبک فرانسه که برای خانه های بزرگ بالای ۲۰۰ متر باید به کار رود و هیچ امپراتوری خانه اش پنجاه متر نیست و آنها از سبک ها و رنگ های ویژه استفاده می کنند در سبک شناسی خیلی باید احتیاط بکنیم و هر رنگی و هر اندازه ای را با هر سبکی استفاده نکنیم.

هم نشینی رنگ ها :

*موضوع خود هم نشینی رنگها از خود رنگها بسیار مهم تر است .

ما برای اینکه رنگها را کنار هم قرار بدهیم که یک موضوعی داریم تحت عنوان (مونوکروماتیک ، monokoromatic) و (هارمونی Harmony)،

و (کنتراست ، kontrast).

مونوکروماتیک :

مونوکروم زرد چون خیلی معروف است و همه چیز از مبلمان گرفته تا کفسازی تا اکسسوری همه چیز زرد است اگر ما کسی را دیدیم که مونوکروم کار بکنیم می توانیم یک میان بـُری برایش ایجاد کنیم .

این کار آسیب رسان است ، برای دیزاین شروم ها و برای نمایش یک محصول خاص می توانیم همه جا را مونوکروم کنیم و فقط آن محصول خاص را به صورت تکی یک گوشه قرار دهیم .

اما اگر با یک کارفرمایی مواجه شدیم که از ما مونوکروم خواست و عاشق رنگ آبی است بی رنگ های دیگر و همه جا اتاقش را برای مثال می خواهد آبی کند فقط یک راه حل می توانیم برای کارفرما ، ما استفاده کنیم آن هم این است که هم نشینی با رنگ های خنثی می باشد یعنی ما نگاه می کنیم که اول فضایمان مدرن است یا کلاسیک و از رنگ مهم

تر است و سبک فضا از همه چیز مهم تر می باشد.

اگر کار مدرن بود Base کارمان را سفید در نظر می گیریم مانند نقاشی می ماند مثلا کار کردن در نرم افزار سه بعدی ساز اول تحقیق می کنیم و می گوییم چه سبکی را باید اول انتخاب کنیم و می گوییم مدرن و یک سطل رنگ سفید روی کار می ریزیم اگر فضا کلاسیک بود در آن زمان باید از گروه رنگ های کرم خیلی روشن استفاده می کنیم .

پس ما سفید را آوردیم و کرم را هم در کنارش گذاشتیم و زرد را خنثی کردیم و اشباعش کردیم و به کرم تبدیلش کردیم و در کنار آن از رنگ های خاکستری استفاده می کنیم.

خاکستری چه قابلیتی دارد ؟

خاکستری اگر داخل یک رنگ ریخته می شود آن را خنثی می کند اما شنیده ایم که می گویند همشینی رگی خاکستری باعث ایجاد خنثی شدن محیط می شود .

خاکستری چه مشخصه ای در خود دارد؟

از ترکیب دو رنگ روبروی در دایره یعنی رنگ قرمز و بنفش و سبز و آبی و نارنجی که در این وسط یک خاکستری کثیف ایجاد می شود که گویی ته رنگ های تمام آنها را در خودش دارد و درست است که سفید و سیاه را با هم ترکیب کردیم که خاکستری به دلیل خنثی بودنش این کار بسیار جالبی انجام می دهد .

چه کاری ؟

زمانی که ما یک صفحه خاکستری داریم و یک خوابی که رنگ خاصی هم دارد و آن را روی آن قاب می گذاریم یا اینکه صفحه خاکستری داریم و در کنارش قرمز یا زرد داریم چند دقیقه بعد به رنگ مورد نظر نگاه که میکنی زمانی که سرت را بالا می آوری و خاکستری را می خواهی ببینی رنگ های مکمل و رنگ روبه روی آن رنگ مان این مد نظر را که اگر کور رنگی نداشته باشیم به صورت کاملا اتوماتیک در آن رنگ می بینیم .

زمانی که ما یک فضایی می رویم که در آن خاکستری وجود دارد احساس بدی نداریم و مانند یک ابزار کمکی نامحسوس از طریق چشم به مغزمان رنگ دوم را برای ما می آورد در مکان هایی که مونوکروم هستند به جای اینکه ترکیب خود رنگ با رنگ خاکستری برداریم و در محیط بگذاریم مستقیم خود رنگ خاکستری را می گذاریم .

پس ما برای اینکه زرد را در خاکستری بریزیم و یک زرد خاکستری یک رنگ دیگر است که به ما می دهد از خود خاکستری در کنار زرد هم نشین می کنیم در محیط مونوکروم به کار می بریم .

و آن حس سختی و آن تک رنگی و حوصله سربر بودن و ناراحتی را که در فضای ما وجود دارد از طریق رنگ خاکستری می شکنیم .

الزاما کنارش نمی گذاریم در آن محیط رنگ خاکستری از آن استفاده می کنیم و علاوه بر این می شود که رنگ سفید و کمی البته سیاه هم در محیط آورد سیاه چون خودش یک رنگ قدرتمندی است ممکن است درفضای شما یک مقداری خفگی و ترس ایجاد بکند .

پس بنابراین به جای استفاده از رنگ سیاه در محیط های داخلی به دنبال رنگ دوری و ذغالی نه خود رنگ سیاه مطلق که خیلی خطرناک است و ترجیحا در محیط نیاوریم در نرم افزاری که کار انجام می دهیم یک اتفاق عجیب می افتد آن هم ۳dmax که سیاه و مطلق و خطای ریز که دارد انگار که سیاه برای فضا ایست و در render کنده شده و به تنهایی خود را نشان می دهد و یک هویت مجزاست .

بنابراین چه در محیط های نرم افزاری ترجیح می دهیم که رنگ سیاه مطلق را در فضا استفاده نکنیم مونوکروم اصلی منتفی است مگر یک فضای تجاری داشته باشیم و یک نمایشگاهی داشته باشیم برای ارائه یک

محصول خاص و اگر خواستیم برای فضاهای داخلی در فضای مونوکروم از هم نشینی سفید و سیاه و خاکستری که خود خاکستری نه ترکیبش با رنگ استفاده کنیم ، خاکستری از تیره روشن داریم که رنگ مورد نظر را انتخاب می کنیم .

*رنگ های قدرتمند ترکیبی که هستند بهتر است که کنار ترکیبات رنگ های قدرتمند خاکستری قرار نگیرند .

پس بنابراین حواسمان باید به رنگ های قدرتمند باشد و البته به خاطر اینکه سفید حالت اشباع دارد و در کنار خاکستری سفید قرار می دهیم آزاردهنده نیست و ممکن است خسته کننده بشود . مثلا : رنگ صورتی کنار سفید و خاکستری بگذاریم اذیتمان نمی کند و حالت یکنواختی و شاید هم دوستش نداشته باشیم اما زمانی که صورتی کنار یک طوسی پررنگ یک دودی قرار می دهیم یک تضادی را که ایجاد می شود باعث ایجاد حرکت است و آن حالت سکون را از بین می برد رنگ سفید را خیلی باید جدی در نظر گرفته بشود و جز رنگ هایی است که در آن فضا زمانی استفاده می کنیم .

می تواند در فضا زندگی بدهد و فضا را سرزنده و بزرگ می کند اول در رنگ سفید در فضا به کار می بریم و آرام آرام بقیه رنگ ها را مطابق سبکمان و مطابق رفتارهای رنگ به محیط مورد نظرمان اضافه می کنیم

که به این مونوکورم می گویند.

هارمونی :

هارمونی بی خطرترین و شاید هم روتین تن رایج چنین همن نشینی که ما سراغ داریم است.

هارمونی چیست ؟

می تواند طیف رنگی باشد که آن رنگ مورد نظر بین سپید و سیاه و سپید تا خاکستری در حرکت باشد اما یک اشکالی که دارد این است که در رنگ هایی که دارای ریشه یا فم رنگی مشترک است.

هارمونی (۱): در یک رنگی مثل زرد و نارنجی که تغییر ماهیت می دادند و خیلی مفهوم دارد .

فردی می گوید که این مدل شبی مونوکروم است چون رنگ عوض می شود ولی آسیب رسان نیست اما ما می دانیم که زرد است اما چون با کرم کنتراست دارد آزاردهنده نیست و آسیب رسان نیست و ضمنا سکون هم ندارد بنابراین ما در هارمونی بعضی از رنگ ها اگر ورود کنیم باید از قوانین مونوکروم استفاده کنیم . مانند : سبز، آبی ، قرمز اما زرد و نارنجی به خاطر اینکه رنگ کاملا تغییر می کند زمانی که به آن سفید و سیاه خاکستری اضافه می کنیم لزومی ندارد که قطعا از قوانین مونوکروم

استفاده کنیم.

هارمونی (۲) : یعنی چه ؟

یعنی هارمونی رنگ های مجاور است و همان رنگ های همسایه در نظر گرفته می شود .

مانند : زرد ، نارنجی ، نارنجی که ۳ تا رنگ را بوجود می آورد .

چقدر ؟

به نسبت ۶۰،۳۰،۱۰ هر رنگی را که دوست داریم به عنوان رنگ قالب در نظر بگیریم ۶۰ درصد که می خواهیم بیشتر دیده بشود و رنگی نسبتا کنار این رنگ قرار بگیرد .

رنگ کمکی باشد ۳۰ درصد و رنگ آخر ته مانده هم ۱۰ درصد استفاده می کنیم که این قانون درصد نسبت رنگها در رنگ شناسی است.

زرد نارنجی ، نارنجی ، نارنجی قرمز ، قرمز ، قرمز بنفش ، بنفش ، آبی بنفش ، بنفش ، آبی بنفش ، آبی ، بنفش آبی ، آبی ، سبز آبی .

آبی ، سبز آبی ، سبز ، سبز آبی ، سبز ، زرد سبز که این رده از آبی تا زرد سبز ، سبز ، زرد سبز ، زرد بهترین هم نشینی اتاق پسرها می تواند باشد .

زرد سبز ، زرد نارنجی.

این ۱۲ تا هم نشینی که مقداری که دل مان می خواهد می توانیم در فضا به نسبت ۶۰،۳۰،۱۰را هم نشین کنیم .

در این روش ما می توانیم یک بالانس یا یک ارتعاش رنگی ایجاد می کنیم حتی یک چیزی رو که این وسط سنخیت می کند این است که رنگ هایی همزمان با خود می آیند می تواند ترکیبات سیاه و سفید و خاک است سریع شان هم می آید .

مثلا : می گوییم که رنگ سبز الزاما از مطلق سبز اصلی نیست و می تواند سبز شود سیاه هم باشد که زمانی از یک رنگ سبززیاه در محیط استفاده کردیم زردسبزی را هم می آوریم که داخلش خاکستری است .

یعنی زرد سبز خاکستری را وارد فضا می کنیم و سبز آبی سفید را هم به محیط اضافه می کنیم که یک بالانسی در آن فضا به وجود می آید .

پس تا زمانی که ریشه رنگ را تشخیص ندهیم نمی توانیم آنها را در کنار همدیگر بچینیم بنابراین تاان می توانیم رنگ ببینیم کتاب رنگ خانم آیزمند برای رنگ شناسی حتما در طراحی داخلی خیلی مفید است رنگ ها در کنار هم وجود دارند ترکیبات خنثی و ترکیبات اشباع و ترکیبات قدرتمندش را هم باید در نظر داشته باشیم .

کنتراست :

چیزی است که در طراحی داخلی ما کمتر از آن استفاده می کنیم نه اینکه کلا نباشد . (تضاد ، رنگ های مکمل) البته در گرافیک و نقاشی بیشتر کاربرد دارد .

حرف آقای ایتن چه بود ؟

آقای ایتن می گوید که رنگ هایی که دو به دو یا روبه روی هم اند مثل : قرمز سبز ، آبی نارنجی ، زرد و بنفش که آقای ایتن این دو تا رنگ را دو به دار روب روی هم گذاشتند که به دلیل قدرت بصری که با هم دارند اگر در یک واحد رنگ قرمز گذاشتیم ، با یک واحده هم رنگ سبز بذاریم.

یعنی از نظر آقای ایتن قرمز و سبز با هم برابرند و نسبت مصاحبه قرار داده بشوند حتی اگر ترکیبات رنگ ها بود یعنی ترکیبات سفید و سیاه و خاکستری باشد یک قرمز و خاکستری را تولید کردیم و داریم که با بنفش اشتباه می گیریم.

مثلا : قرمز خاکستری را با سبز خاکستری یا سبز سفید یا خود سبز

اصلی با نیید نسبتش را مساوی بگذاریم .

نکته مهم : گل و گیاه در این حوزه نمی گنجد اما بعضی از طراح ها در واقع این کار را بر عکسش را انجام می دهند و از رنگ سبز می ترسند رنگ سبز در گل و گیاه می تواند در هر جا برود و بعضی هم می گویند رنگ سبز چهارم به ما اضافه می کنند ، گل و گیاه رنگ نیست و رنگ به حساب نمی آید و(آبی نارنجی) که نارنجی قدرتش به گونه ای است که علی رغم این که آبی رنگ اصلی است اما اگر یک واحد نارنجی در فضا اضافه کردیم باید دو بار رنگ آبی بدهیم .

قدرت رنگ زرد آن قدر زیاد است که اگر یک واحد رنگ زرد داری سه واحد باید رنگ بنفش بدهیم ، در طراحی داخلی بدون در نظر گرفتن صحبت های آقای ایتن که این مقدارها را به ما داده است و دو رنگ در فضا به کار می بریم مانند : آبی ، نارنجی ، طلایی و با تنظیمات آقای ایتن کاری نداریم و این هم یک مدل از ۶۰/۳۰/۱۰ می چینیم و استفاده از کنتراست های آقای ایتن است و ما به این نوع هم نشینی می گوییم :

۱: استفاده از تضاد اصلی (کنتراست اصلی)

۲: به مدل دومی می گوییم : تضاد اصلی (۶۰/۳۰/۱۰) بعضی ها هم با گزینه اول رنگ سفید سیاه و خاکستری کنار آن قرار می دهند و طرح مورد نظر خود را پیدا می کنند.

امروزه ما در مونوکروم و هارمونی را کنار رنگ های سفید سیاه و خاکستری قرار می دهیم این کنتراست آقای ایتن را هم می توانیم کنار رنگ های سفید و سیاه خاکستری بیاوریم و جایگزین این رنگ سوممان باشد به همین نسبت های ۱/۳, ۱/۲, ۱/۱ را کنارش سفید و سیاه یا خاکستری بریزیم و دروغ بتوانیم یک تداعی کننده رنگ سوممان باشد ، علی رغم اینکه رنگ نیستند ، سفید و سیاه و خاکستری یک کلید میان که شما می توانید استفاده کنید.

اول رنگ سفید در کارهای مدرن و دوم base کار رنگ کرم در کارهای کلاسیک به کار می بریم علاوه بر این ها هم نشینی هایی داریم که به آن هم نشینی مثلثی می گوییم.

درهم نشینی مثلثی : آبی بنفش ، زرد ، قرمز بنفش یک مثلث به وجود می آید؛ این مثلث یکدفعه چاق و دفعه دیگر لاغر می شود.

سبز آبی بنفش

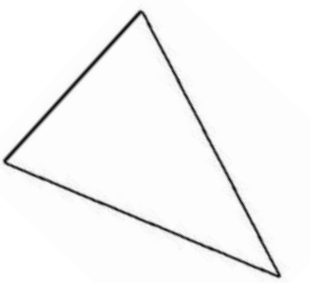

نارنجی قرمز

و هرچیز دیگری مثلا : نارنجی قرمز بنفش

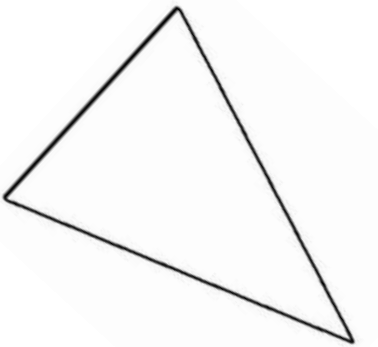

زرد سبز

نگاه می کنیم مکمل اش سبز است و مکمل بنفش (زرد) است و رنگ سوم را به نارنجی می چسبانیم و رنگ سوم به آن می دهیم .

که اینها هم نشینی ۳ تایی رنگ ها ی فرعی را در می آوریم .

مثلا : سبز بنفش

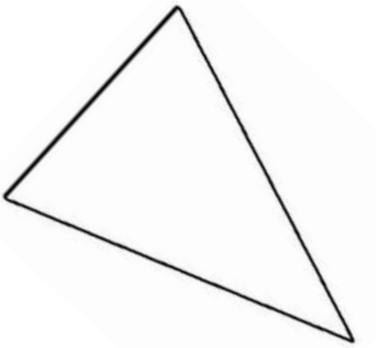

زرد نارنجی

می توانیم انواع مثلث ها را در فضای مان ببریم و نسبت به کنار هم نشین این ها ۱۰،۳۰،۶۰ می باشد .

هم نشینی ۴ ضلعی :

سبز آبی　　آبی بنفش

نارنجی　　قرمز

مدل قبلی ۶۰،۳۰،۱۰ بود اما هم نشینی ۴۰،۲۰،۲۰،۲۰ قرار می گیرد .

کم کاربردترین هم نشینی رنگی است که چهره خوبی در هر سبکی در فضا هایمان نشان نمی دهد .

زمانی که این چهره خوبی در سبک ها نشان نمی دهد چرا ما باید از این هم نشینی استفاده کنیم ؟

زیرا ، سبک هایی داریم مانند سبک مهم که پر از رنگ است آنجا باید ترمز طراح را کشید و نمی توان دوازده تا رنگ را در فضا برد.

وقتی که کنتراست اصلی ۳ رنگ می شود به سراغ ۶۰،۳۰،۱۰ می رویم و

دیگر نمی گوییم که سبز آبی و زرد مقداری هم رنگ دیگر استفاده کنیم که آن مقداری که استفاده می کنیم هم مهم است.

سبک های معماری داخلی :

سبک ها چون خیلی قالب هستند گاهی اوقات ما در بعضی از سبک ها رنگ های قالب سبک را استفاده می کنیم مثل سبک مراکشی و سبک های عربی در چنین فضاهایی نگاه می کنیم که قانون صبر چه می گوید ؟ و سپس بر اساس آن می آییم می بینیم که چه رنگ هایی را باید انتخاب کنیم ؟

معمولا در سبک های عربی و مراکشی به خاطر علاقه زیاد کسانی که دارند در آن کشور زندگی می کنند علاقه منداند به رنگ های گرم ، نارنجی و قرمز و زرد و طلایی و آبی و خیلی رنگ هایی که می بینیم دست ما را می بندد در سبک های عربی علاقه مندند به رنگ های قرمز و نارنجی و قهوه ای پررنگ یک الگو به ما می دهند که ما دیگر نمی رویم از کسی بپرسیم که چه رنگی را دوست دارید ؟ و اینها طبق آن الگو باید ما جلو برویم.

مثلا : در سبک چینی یک الگویی وجود دارد که حتما شما باید ۳ رنگ را در فضا استفاده کنید از جمله نارنجی و قهوه ای و قرمز در سبک مراکشی حتما باید رنگ آبی باشد و رنگ های گرم که تداعی کننده بیابان و کویر است که مانند زرد و نارنجی .

سبک کلونیال رنگ های آبی و آبی خاکستری خیلی دیده می شود و

رنگ هایی که یادآور درخت گیلاس است که معمولا درخت گیلاس یک زرد خیلی کدری است و سومین رنگ را که اجازه اش را از ما می گیرد و به سراغ سبزهای انگلیسی و سراغ قهوه های قرمز است که اختیارمان را از بین می رود و مجبور هستیم که base کارمان روی خود سبک و رنگ هایش پیش ببریم در کارهای کلاسیک هم دست ما را می بندد و می گویند که شما می توانید طلایی و از سبز و زرد و زرشکی و آبی و سرمه ای استفاده کنید و مثلا ما در سبک کلاسیک اصلا اجازه نداریم که سراغ رنگ های پاستلی برویم مخصوصا در کلاسیک فرانسه و یونان اجازه نداریم که این کارها را انجام بدهید .

مثلا : کلاسیک فرانسه باشد کم می شود سراغ رنگ پاستلی رفته بود پس بعضی وقت ها قوانین حاکم بر سبک قانون های ما را انتخاب رنگ و آزادی عمل ما را انتخاب رنگ را ما را می بندد و ما درصدهایی را در هم نشینی رنگ را در محیط می توانیم استفاده کنیم .

خود رنگ یک چیز دیکته شده است یک الگو است که از آنها در محیط داخلی می توانیم استفاده کنیم البته ما یک سری ساختارشکنی هایی را داریم که آن ساختارشکنی ها را در سبک های نئوکلاسیک و آرت دکو این ها وجود دارد.

سبک باروک :

سبکی است که تعداد فراوان تزئینات و زرق و برق دارد و همچنین پیچیدگی هایی در خود دارد که در سمت بارراک متوجه شدیم که همه چیز بر پایه تزئینات است و تقریبا باراک بر روی سبک های ایتالیایی فرانسوی و انگلیسی حتی علی رغم آن شلوغ هایی که دارد در واقع در بخش ایتالیایی هیچ جایی را از قلم نمی اندازد و پر از تزئینات می کند و یک چهره مجللی از فضا به وجود می آورد و متوجه شدیم که سبک باروک از هر مدلی که آن را انتخاب بکنیم .

هیچ ارتباطی با فضاهای کوچک ندارد و ما معمولا از فضاهایی که محدود هستند غالبا نمی توانیم از این سبک استفاده کنیم بنابراین زمانی که به سبک باروک سر می زنیم آن استانداردها و آن ویژگی ها و داشتن سقف هایی که امکان کشیدن نقاشی و درست کردن گنبداها یا قرار دادن کاغذ دیواری و پتینه و نقاشی هایی و هلال هایی که روی پنجره اتفاق می افتد با پرده هایی که تشکیل شدند وقت شکیل و فاخرند و استفاده از فرش هایی که طرح های شلوغ دارند اینها وارث سبک باروک است .

سبک گوتیک :

یک سبک رُعب و وحشت زایی در اروپا بوجود می آید پس از دوران باروک که تقریبا یک سبک قرون وسطی است که ما آن را سبک گوتیک می مانیم.

یک سبک ترسناکی است که زمانی که در مورد این سبک صحبت می کنیم باید با کمی احتیاط حرف بزنیم ، چرا ؟

این سبک اصلا زیبایی را مدنظر ندارد و بلکه این سبک بیشتر به دنبال ایجاد نقشکی است که به وسیله خط های عمودی خیلی بلندی که در محیط به وجود می آورد ترس را به بیننده القا بکند .

در سبک باروک قوس هایی را می بینیم که رومی و نیم دایره ای داریم و در سبک گوتیک قوس ها شاخ بزی می شوند و قوس های شاخ بزی کارکردها و عملکردهای مختلفی دارد از جمله : در سازه ها و بناهای ایرانی برای ایجاد کردن دهانه های بزرگ و بدون ستون بوده است .

سبک گوتیک خیلی در معماری داخلی شاید در ابتدا وجود نداشته بیشتر آن معماری بوده است مانند : طاق های تیز و ترسناک بزرگ از بنای کلیسا نوتردام .

زمانی که ما این سبک را می بینیم قوس های شاخ بزی دارند و معمولا در دوران گوتیک المان های سازه ای از زیر بنا جمع نمی شده است و به عنوان یک عنصر دکوراتیو بوده که خرپاها و انواعش زیر بنا نگه داشته

می شدند و کار اینها طبیعتا فقط تزئینات نیست اینها سازه بنا را هم کنترل می کنند پس بنابراین در معماری گوتیک بدون هیچ دلیلی برج هایی روی بنا ساخته می شده که نوک تیز بودند و اشاره می کردند و آسمان به سمت خداوند گویی چشم بشر را به سم بالا می کشند و می گویند که هیچ قدرتی بیشتر از قدرت خداوند وجود ندارد .

چون این معماری یک معماری مذهبی و دینی است و در این دوره اتفاقات خیلی جالبی رخ می دهد ، کلیساها در آن زمان به صورت پلان های مستطیل شکل داشتند و از دوران گوتیک به بعد پلان های آنها حالت صلیبی شکل پیدا می کند . چرا ؟

زیرا مذهبی و مسیحیان افراطی هستند .

*در سبک باروک گفتیم که ما تزئینات فضای ما مجسمه و نقاشی بوده است .

در دوران کودک تزئینات فضاهای داخلی دیگر فرشته انسان نبوده است بلکه مجسمه ها و تصاویری از حضرت مسیح و حواریون ، حضرت مسیح و فرشتگان بوده است ، پس اصلا چیزی خارج از مذهب در طراحی داخل دوران گوتیک وجود نداشته در این دوران طبیعتا سازه ها خیلی سازه های بلندی بودند و ارتفاع بنا خیلی بلند است و در حالی که طبقاتی هم نیست و زمانی که وارد فضای آنجا می شویم ابهت خطوط عمودی که

ناشی از پنجره های متعدد و قوس های شاخ بُزی فراوان است و این موارد فرد مورد نظر را تحت تاثیر خودش قرار می دهد .

پنجره های رنگی در در دوران گوتیک هم وجود داشته است ولی در کلیساها در دوران کوچک هم حفظ می شود یکی از مواردی که در سبک گوتیک وجود دارد در معمار داخلی آن که مردم در آن زمان خیلی اجازه نداشتند داخل خانه شان را تزیئین کنند به جز کسانی که پاپ بودند و کسانی که در کلیسا کار می کردند و در جهت دین فعالیت می کردند ؛ این امکانات بیشتر در آنها قرار می گرفته .

نکته مهمی که در سبک گوتیک وجود دارد این است که : استفاده کردن از رنگ ها ی خیلی تیره است و همه رنگ هایی که داریم از قسمت پررنگ آن در این سبک استفاده می شود .

نکته مهم بعدی : مبلمان ها در دوران گوتیک و حالت جعبه دار بوده جعبه وار یا جعبه دار بودن . آن یعنی چه ؟

یعنی زیرش بسته بوده است یعنی پایه به آن صورتی که ما فکر می کنیم ندارد اگر یک صندلی پایه ای هم داشته پایه اش کوتاه بوده است ، پس بنابراین مبلمان های رمزآلود و مبلمان هایی که حالت جعبه ای هستند . معمولا در دوران گوتیک مورد استفاده قرار می گیرند .

مبلمان هایی که حالت معماگونه داشتند یعنی : زمانی که میز را می

دیدیم متوجه نمی شدیم که یک کشوری داشته نمی دانستیم که در آن کشو از کدام سمت باز می شود و نه یک جای مخفی داشته است که شرایطی داشته تحت شرایط به خصوص خودش در آن هم باز می شد و و افراد آن خانواده می دانستند که چگونه از آن استفاده کنند .

دوران گوتیک دورانی ترس آلودی است که ما چیزی را به آن صورت در زندگی مردم عادی نمی بینیم اما زمانی که برمی گردیم به دوران نئو گوتیک کمی تفاوت داشته است ، اما دوران کودک در زمان خودش در کشورهای انگلستان که خیلی محکم و پابرجا بود و طرفداران خیلی زیادی داشت و در کشورهای دیگر مانند هلند و اتریش که خیلی مورد توجه قرار می گرفت و ما آنها را خیلی از این سبک می بینیم.

اکنون هم که می بینیم که سبک هایی که کاغذ دیواری های تیره استفاده می کنند از رنگ هایی مانند بنفش که گفتیم این رنگ ، رنگ جادو است و خیلی این رنگ در سبک گوتیک مورد پذیرش بوده است.

حتی اگر سبک گوتیک را در پوشاک برخورد کنیم که ترسناک و متفاوت است و هیچ چیز از آن زمان را بر اساس استاندارد جامعه نمی بینیم .

بنابراین سبکی نیست که ما بتوانیم در هر فضایی از آن به کار ببریم یا هر فردی را بخواهیم که آن را مجاب کنیم از این سبک در فضای خانه اش

به کار ببرد البته ما در طراحی داخلی داریم که کسانی اکنون باعث ایجاد یک سری تغییراتی در سبک گوتیک می شوند . مثلا : از قوس ها و تجمل گرایی هایی که در کلیسا استفاده می شد و رنگ هایی که خیلی پررنگ در فضا به کار می بردند .

غالبا در یک مکان هایی از رنگ طلایی آن که خیلی لوکس است نمایان می کنند که کمی اگر توجه داشته باشیم می بینیم که کارهای نئوگوتیک اند که طرفداران خاص خودشان را دارند و شاید هر کسی که خیلی تمایلی به این سبک در خانه ای دارد زندگی بکند ، صندلی های شکنجه مربوط به دوران کودک است که در موزه های کشورهای دیگر نگهداری می شوند.

مبلمان سبک گوتیک : در مبلمان سبک کوتیک فقط صندلی شکنجه و جعبه ای نبوده است معلمان هایی که معمولا صلیب روی آنها نصب می شده وجود داشته است و فرم هایی که در معماری ما در و پنجره کلیسا استفاده می کردیم را روی مبلمان ها می آورند و در همچنین فضاهای

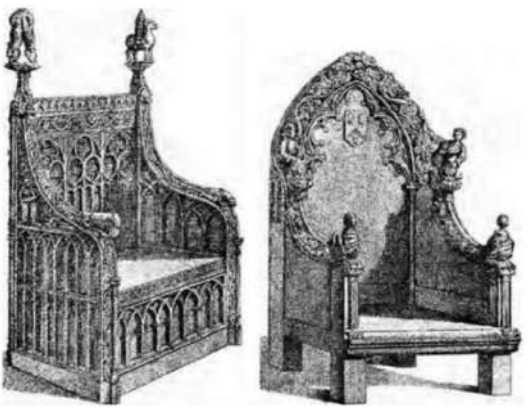

استفاده می کردند.

نکته مهم : حکاکی های سبک گوتیک که وجود داشته این است که برخلاف باروک که ما حکاکی می کنیم و مشبک سازی به وجود می آوریم و حکاکی هایی که داخل حفره و سوراخ وجود دارد .

در دوران گوتیک معمولا این حکاکی ها به صورت توپ پر است و حکاکی ها و منبت کاری هایی که روی سطوح وجود دارد خیلی نمی گوییم حتما و قطعا نیست ممکن است ، در یک جایی وجود داشته باشد و همین طور که و در تصاویر ما اگر بخواهیم ببینیم یک چیز مشبکی نداریم که دلیل دارد این موضوع و مبلمان ها ستون دار و پرده دار هم برای دوران گوتیک

است .

چرا ؟ زیرا ، کسی نداند که چه کسی در آنجا خوابیده است و همه چیز رازآلود است مبلمان هایی که پشتی های خیلی بلندی دارد و مربوط به دورانش سبک گوتیک می شود و کاملا حالت ترس را القا می کند این حالت عظمت و ابهت این سبک نه فقط در کلیسا در مساجد هم صدق می کند.

زمانی که زیر گنبدخانه می رویم که حال همان حالت مذهبی خودش را دارد و همه اماکن مذهبی ارتفاع سقفش که بلند است و این یک موضوعی است که نه فقط مسجد و کلیسا در هر جا که کلا اماکن مذهبی برای اینکه می خواهند آن حالت احترام برانگیزی در محیط وجود داشته باشد ؛ معمولا می آیند از ارتفاع های بلند در کار استفاده می کنند .

حالا می خواهند آن فضا آتشکده کلیسا یا مسجد باشد در واقع در خیابان سی تیر تهران که چهارراهی دارد که همه این فضاها را دارد و زمانی که مسجد یا کلیسا است و ما در آنها ورود می کنیم یا حتی از دور آنها را می بینیم و همه قد بلندی آن بود فضا ها و اماکن مذهبی را می بینیم که یک خاصیت آن است.

بعضی از اماکن مذهبی از سبک گوتیک استفاده می کنند و در دوره های رنسانس و بیزانس ساخته می شوند ، در فرم های گوتیک گل

داماس زمانی که در این دوره می آید رنگش از مشکی به طلایی تبدیل می شود ، در دوران گوتیک اصلا زندگی مردم اهمیتی نداشته است و به خاطر همچ چیزی به خصوصی اکنون ما نداریم و در این دوران همه چیز را تحت نیستیم سیطره حکومت خداوند بر زمین و کسانی که در کلیسا بودند .

حالت آرامش و آسایش و آسودگی را به مردم القا بکنند و مردم را دائم به سمت کلیسا می کشیدند و هر هنری که وجود داشت داشته است .

همان هنری بوده است که در کلیسا استفاده می شده است و مردم عادی حق و اجازه نداشتند برای خودشان هم چنین هنرهایی داشته باشند و مردم عادی را چه برسد به اینکه خانه هایشان را بخواهند زیبا کنند و همه اینها در سیطره دین قرار می گیرد .

اما اکنون در دوران نئوگوتیک کمی استفاده می شود و پس بنابراین تا جایی که امکان داشته باشد می بایستی باید سعی بکنیم که این دوره را نباید به سمت سف های معماری و سبک های دیگر است از آن استفاده نکنیم امروزه یک ویلایی ساخته اند که با سبک گوتیک که در پروژه مهندسین پویش است نکته جالبی که در این پروژه دارد .

این است که محوطه ای است که کاملا حالت حفاظت شده ای دارد و محوطه ای بدون هیچ معارضی است و اطراف اش ملک های دیگر دیده

نمی شود و این یک کار شخصی ساز است و ارتباطی به محلیت و دولت ندارد و هرچه دورتر ما اگر به این مکان بروید و ببینید می بینیم که اطرافش چیز خاصی نیست این سبک از آن سبک هایی نیست که به کارفرما ما بخواهیم پیشنهاد بدهیم .

برای نمونه پروژه مهندسین پویش با سبک گوتیک :

سبک روکوکو :

پس از به پایان گرفتن دوران سرد و سخت گوتیک دوران روکوکو شروع می شود این سبک ۱۰۰ سال بیشتر دوام نیاورد ، گویی به گونه ای بازگشت کاملا افراطی به دوران باروک بود و دوران باروک افراطی سبک روکوکو را به وجود می آورند .

در این سبک ستون ها و پاستون ها و مجسمه های عظیم وجود دارد که یک در بعضی و یا اکثرا فضاهای این سبک روکوکو احتمالا ارتفاع درهای ای ۳ تا ۴ متر می باشد و ارتفاع این سقف آن قدر بلند است که این آینه ها و درها و شومینه ها شبیه به یک چیز کودکانه است و اصلا در محیط به چشم خیلی می خورد ارتفاع گنبدی سقف ما خیلی بلند است و زیر آن هم پر از نقاشی هایی است که اتفاقا این دفعه ربطی به موارد مذهبی و کلیسا ندارد پس می گوییم که باروکی های افراطی البته از آنجایی که سبک گوتیک معماری مخصوص به خودش را داشت و در کلیسا مورد استفاده قرار می گرفت .

این سبک روکوکو هم برای خودش هم آمده بود و یک کلیسا داشت ارتفاع صندلی ها و عناصر المان های تزئینی بلند است یعنی می توانیم بگوییم که روکوکو یک باروک افسار گسیخته است که یک باروکی است که در تزئینات هیچ حد و مرزی را برای طراح ایجاد نمی کند ، سبک

روکوکو در پوشش زنان هم و لباس ها و تزئینات زیادی داشت و تاثیر بسزایی هم بر روی آنها داشت اما در مورد فضاهای داخلی پر از تزئین است.

دلیل اینکه این سبک چرا صد سال بیشتر عمر نکرد از چیست ؟

این سبک زمان زیادی در ساختمان می برده تا این سبک را در ساختمان ها به وجود بیاورند و فرد مورد نظر شاید فوت کرده باشد ولی هنوز ساختمانش ساخته نشده است و البته ما با سبک روکوکو در کشور خودمان در یکسری شهرها که این چشم و هم چشمی هایی که بین انسان ها شکل می گیرد و باعث به وجود آمدن این موارد شده است ولی ما آنها را تحت عنوان حساب کرد ،روکوکو نام نمی بریم ، چرا ؟

زیرا ، زمانی که می خواهیم از این سبک استفاده کنیم حداقل فضایی را که باید به کار ببریم ارتفاع سقف شش تا ده متر باید باشد و ما نمی توانیم ارتفاع سقف شش تا ده متر از شهرداری بگیریم تا بتوانیم همچنین آیتم هایی را ایجاد کنیم این گزینه ها و این تزئینات حتی در نقاشی که یک خواب تصویر به ما نشان می دهد که پر است جزئیات است و حالت شلوغ و پر از طراحی های تزیئین شده وجود دارد و هنرمند نقش و هنرمند معمار در این سبک گویی می خواهد هر چه هنر دارد را روی سطح و فضای مورد نظر خود پیاده کند برهنگی و تصاویر اندام های

مختلف انسان که پس از محدودیت هایی که در دوران کودک وجود داشته است برعکس گوتیک که اگر یک کودکی را برهنه می کشیدند دو تا بال هم روی آن قرار می دادند که می گفتند این یک فرشته است.

اما در این دوره این موضوع را ما نمی بینیم در یک زمانی مردم هم و زنان آنها کفش های چوبی می پوشیدند و آنقدر این کفش ها پاشنه های بلندی داشتند که عجیب و غریب بوده که خانم ها مجبور می شدند برای راه رفتن ساده ندیمه بگیرند که در سال ۱۶۰۰میلادی که کفش پاشنه بلند را آقایون می پوشیدند که با واژه ایتالیایی به نام دشنه بوده است و استفاده می کردند

این کفش ها برای افراد مرفه و طبقات بالای جامعه بوده است که هر کسی نمی توانست در آن زمان بپوشد و در هر صورت همه چیز در آن دوره رکوکویی بود که همان موقع ها این المان ها و نشانه ها را به ما نشان می دهد.

سبک کلاسیک :

طراحی داخلی کلاسیک از طراحی یونانی و رومی گرفته شده است. اساس این نوع طراحی بر نظم، تعادل و هماهنگی کامل بنا شده است و تلاش می شود تا در آن از هیچ عنصر مدرن یا المان های عصر حاضر، استفاده نگردد. در مقابل، سبک کلاسیک غرق در سنت است و به خوبی می تواند یادآور بناها و کاخ ها در سریال های تاریخی باشد. به منظور تمایز طراحی کلاسیک از دیگر انواع طراحی، درک نقاط کانونی آن بسیار حائز اهمیت است. خانه هایی که به سبک کلاسیک طراحی شده اند، اغلب دارای نقاط کانونی بزرگی هستند. مواردی مانند یک شومینه بزرگ، یک میز بزرگ یا راه پله های چشمگیر، نمونه های خوبی از نقاط کانونی بزرگ در سبک کلاسیک هستند که اغلب مورد استفاده قرار می گیرند. هنگامی که طراح نقطه کانونی را انتخاب کرد، تمام موارد دیگر در حول آن قرار می گیرند تا ظاهر نقطه کانونی انتخاب شده را بهتر نشان دهند.

مهم ترین ایده زیربنایی طراحی کلاسیک، ایجاد حس تقارن کامل است. به نحوی که اگر یک اتاق با طراحی داخلی کلاسیک از وسط برش داده شود، یک طرف آن کاملا طرف دیگر را منعکس می کند. در این سبک، همه چیز، از نورپردازی گرفته تا نحوه قرارگیری تصاویر روی دیوارها، باید بی عیب و نقص باشد. رنگ هایی که در طراحی داخلی کلاسیک استفاده

می شود اغلب از مادر طبیعت الهام گرفته شده است. از این رو، رنگ های آبی تیره، قهوه ای، زرد، سبز و رنگ های خاکی مانند سفالی اغلب در فضاهای کلاسیک یافت می شوند. علاوه بر این، رنگ سیاه می تواند برای مشخص کردن موارد مهم در یک فضا استفاده شود. اشیایی مانند ستون های رومی، نیم تنه ها و گلدان های بزرگ نیز در سبک کلاسیک بسیار رایج هستند.

ایجاد تم کلاسیک

یکی از مواردی که در داخل یک فضای کلاسیک، بسیار استفاده می شود، پارچه ها هستند. پارچه های کتانی، پنبه ای و سایر پارچه های بادوام، اغلب برای ایجاد یک تم کلاسیک مورد استفاده قرار می گیرند. طراحان همچنین تافته و ابریشم همراه با پنبه و کتان را در طراح کلاسیک به کار می گیرند. مخمل نیز پارچه ای است که در مبلمان یا لوازم داخلی به وفور مورد استفاده قرار می گیرد. طراحی داخلی کلاسیک در مورد کفپوش نیز چندان از مواد کفپوش که زمانی توسط یونانیان و رومیان باستان استفاده می شده است، دور نمی شود. چوب، مرمر، تخته سنگ و سنگ همگی انتخاب های ایده آلی برای آن هستند.

با این حال، یک فضای کلاسیک طراحی شده ممکن است برای همه مناسب نباشد و اگر به درستی اجرا نشود، اغلب نفس گیر و پر زرق و برق

به نظر می رسد.

وجود دارد که چرا الگوهای متعدد یک عنصر طراحی مهم در خانه های سبک کلاسیک هستند. نخست اینکه، ترکیب صحیح الگوها، می توانند به ایجاد عمق بصری کمک کنند و در نتیجه احساس راحتی را به فضا بیافزایند. دوم اینکه بازی الگوها برای چشم انسان، جذاب است. الگوهای چندگانه می توانند یک فضای ساده را به فضایی تبدیل کنند که احساس تازگی و سرزندگی در آن وجود دارد.

طراحی داخلی کلاسیک به هیچ وجه نمی تواند از اهمیت مبلمان غافل شود. صندلی های روکش دار، یکی دیگر از گزینه های پرطرفدار این سبک محسوب می شود. این ویژگی می تواند بخشی از ویژگی منسوجات مجلل باشد، اما به دلیل اهمیت ویژه اش، می توان آن را یک عامل جداگانه در نظر گرفت. زیرا می تواند جذابیت اصلی در فضای سبک کلاسیک را ایجاد کند ،همانگونه که در بالا نیز بدان اشاره شد، تقارن و تعادل، اساس سبک کلاسیک را تشکیل می دهد. به حدی که می توان چنین گفت که طراحی سبک کلاسیک، ریشه در تقارن دارد. از روشی که ما به مبلمان و قفسه های کتاب را قرار می دهیم تا چیدمان قاب ها و گلدان ها، تقارن بی انتها باید وجود داشته باشد و نظم را به اتاق بی آورد.

انتخاب مبلمان :

مبلمان آنتیک و سلطنتی، انتخاب اول در سبک کلاسیک هستند. زیرا یکی از عناصر مهم در طراحی کلاسیک، حجیم بودن اجزا است. بنابراین نمی توان انتظار داشت که در سبک کلاسیک، با یک محیط مینیمالیستی روبرو باشیم. از این رو، مبلمان باید مجلل، سنگین و حجیم باشند.

نه تنها مبلمان، که رد سبک کلاسیک، از صندلی راحتی گرفته تا کابینت، تخت و هر چیز دیگری، باید بزرگ و حجیم باشد. بنابراین توجه به این نکته در انتخاب مبلمان، میز ناهارخوری، سرویس خواب و..و حائز اهمیت است. علاوه بر حجم، رنگ و جنس مبلمان نیز مورد توجه است. استفاده از چوب های لوکس و قیمتی مانند بلوط، اولین گزینه برای مبلمان کلاسیک هستند. پارچه های نیز اغلب مخمل های نرم و لطیف و یا ترمه درجه یک هستند. رنگ مبلمان نباید از قاعده کلی رنگ در سبک کلاسیک تجاوز کند. قهوه ای، قرمز و آبی اغلب اصلی ترین گزینه ها هستند.

رنگ ها در سبک کلاسیک:

همانگونه که بالا نیز، اشاره شد، رنگ ها در سبک کلاسیک اهمیت ویژه ای دارند و از رنگ های طبیعی الهام گرفته می شوند. یکی از مهم ترین

این منابع الهام، ادویه جات هستند. از این رو رنگ زرد تیره یکی از مکمل های اصل رنگی در سبک کلاسیک محسوب می شود. قهوه ای، قرمز، آبی تیره و کرمی نیز از موارد استفاده سبک کلاسیک هستند. سبک کلاسیک به طور کلی تمایل چندانی به استفاده از رنگ های خنثی، به خصوص سیاه و سفید ندارد و رنگ های خالص و تند را ترجیح می دهد. این تمایل تقریبا در همه اجزا، از سقف و دیوارها و کفپوش گرفته تا لوازم و تزئینات، همیشه می تواند پا برجا باشد. آنچه سبک کلاسیک از آن فراری است، رنگ های سرد است. به نحوی که گاهی تعدد رنگ های گرم در یک فضای کلاسیک می تواند کلافه کننده باشد.

پرده ها:

پرده ها در طراحی کلاسیک، به طور کامل از الگوی پارچه های مورد علاقه این سبک پیروی می کنند. مخمل، کتان یا ابریشم انتخاب های پرطرفداری هستند که در لایه های متعدد به کار می روند. پرده های سبک کلاسیک عموما از لایه های چندگانه تشکیل شده اند و در هر لایه یکی از عناصر مهم این سبک به کار می رود. آسترهای ابریشمی و حریر، رویه های کتان، مخمل و ترمه که به شیوه های مختلف و البته نه ساده کنار یکدیگر قرار می گیرند. بله درست متوجه شدید! پرده ها در سبک کلاسیک به هیچ وجه به سادگی از سقف آویزان نمی شوند. طرح های

سلطنتی و پیچیده، ترکیب پارچه های اصیل مورد استفاده را زیباتر می کنند و در عین حال، بخشی از ترکیب رنگ فضا را می سازند. زیرا عنصر حجیم بودن، درباره پرده ها نیز کاربرد بسیاری دارد. طول پرده ها نیز هرگز کوتاه نیست و باید سراسر سقف تا زمین را در بر بگیرد.

کفپوش چوبی و فرش ها:

از متریال مورد علاقه در سبک کلاسیک، چوب است که خصوص در کف فضا، بسیار مورد استفاده قرار می گیرد. سبک کلاسیک علاقه چندانی به استفاده از فرش ها و کفپوش های پارچه ای ندارد و کفپوش چوبی اغلب به تنهایی می توانند به خوبی سبک کلاسیک را تامین کنند. زیرا هم به لحاظ متریال و هم به لحاظ رنگ، گرمای مورد علاقه این سبک را فراهم می کنند. با این حال، این مورد در فرهنگ های مختلف می تواند به شکل متمایزی وجود داشته باشد.

در کشورهایی مانند ایران که صنعت فرش از رونق و اهمیت ویژه ای برخوردار اند، فرش ها نیز عنصر مهمی در طراحی داخلی محسوب می شوند. از این رو انتخاب فرش های دستباف، با طرح های سنتی و شلوغ، اغلب انتخاب رایجی در سبک کلاسیک می باشد.

سبک رنسانس :

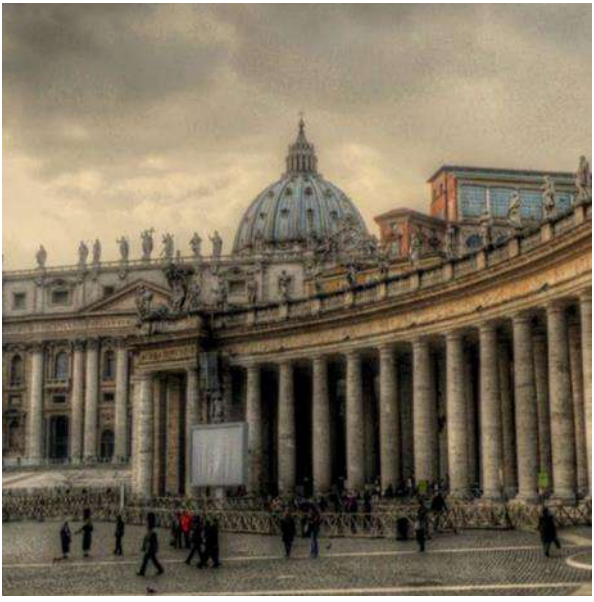

اما در کنار این اتفاقات عجیب و غریبی که در سبک شناسی پیش آمده و در این حالت ناگهان یک انقلابی در معماری و اروپا شکل می گیرد ، این سبک خیلی سبک جالبی است و دوران مربوط به دوران داوینچی و میکل آنژ در واقع اوج اعتلای هنر اروپا است .

اتفاقی که در این دوره می افتد این است که خیلی به طور عجیب برمی گردد به دوران یونان باستان و همچنان مذهبی گری در شکل خیلی کنترل شده ای در این دوره وجود دارد مثلا آقای میکل آن ۳ سال تمام روی سقف های کلیسا به صورت افقی دراز کشیده بودند و نقاشی های خیلی ماندگاری که امروزه مورد توجه قرار گرفته است را نقاشی می کشیدند یا نقاشی های دیواری که معمولا هم با مضامین دینی و این ترسیمات را انجام می دادند .

پس این یکی از مشخصه های دوره های رنسانس است که بازگشت به عصر کلاسیک ب عصر هلنی و عصرهای یونان و رم باستان برمی گردد به دوره های قدیم و گذشته به وجود می آید ، زمانی که این بازگشت به وجود می آید و از نقاشی هایی که باز هم در خدمت کلیسا است اما در واقع به صورت واقعی گرایانه همه چیز را می کشیدند . مثلا : اگر در صحنه خلقت انسان را شکل می دهد دیگر نمی آید بگوید که اینها فرشته

اند و می گویند که اینها انسان اند اما برهنه اند در دوران رنسانس هنر کاملا رئال است ، مثلا : مجسمه هایی که در آثار آقای مایکل آنژ به جا مانده است که تمام جزئیاتی که در بدن انسان وجود دارد را به وضوح می کشیده و چون این فرد مجسمه ساز بوده است و می رفته سنگی را پیدا می کرده و بتواند با آن سنگ ارتباط برقرار بکند و آن را می تراشیده تا آن سنگ به او بفهماند که قرار است چه شکلی بشود که می تواند انسان یا پیکر یا سردیس باشد و تمام جزئیات را رعایت می کرده است یا مثلا : در مورد تابلوهای آقای داوینچی که ترسیم کرده اند می بینیم که همه چیز با جزئیات فراوان و علاقه مندی های آن ای که به مسیحیت و مذهب باعث ترسیم شدن تابلوی شام آخر می شود و خیلی بناهای مهم دیگری که در این دوره با همین سبک ساخته شد .

همانطور که گفته شد برخلاف دوران کوکو و باروک که تزئینات خیلی خیلی زیاد وجود داشته دوره رنسانس پایه گذار عصر نئوکلاسیک است در مذهب خودمان چون پیامبران را ندیده ایم یک نوری بر روی صورت آنها قرار می دهیم اما در مذهب دوره رنسانس به زیباترین شکل ممکن است که در زمان داوینچی هم کسی حضرت مریم و نه حضرت مسیح را ندیده بود و یادشان نبوده است و یکسری اسناد وجود داشته است و این موضوع را کاملا بروز می کنند و یک چهره و یک سیمایی را در نظر می گیرند و

در نقاشی و آثارشان استفاده می کنند .

این سبک که بازگشت به یونان و رم باستان همان طور که گفته شد داشتن قوس ها بناها از صورت شاخ بُزی به حالت وضعیت رومی در می آید ساخت آنها به صورت گنبددار بوده است و مهم ترین شاخصه های معماری های دوره رنسانس است و شکل ستون و سر ستون ها مانند قبل شده است .

که نام ستون های آنها : ۱. ستون یونیک ۲. ستون های دوریک ۳. ستون های کورنتین بوده است و فرم های سنتوریک مثلث هایی بوده است که بر بالای ساختمان قرار می گرفته است .

می توان گفت که سبک رنسانس سبکی است که سبک یونانی را که از یاد رفته بوده است را احیا می کند اتفاقی که در معماری داخلی دوران رنسانس می افتاده چه چیزی است دوباره ما بازگشت به سبک باروک را داریم اما کنترل شده و بدون هیاهو است .

اگر دقت کنیم متوجه می شویم که در سبک اگر که قاب بندی ها و نقاشی ها بیشتر داشتیم اما کمی به حالت جزئیات آن نگاه می کنیم می بینیم که حالت کنترل شده باروک به رنسانس تبدیل شده است پس بنابراین گذر سرانگشتی به بناهای خیلی لوکس وقتی که در کشور خودمان حداقل ساخته می شود متوجه می شویم که خیلی از بناهای آن

باروک نیست و رنسانسی است .

صندلی هایی که در این دوره ایجاد شده شلوغ و پرتزئینات بوده و پایه تزئینات معمولا به حالت S شکل بسازند و یک قوسی در بدنه و یا پایه مبلمان ها وجود داشته است .

اما یک مرز مشخصی بین تزئینات سبک رنسانسی در معماری و در معماری داخلی بوده است که آن هم خلوت تر بودن در واقع در فضاست پس می توان گفت که در معماری داخلی سبک رنسانسی خلوت شده و کمتر تزئین شده نسبت به دوره های پیشین خودش اصل مانند دوره روکوکو و دوره باروک است و کاملا هم قابل تشخیص است و رنگ ها هم ملایم تر شده اند همچنین رنگ سفید جزو رنگ هایی است که بیشتر در سبک کلاسیک زیاد دیده می شود .

همچنین علاقه مندی ام مردم به سمت سبک باروک و رنسانسی است و مردم ترجیح می دهند که اگر هم دارند از یک سبکی از سبک کلاسیک استفاده می کنند به سمت باروک شدن بروند ، اما حالت و حال و هوای کلیسای رنسانسی خیلی متفاوت تر است و هیچ گونه ارتباطی با گوتیک ندارد .

فضای کاملا آرامش بخش و متفاوت تری در این سبک رنسانسی برخوردار است ، خیلی جزئیات در کلیسا در سبک رنسانس زیاد دیده می

شود و در قسمت آخر زیر گنبند خانه شان یک مقدار خاصی نقاشی در آن اتفاق افتاده است و در ستون ها به صورت کورنتیین و قوس ها هم ملایم و نیم دایره ای کنترل شدن در اروپا دوره رنسانس باقی می ماند و صادر به کشورهای دیگر می شود و همچنان هم بناهایی در این سبک در کشورهای دیگر اروپایی ساخته می شود و به وفور دیده می شود .

پس از رنسانس چه اتفاقی می افتد و ما شاهد چه رویدادهایی در اروپا هستیم؟

سبک رنسانس آوانگاردیسم است یعنی دارد به سمت پیشرفت و نو آوری می رود .

این حالت باعث چه چیزی می شود ؟

*انقلاب صنعتی در اروپا بوجود می آید .

که در سبک بعدی متوجه می شویم.

سبک صنعتی:

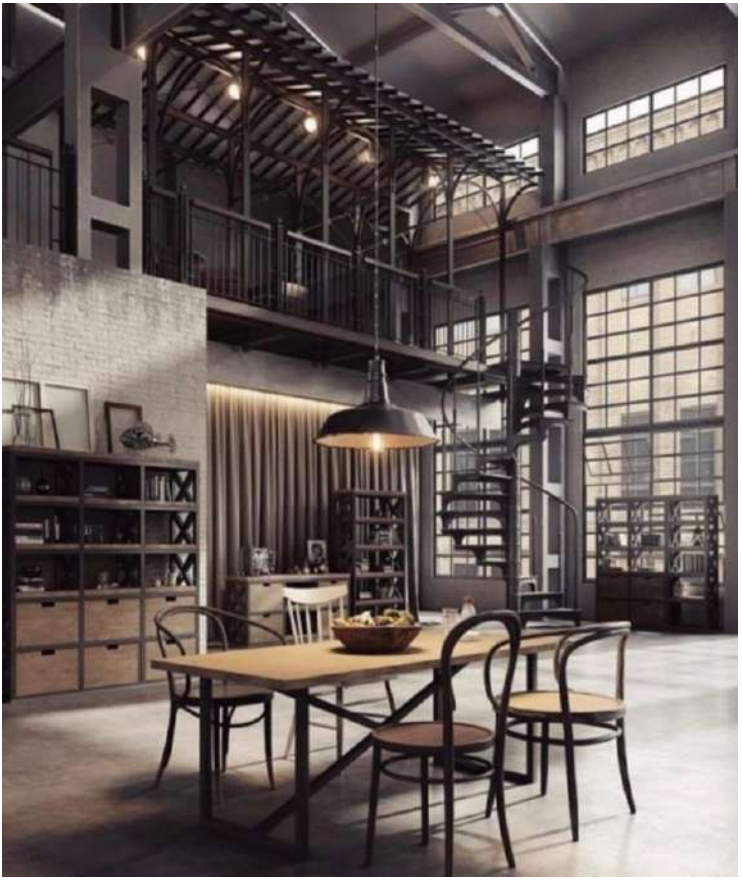

همزمان با دوران انقلاب صنعتی اروپا سبکی به نام مدرن در اروپا شکل گرفت .

حال این سبک صنعتی برای چه دوره ایی است ؟

برای دوره دگرگونی های بزرگ در صنعت ، کشاورزی ، تولید و ترابری که در انگلستان شروع شد به کارخانه ها می آیند و ماشین ها جایگزین انسان ها می شوند درست است که کشاورزی صنعتی می شود.

ولی یک اتفاق خیلی عجیبی هم خواهد افتاد طبقه ای که در انقلاب صنعتی در مردم به وجود می آید به نام طبقه متوسط ما تاکنون دو تا طبقه داشتیم ثروتمندان و مردم عادی که در دوره انقلاب صنعتی کارخانجات به شهرها می آیند و کشاورزی رونق خودش را از دست می دهد و مکانیزه می شود .

مثلا : فردی که در مزرعه پنبه پیچیده اکنون پنبه را دستگاه برداشت می کند که صاحب مزرعه آن دستگاه را می خرد و پنبه اش را برداشت می کند یک عده کثیری بیکار می شوند و این عده به شهرها مهاجرت می کنند و در کارخانجات مشغول می شوند و چیزی در این دوره در انگلستان و اروپا به وجود می آید که به نام آپارتمان سازی ما شکل گیری شهرک ها را مربوط به طبقه کارگری که به شهرها مهاجرت می کنند را دقیقا در انگلستان داریم.

مثلا : در چند سال پیش تبدیل شده بود به پاتوق افراد تبهکار و ناباب این ها که آن شهرک ها را کلا از بین بردند و فقط یک برجش را نگه داشتند به عنوان سمبل دوران صنعتی و میراث صنعتی انگلستان و از آن حفاظت می شود .

مردم از روستاها به شهرهای بزرگ آمدند و نمی توانستند در خانه های ویلایی بزرگ زندگی کنند و از طرفی محل خانه شان به محل کارشان باید به گونه ای به هم نزدیک باشد پس در این صورت آپارتمان ها شکل می گیرند و سبکی به طور کلی به وجود می آید به نام سبک مدرن اساس این سبک بر پایه چه چیزی بوده است ؟ عملگرایی بود .

سبکی است که از ده سال پیش تاکنون دارد نفس های آخرش را می کشد و در کشور ما و قبلا خیلی مورد استفاده قرار می گرفته است و در کشور ما با روحیات مردم ما سبک صنعتی را به خانه نبریم بهتر است .

چرا ؟ مگر این سبک چه مشخصاتی دارد ؟

در این سبک تمام متریال ها اسپوز استفاده می شود ، اسپوز یعنی چه ؟

مثلا : در یک تصویری اگر قرار بود که دیوار آجری داشته باشد یک دیوار آجری ممکن است شبیه خود دیوار آجری سازه باشد ، مانند : یک جعبه برق که تمام سیم های منتهی به جعبه برق روکار است و ما همه آن اتصالات را می بینیم تمام کانال ها و دریچه ها به صورت باز است و

متریال Base این سبک بتن و متریال های طرح بتن هستند .

مانند : انواع رزین و رزین پوکسی و یا میکروسمنت و به شدت از فلز استفاده می شود و انواع فلزات رنگی هم در این سبک وجود دارد و بعضی از فضاها که ارتفاع سقف ها بلند است از چراغ های سبک صنعتی که در کارخانه ها استفاده می شده است ، کار کرده است .

همانطور که گفته شد این سبک مناسب به خانه نیست اما به صورت لکه ای می تواند گاهی اوقات در فضای مدرن استفاده بشود ، زیبایی سبک صنعتی در این است که کل فضا مثلا حالت صنعتی باشد ، معمولا سبک صنعتی در فضاهای تجاری خیلی بیشتر نمود پیدا می کند .

ما حتی می توانیم گاهی اوقات یک تزییناتی را انجام بدهیم که کاربری ندارد مثلا کانال هایی را به در فضا بکشیم که به هیچ وصل نیستند و فقط صرفا جنبه تزئینی داشته باشد یا لوله هایی در خانه نمی توانیم بکشیم یا از این کارها بکنیم خانه که موتور خانه نیست و تعداد زیادی لوله بازند و سیم های مشبک برق را از سقف آویزان می کنیم و تیرآهن های زیاد می توانیم به بنا و ساده ساختمان به کار ببریم این نوع سازه و سبک ها با روحیه ایرانی ها و تجمل گرایی خیلی آنها سازگار نیست برای همین تا جایی که باشد در خانه استفاده نکنیم بهتر است .

همانطور که گفتیم رزین اپوکسی در فضا استفاده می شود و آن را یک

تکه می ریزند و خط ندارد اما بتن را حالت تایل تایل می زنند و یا میکروسمنت کار می کند ، چون میکروسمنت از لحاظ قیمتی از همه اینها گران درمی آید و جاهایی که لوکس هستند ما پیشنهاد می دهیم و رنگ های مختلفی دارد و مخصوصا از رنگ های روشنش استفاده نکنیم و رنگ کرم در کف استفاده نشود در فضای رستورانی و بوتیک هایی که کنار خیابان اند انجام ندهیم .

اما اگر در پاساژ بود مشکلی ندارند و کسی با کفش کثیف وارد پاساژ نمی شود ولی اگر فضای مورد نظر در کنار خیابان بود فردی داخل فضا می شود در فصل زمستان با کفش و لباس خیس شده و کثیف و وارد مغازه که می شود تماما رد اثر پایش روی میکروسمنت می ماند و خیلی سخت پاک می شود.

زیرا ، میکروسمنت ها یک بافت زبر دارد و از بتن بافتش زبر تر است و پاک کردنش خیلی مشکل دارد برای همین میکروسمنت را مخصوصا رنگ های روشن در کف استفاده نکنیم .

یکی از بهترین شوروم هایی که در سبک صنعتی می توانیم ببینیم شوروم تاج هوم است و یک شوروم کاملا خصوصی است و حتما می پرسند که پروژه دارید یا خیر ؟

در آنجا نمی توانید یک چیز ساده بخرید و بیرون بیایید در آنجا زیر

پانزده میلیون تومان خرید کنید آن جنس را به شما نمی دهند و نمی فروشند .

*حتی جعبه های میوه هم می تواند البته یکی از المان های سبک صنعتی هم باشد .

اولین کافه ای که با این سبک کار شده است در ایران سام کافه فرشته است این سبک چه حسی را به فرد مورد نظر القا می دهد ؟

بازگشت به گذشته گویی ورود به دنیای متفاوت و پایمان را در جایی می گذاریم که بیرون آن این شکل نیست ، سام کافه فرشته میزهای تکی را خیلی کم می بینیم و میزها حالت اشتراکی دارد ، علاوه بر سام کافه فرشته زنجیره های وی کافه هم داریم که در خیابان فلسطین و دیگری در شریعتی و دیگری در پاسداران است ، کاملا صددرصد دانشجویی است .

یک کار جالبی که وی کافه شریعتی انجام داده است این است که آنجا را راحت گالری کرده است و در دوره های مختلفی به نقاشی های متنوعی از انسان های مهم نشان داده شده است و در آنجا نه تنها ما می رویم که تمام باریستهاهایی که در آنجا کار می کنند یا دانشجویان یا کم سن و خیلی محیط دوستان و خاصی است چند تا از غرفه های پالادیوم هم سبک شان صنعتی است مانند : برگر فکتوری که خیلی جسارت می

خواهد استفاده از سبک صنعتی به خاطر اینکه همه چیز مشخص است ، یا مانند : رستوران ریواس و سبوس سبک صنعتی است ، بوتیک ها و مزون ها در این سبک خیلی عالی جواب می دهد و کار پر ریسکی است .

سبک مدرن :

این سبک را آقای لوکوربوزیه پایه گذاری می کنند و از مدرسه باوهاوس که به هرحال آنجا یک مدرسه هنری بوده است و فرم های ساختارشکنانه در آنجا زیاد بوده است و کسانی که هنرمند عصر مدرن می شوند علاقه ای به پیچیدگی های دوران باروک و تزییناتی که در آن دوره اجرا می شده و برای بناهای مختلفی بود به آن نداشتند و مردم اصلا از لحاظ اقتصادی پول آن را نداشتند که بخواهند یک ساختمان با تزئینات بارکی آن هم طبقه کارگران یا با سبک های کوچکی یا رکوکو یا رنسانسی را انجام بدهند

پس همه چیز ساده می شود و ساده گرایی بین این طبقه از جامعه آن زمان رخ می دهد معماری و معماری داخلی دوران مدرن تقریبا بازگشت به عصر تاریخ گرایی است این آقای لوکوربوزیه ایدئولوژی آن این بوده است.

که چرا ما باید این همه تزیین در فضا انجام بدهیم و این همه زمان بگذاریم؟

اگر درست نگاه کنیم حرف درستی می زده است پس بنابراین در این حالت ساده گرایی همه چیز بهتر است و عملکردگرایانه باشد در آن دوره است که یک کارگر یک اتاقی اجاره می کرد و این اتاق شامل یک میز و

صندلی و تختخواب بوده است و حمام و توالت بود قرار داشته که ما در فیلم های اروپایی و خارجی زیاد از این تصاویر می بینیم حال دیگر این مورد تجمل گرایی را این فرد می خواهد چه کار کند اصلا پول این فرد به این اجراها نمی رسیده است .

در واقع آقای لوکوربوزیه می گوید : باید فضایی قابل استفاده برای افراد ساخته بشود و حال می خواهیم جنبه های دیگر هنری مدرن بپردازیم چند دوره مدرن باید به آرامش بشر فکر بکند پس خط هایی مانند خط افقی در این دوران خیلی زیاد می شود .

آثار آقای لوکوربوزیه : این فرد زمانی می آید که دوره کشف چیزهای جدید بوده است (زمان انقلاب صنعتی)

*مواد بتن تولدش در دوران انقلاب صنعتی بوده است و سیمان هم همین طور بر اثر فرآوری هایی که روی گچ انجام می شده یک جزیر را به وجود می آوریم به نام بتن و این زمان عصر بتن و عصر پلاستیک است و پی وی سی در این دوره شکل می گیرد.

بناهایی که ایشان درست می کند که معماری های پوسته ای و یا معماری های خیلی خیلی ساده ای که انسان دارد زندگی بکند و آرامش داشته باشد تقریبا این دوره ها مصادف می شود با دوران پهلوی اول و دوم و در کشور ما که حدودا ۱۰۰سال پیش بوده است ، بناهایی که در

آن زمان در کشورها ساخته می شده مربوط به همین مدرن بوده است .

آقای لوکوربوزیه بناهای شکست خورد خرده هم داشتند که مثلا : ایشان شهرکی را در هندوستان تولید کردند و ساختند که کاملا با شکست مواجه شد .

چرا ؟ زیرا ، ایشان زمانی که این بنا را خلق می کنند یادشان می رود که هندی ها عاشق رنگ اند ، شاید برام از لحاظ ظاهری خیلی زیبا باشد و زیاد باشد اما هندی ها نمی توانند با چنین چیزی مواجه بشوند اما ممکن است که شهرک اکباتان کمی با روحیه ما یک مکانی باشد که هماهنگی داشته باشد اما با روحیه هندی ها اصلا هماهنگ نیست ، هندی ها عاشق رنگ اند و با چیزهایی که در آن آرامش بخش باشد را نمی توانند کنند ارتباط بگیرند .

مثلا : در اتوبان ستاری آقای دانش میر را انجام دادند که دو تا برجی هستند که داخل هم رفته اند و خطای سفید که سفید روی آن قرار دارد که الهام از کارهای آقای لوکوربوزیه است و یعنی جزو کارهای مدرن شهری به حساب می آید ، آقایای دانش میر جز افرادی است که Diconstraction است و در ایران کارهای خیلی خاصی دارد ، از جمله : پردیس سینمای ملت ، آواسنتر، مسجد پشت تئاتر شهر که بعضی ها می گویند این پروژه ها شکست خورده ولی آن بنا خیلی هم خوب است

که معمار پوسته ای از کسانی که از ایشان انتقاد می کنند .

باید به خودشان بپردازند و ما در کشورمان از این انسان های برجسته که پیرو کارهای لوکوربوزیه اند را داریم ،به طور کلی اتفاقی که در دوران مدرن می افتد عمل کرد گرایانه و ساده گرایانه و بدون حاشیه است البته معماری مدرن هم می تواند در جایگاه خودش اتفاقات جالبی را در واقع به وجود می آورد که زیرشاخه های سبک مدرن سبکی داریم به نام سبک Diconstraction یعنی معماری که مدرن است اما ساختارها و استانداردها را می شکند.

مانند کارهای خانم راحت حدید و همه چیز بر اساس احجام هندسی در معماری مدرن شکل می گیرد و بعضی از کارها را می بینیم که ساختارهای کلی آنها و فرم ش ساختار اولیه معماری را می شکند که به آن Diconstraction

می گوییم .

معماری پوسته ایی که برای این دوره است و بعضی از کارها و بنا هستند که از مدرن خارج می شود و به پست مدرن می رسد .

پُست مدرن :

پُست مدرن چیست ؟ چه تعریفی از پُست مدرن دارید ؟

در دوران پست مدرن از حالت واقعی خارج می شود و هنرمند دوران پست مدرن یک ایده ای را در ذهنش می پروراند و آن را می سازد و فرد بیننده آیا می تواند درک بند که هدف طراح از این چه بوده است ؟ یا درک نمی کند و معمار اصلا برای آن مهم نیست که فرد بیننده آثار آن را درک کند یا نکند و می گوید : این اثر من است از حالت واقعی پست مدل خارج می شود و سورئالیزم یعنی فراواقعی است .

مثلا : چه کسی می خواهد در خانه سبدی شکل زندگی کند ؟ پس دوران پست مدرن که در کشور ما با برج آزادی شکل می گیرد و از ادامه در واقع مدرن است که به وجود می آید . مثلا : بنایی داریم که در شمشک است و حال کاملا پست مدرنی دارد و هتل است و این مدرن هر چقدر استاندارد واقعی و بر اساس راحتی انسان طراحی می شود پست مدرن ساختارهای استاندارد معماری و مدرنیته را می شکند و طراح هر چیزی که فکرش را دارد و دلش خواسته را می تواند در فضا اجرایی و استفاده بکند .

در کنار سبک مدرن و پست مدرن دنیا را دارند تسخیر می کنند که طرفداران سبک کلاسیک هم نئوکلاسیک را به وجود می آورند همچنین کسانی هستند که به کلاسیک برای آنها دوران جذابی است اکنون هم به

کارفرمایی برمی خوریم که اصلا فضای مدرن را درک نمی کنند و عاشق فضاهای کلاسیک هستند و حال برای آن فرد هزار کار جدید به آن نشان بدهیم آنها دوست ندارند بنابراین سبکی ایجاد می شود به نام سبک نئوکلاسیک .

سبک نئو کلاسیک :

دوران نئوکلاسیک دورانی است که ما در آن تزئینات را وارد سبک مدرن می کنیم و این تزئینات هم قانون دارد و تزئینات سبک نوکلاسیک بر پایه ساختار هندسی است .

یعنی در این دوره می گوید که باید ما دیوارمان را قاب بندی کنیم اما قاب بندی دوره های کلاسیک آمیخته و برگرفته شده از طبیعت است اما در دوره نئوکلاسیک تزئینات آمیخته شده با اصول هندسی است .

یعنی ما در اینجا گل و بلبل نداریم که به آن اضافه کنیم و از مستطیل های داخل هم استفاده می کنیم تزئینات است و رنگ طلایی هم هست اما ما هیچ چیز کورنتین نمی بینیم و نقاشی سقفی و تزئینات افراطی نمی بینیم .

پس داران نئوکلاسیک دورانی است که اصول معماری کلاسیک و اصول معماری مدرن در آن با هم ترکیب می شوند یعنی می گوییم که تزئینات سبک کلاسی که وجود دارد ولی به واسطه سبک مدرن ساده شده است .

مثلا : در یک فضایی دو تا قاب بندی متفاوت برای آن فضا ایجاد شده است و تزئینات و گل داماس در سبک کلاسیک است اما مبلمان ها به شدت ساده می شوند و در حوزه مدرن قرار می گیرند .

پس بنابراین عصری که امروزه در آن قرار گرفتیم از دوران نئوکلاسیک است و حال کسانی که می خواهند کارهای مقرون به صرفه ولی فضایی

زیبا انجام بدهند از این سبک استفاده می کنند بعضی وقت ها باگ هایی در تصاویری که در اینترنت وجود دارد را می بینیم که اشتباها فکر می کنیم که نئوکلاسیک است ولی نئوکلاسیک نیست آن سبک ، سبکی به نام آرت دِکو است که در سبک بدی به آن می پردازیم.

آرت دِکو :

هنر آرت دِکو که در دوره مدرن باز هم در دوره ای است که اکنون وجود دارد ، این سبک از ایتالیا به وجود می آید و تنها سبکی است که رنگ طلایی داخلش وجود دارد و ما به هیچ عنوان در سبک مدرنی اجازه استفاده کردن از رنگ طلایی را نداریم به جز سبک آرت دِکو می توان گفت که کسانی است که طرفداران سبک کلاسیک هستند هم آرت دِکو را با خودشان آورده اند و سبک مدرن و بسیار لوکس تجملاتی است.

که ما همیشه مدرن را بر اساس ساده گرایی و عملکردگرایی می گفتیم اما سبک آرت دِکو جز اولین سبک های مدرن که تزئینات دارد کسانی که دوست دارند در خانه شان همه سبک ها را با هم ترکیب کنند و در کنار مبل ایتالیایی از این میزهای فلزی بگذارند که فلز به هیچ عنوان در سبک کلاسیک جا ندارد اما در همه سفک های مدرن می توانیم فلز به کار ببریم

اما فلز طلایی برای سبک آرت دِکو است ما در سبک های مدرن دیگر هم اجازه استفاده کردن از فلز طلایی را نداریم از شاخصه های این سبک فلز آینه مبلمان هایی که در بدنشان آینه استفاده می شود و اینکه آینه های چهارتراش که امروزه مد شده است این ها برای سبک آرت دِکو است .

نمونه ای از آیینه های ۴ تراش :

بعضی از شرکت ها هستند که ساختارهای سکی را به هم می ریزند و درست است که سبک آرت دِکو گفته که می توانیم از خطوط شکسته استفاده کنیم این خطوط شکسته متظم و درست به خطوط متفاوت و به هم ریخته غیرهندسی که ساختار درستی هم ندارد و از این موارد بدتر که این انسان ها در شرکت ها این آینه ها را در سبک کلاسیک و

نئوکلاسیک می برند و این کاملا اشتباه است اگر آینه می خواهید به سبک آرت دِکو ببرید اصول دارد و اصولش هم این است که یک سری آینه یکپارچه کار می کنیم و فقط روی آن حکاکی می کنیم .

نقوش آرت دِکو :

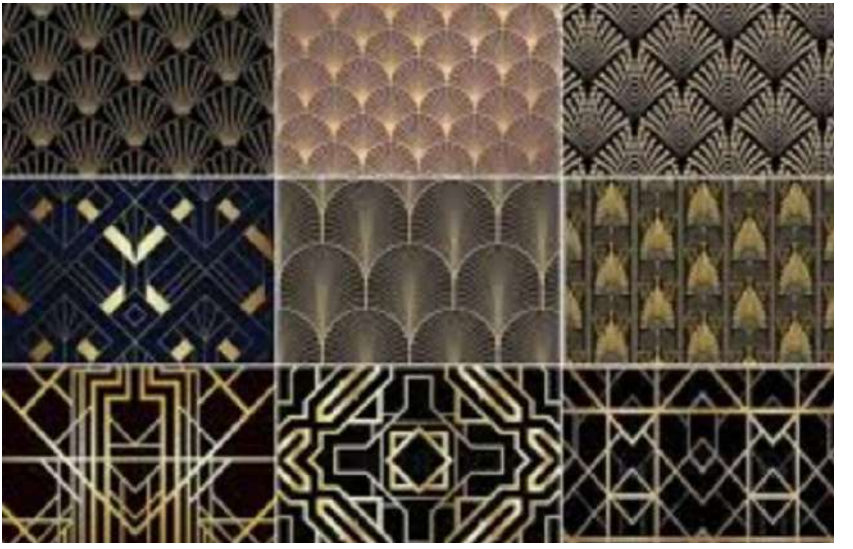

آن قدر این سبک مهم است که برای خود نقوش با استانداردهای فرمی دارد و اجازه نداریم که هر کاری خواستیم روی آن انجام بدهیم با فرمایی که ما می توانیم به صورت سندبلاست شده و یا به صورت طرح های کاغذ دیواری و یا کارهایی روی فلز بر روی درها و دیوارها انجام می شود .

ساین آن ساین آرت دِکو است و ما اجازه نداریم یک چیز الکی داخلش به کار ببریم یا استفاده نمی کنیم و از کاغذ دیواری اگر می خواهیم استفاده کنیم باید آن شکل و شمایل مربوط به خودش را به کار ببریم ؛ همان

طور

که در سبک کلاسیک فرم ها به خصوصی را برای سبک کلاسیک مانند : سبک ایتالیایی و فرانسه داشتیم که روی طراحی های آن داماس و فلوردلیز را دارد اینجا هم قانون خودش را در سبک آرت دکو داریم مبلمان های آن که ترکیبات فلزی دارند و ما در این دوره هستیم و صندلی های این سبک لبه باریکی دارد و آنها تماما استانداردهای سبک آرت دِکو ایی است ما اجازه داریم در این سبک از رنگ های دلخواهمان استفاده کنیم اما رنگ سفید و سیاه و خاکستری جز Base کار سبک آرت دِکو است و مدرن است ،البته این سبک امروزه خیلی زیاد با سبک معاصر ترکیب می شود و مانند ساختمان کراییسلر آمریکا و تنها ساختمانی که با سبک آرت دِکو ساخته شده است .

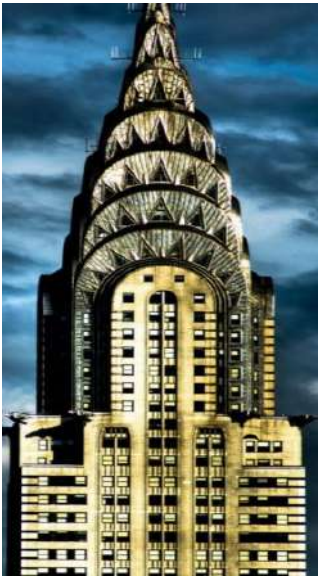

این سبک تنها سبکی است که در مدرن است و ما می توانیم در کف سازیش از سنگ استفاده کنید مخصوصا از سنگ های براق زیرا بقیه سبک های مدرن ما باید متریالمان غیره نچرال باشد یعنی باید کاشی و سرامیک و موکت کار کنیم . چرا ؟

در این سبک فقط سنگ استفاده می شود به خاطر تجملات و لوکس بودن که متریال ها در فضا برای خودش به همراه دارد ، معمولا در این سبک ازاکسسوری های امضا دار در این سبک خیلی استفاده می شود و همچنین از سنگ های یکپارچه و آینه در کنار همدیگر است .

زمانی که نگاه می کنیم می بینیم که سبک پرتجملات مادی است و می تواند در سبک مدرن با نئوکلاسیک رقابت کند ، زیرا این زیباتر از سبک کلاسیک است و همچنین یک استاندارد های دیده نشده و یا کمتر دیده نشده در خودش دارد یک سبکی از لحاظ اسمیت نزدیک به سبک آرت دِکو است اما جزو سبک های بسیار کم کاربرد است که سبک آرت نِو است که در سبک بعدی ما به آن می پردازیم .

سبک آرت نِو :۹

این سبک مانند سبک انگلیسی می خواهد طبیعت را به خانه ببرد اینجا هم همین نظر را دارد اما با المان های طبیعی و واقعی در سبک انگلیسی می دیدیم که مثلا چهار تا گل مصنوعی و این موارد را وارد فضا می کرد اما اینجا با این روند کارش راه نمی افتد ، بلکه تزئیناتی که در فضا وجود دارد شبیه به شاخ و برگ درختان است ، گویی آن فضا و چیدمان و دکوراسیون اش رفته و موج های طبیعت را وارد محیطش کرده است.

معمولا مبلمان هایی که در این سبک کار می شود یا هر چیز دیگری المان های طبیعت را در خودش دارد ، حتی می تواند در فضاهای شلوغ کمی هم ترسناک و رُعب آور باشد این معماری ، معماری نیست که ما خیلی بتوانیم از آن استفاده بکنیم ؛ مخصوصا در حالت معماری داخلی و تنها خصیصه ای که دارد این است که طبیعت را وارد فضای داخل خانه می کند و بیشتر استفاده از سازه های چوبی و الهاماتی که از درخت ها گرفته می شود کمی با فرم منحنی که در خود دارد ذهن آدمی را به سمت سبک گوتیک می برد و گوتیک را بازسازی بکند و معماری که دارد کاملا پوسته دهی و بدون پیش زمینه ذهنی است و ما داریم .

مانند : یک بنای خیلی مهمی که در اسپانیا که آقای آنتونی گائودی که توانستند کارش را تمام کنند پست مدرن یک ریشه یابی می شود و متوجه می شویم که معمار دلیلش چه بوده و چه می خواسته برای هدف

ساختن بناهای متفاوتش ولی در آرت نِوُ نمی دانیم که هدف معمار چه بوده است ؟ کمی شبیه معماری های آفریقایی و اینهاست .

نمونه کار از آقای آنتونی گائودی :

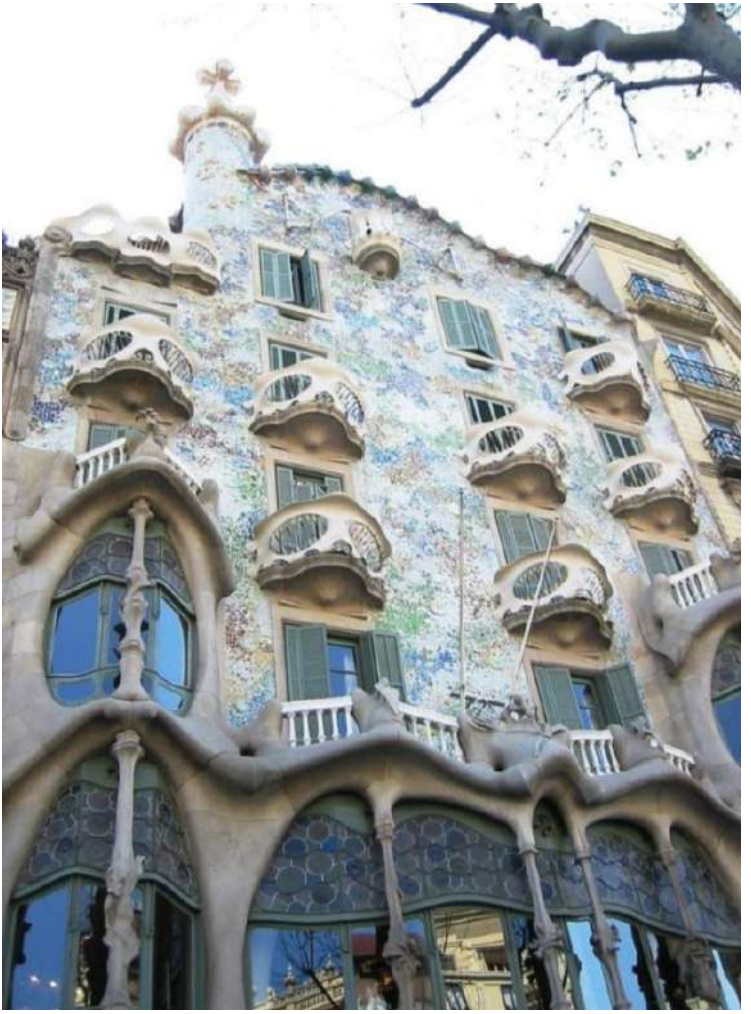

همانطور که گفته شد سبک مدرن زیرشاخه های داشت از جمله :

۱.آرت دِکو

۲.آرت نِوُ

۳.مدرن شهری

۴. مدرن صنعتی

۵. مینیمال

۶.اسکاندیناوی

۷.معاصر

و بعضی سبک ها هستند که اقلیمی منطقه آیی هستند ازجمله :

۱.شبیشیک ۲.عربی ۳.مراکشی ۴.اسپانیایی۵.ژاپنی ۶. آسیایی ۷. شیکر۸.روستیک ۹.وینتج (vintage)۱۰.بُهم (بوهمین)

سبک مدرن شهری :

باقی مانده مدرنی است که آقای لوکوربوزیه آن را به وجود آورد و یک مدرن خیلی قدیمی است مدرن شهری یا مدرن معمولی تمام فرم های ما معمولا فرم های هندسی است و هیچ فرم Diconstraction در فضا وجود ندارد و.

مهم ترین نکته ای که وجود دارد : آزادی عمل استفاده از تمام رنگ ها و تمام فرم ها در ساختار هندسی داریم .

مثلا : در محیطی می توانیم پارتیشن شیشه ای و کف را لمینیت چوب می گذاریم و از یک فرش مدرن و میزی را می توانیم استفاده کنیم که آیا استیل سفید فلزی دارد .

یا مثلا : می توانیم در پس از ساختارهای چوبی با فرش معمولی به کار ببریم در سبک مدرن شهری که مورد علاقه و مورد توجه خیلی انسان ها است و اصلا دستمان بسته نیست و تقریبا می توانیم هر کاری که دلمان خواست انجام بدهیم آنچه که ما می گوییم مدرن یعنی هیچ آیتم کلاسیک و نئوکلاسیک و پُست مدرن وجود ندارد و آن می شود یک مدرن شهری .

دستمان در رنگ و فرم بسته نیست و فقط در متریال بسته است و نمی توانیم در فضا سنگ بیاوریم می توان در فضا ام دی اف چوب و لمینت

کار کرد و به اندازه کافی تزئینات ساده خودش را دارد که غالب مبلمان ها در بیرون می بینیم مدرن شهری است .

مدرن شهری مثل یک چتر مادر می ماند یعنی از اینجا به بعد آن چیزی که تغییر می دهیم مدرن شهری است و تابع استانداردها است.

سبک معاصر :

تقریبا شبیه به سبک مدرن شهری است و این سبک می گوید یک فضای معمولی را بچین و دو سه تا کار خیلی متفاوت را روی آن انجام بده و می گوید که تو مدرن کار کن و با المان هایی را در فضا به صورت تکی به کار ببرید مثلا تابل که یک فرد کشیده شده است و مبل که کج هستند و میزها و عکس استوری ها مبل خواستن و مبلمان ها که کمتر دیده می شوند .

یک چیز عجیبی که خانم همسایه مطالعه ای در دکوراسیون ندارد و سبک را نمی شناسد راحت نرود به خیابانی یافت آباد و وسایلی را بخرد محصولات شورا میگه حداقل سه یا چهار سال طول می کشد که جلوی چشم عوام و یک چیزهای خاص و آنها را در سبک معاصر ما می گذارید.

سبک معاصر اشکالی که دارد این است که هر سه یا چهار سال یک بار باید تغییرش بدهیم المان های معاصر زمانی المان های معاصرند که تک باشند و این سبک را برای کسانی به کار می بریم که دنبال Diconstraction فضای داخلی اند می توانیم .

ایما گالری که اکسسوری های خاص می فروشد و می توانیم از آنجا بخریم این سبک باعث شده که یک عده در رشته ما فعالیت می کنند برای خودشان یک سبکی را خلق کنند به سبک التقاطی یا ترکیبی می گویند .

ما در این سبک یک سری اکسسوری هایی کلاسیک در فضای مدرن می آوریم و این صد درصد غلط است ، چیزی به نام سبک اسپورت هم نداریم

سبک مینیمال :

با یک شعار بسیار معروف (کمتر بهتر است) این شعار مینمالیست ها است این سبک اصلا برای ایرانی ها پیشنهاد نمی دهیم ، زیرا ، ایرانی ها تجملاتی هستند و خانه های خود را دوست دارند که پر از تجملات باشد و سبکی هم است که به موازات مینیماا حرکت می کند به نام اسکاندیناوی در این سبک هم هر آیتمی در زندگی دارید را نباید استفاده کنید .

رنگ سفید و سیاه و خاکستری و نهایتا یک لکه رنگی را اجازه نداریم رنگ را در محیط بیاوریم در این سبک فضا خیلی سرد است برای همین می گوییم که برای خانه های ایرانی خوب نیست و کمی برای محیط های کار مناسب است . سبک مینییمال در کجا آمده است از سبک معماری داخلی زن آمده ژاپن در زندگی ژاپنی ها رنگ حداقل وجود دارد اما معماری داخلی این مینیمال آن هم وجود ندارد و ژاپنی ها بدون حاشیه و تزیئینات زندگی می کنند

مثلا در بعضی کشورها مانند : بلژیک و سوئد اینها سبک اصلی شان مینیمال است .

سبک اسکاندیناوی :

می گوید : من همین مینیمال هستم ما اگر دوست داری مرا هم تزیین کن.

اما در سبک اسکاندیناوی همان رنگ های مینیمال و تزئینات دوست دارند به اندازه مینیییمال خلوت نیست .

سبک طراحی داخلی اسکاندیناوی یکی از محبوب‌ترین سبک‌های طراحی داخلی است که از کشورهای شمالی اروپا مانند دانمارک، سوئد، نروژ و فنلاند الهام گرفته شده است. این سبک طراحی با تاکید بر استفاده از جنس‌های طبیعی، رنگ‌های خاکستری و سفید، طرح‌های ساده و کاربردی، ایجاد یک فضای آرام و دوست داشتنی را مورد هدف دارد.

سبک طراحی داخلی اسکاندیناوی، به دلیل سادگی، صفا و طراوتی که به فضاهای داخلی می‌بخشد، برای هر کسی قابل استفاده است. به طور کلی، سبک طراحی داخلی اسکاندیناوی، برای افرادی که به دنبال زیبایی، سادگی، آرامش و بهره‌وری هستند، مناسب است. همچنین، این سبک طراحی برای افرادی که به دنبال فضایی با ارزش‌افزوده زیاد و طراحی ماندگار هستند، مناسب می باشد.

همچنین، این سبک طراحی داخلی برای افرادی که به دنبال فضایی با مزاحمت کم و استفاده کم از الکترونیک در فضای داخلی هستند، مناسب است. این سبک طراحی داخلی باعث می‌شود فضای داخلی شما صمیمی

و آرام باشد و این امر می‌تواند به خلق حس رضایت و رفاه بیشتر در زندگی روزمره شما کمک کند.

برخی از کسانی که ممکن است به سبک طراحی داخلی اسکاندیناوی علاقه مند باشند، شامل موارد زیر می‌شود:

۱.افرادی که به دنبال زندگی ساده و کم‌مصرف هستند.

۲.افرادی که به دنبال دکوراسیونی طبیعی و چشم‌نواز هستند.

۳.افرادی که به دنبال یک فضای خانگی آرام و صمیمی هستند..

۴.افرادی که به دنبال فضاهایی با ظاهری خنک و مینیمال هستند.

۵.افرادی که به دنبال طراوت و پاکیزگی در فضاهای داخلی هستند.

مبلمان این سبک

در سبک طراحی داخلی اسکاندیناوی، مبلمان باید ساده و کاربردی باشد و با دیگر عناصر دکوری تعادل داشته باشد. معمولاً مبلمان این سبک از چوب طبیعی با طرح های ساده و نوپا ساخته شده است. برای پوشش مبلمان نیز از پارچه های طبیعی و ساده استفاده می شود، مانند پشم، کتان و پنبه.

در طراحی داخلی اسکاندیناوی، تمرکز بر روی راحتی و کاربردی بودن مبلمان است. در واقع، مبلمان باید برای برخورداری از راحتی در هر زمان مناسب باشد. به عنوان مثال، صندلی ها و نیمکت ها با پشت بلند و

جنس آن ها از نوع چوب نرم باشد، تا به کمک کمر و آرنج ها، نشستن بر روی آن ها برای مدت طولانی راحت باشد.

همچنین، معماران و طراحان داخلی در طراحی مبلمان اسکاندیناوی، از ترکیب چند عنصر استفاده می کنند تا طرح های ساده و شیکی ایجاد کنند. مثلاً، یک میز با پایه های چوبی و صفحه شیشه ای یا یک صندلی با پایه های چوبی و صندلی از پارچه با طرح هندسی. در کل، مبلمان در این سبک طراحی داخلی ، با طرح های ساده، کاربردی و مناسب برای محیط زندگی، طراحی می شوند.

رنگ ها در سبک اسکاندیناوی

در سبک طراحی داخلی اسکاندیناوی، رنگ ها باید طبیعی و آرام باشند و برای ایجاد حس آرامش و صلح در فضا استفاده می شوند. رنگ های اصلی شامل سفید، خاکستری، قهوه ای، قرمز و آبی با روشنایی کم می باشند.

سفید به عنوان رنگ اصلی و برجسته در این سبک طراحی مورد استفاده قرار می گیرد. آن رنگ با ایجاد احساس تمیزی و روشنایی در فضا، آن را بزرگتر و پویاتر به نظر می رساند. همچنین، سفید به راحتی با رنگ های دیگر هماهنگی پیدا می کند و از تعارض رنگی در دکوراسیون جلوگیری می کند.

در این سبک طراحی، از رنگ خاکستری به عنوان یک رنگ آرام و جذاب برای دیوارها، سقف و پوشش کف استفاده می شود. این رنگ، باعث ایجاد حس تعادل و ثبات در فضا می شود. همچنین، استفاده از رنگ قهوه ای در مبلمان و تزئینات، یک حس گرما و دوست داشتنی به فضا اضافه می کند.

رنگ قرمز به عنوان یک رنگ گرم و جذاب در این سبک طراحی مورد استفاده قرار می گیرد. این رنگ معمولاً در کمترین میزان ممکن در فضا استفاده می شود و به عنوان یک نقطه تمرکز برای چشم انسان قرار می گیرد.

استفاده از رنگ آبی به عنوان رنگی معتدل و آرام در دکوراسیون نیز رایج است. این رنگ به عنوان رنگ اصلی در اتاق خواب و حمام ها استفاده می شود.

در کل، در سبک طراحی داخلی اسکاندیناوی، تمرکز بر روی استفاده از رنگ های طبیعی و آرام برای ایجاد حس آرامش و صفا در فضاست. از آنجا که سبک اسکاندیناوی در مناطق سردسیری قرار دارد، استفاده از رنگ های سرد نیز برای ایجاد حس خنکی و تازگی در فضا مورد توجه قرار می گیرد.

سبک ذِن :

داخل این سبک فنگ شویی هم دارد و در آن یک خرده تفکرات آسیایی روی سبک مینییمال برداشته شده است و یک آیتم مشترک وارد کردن طبیعت به زندگی مهم ترین مشخصه این سبک است .

در سبک ژاپنی باغ ژاپنی جزو آیتم هایی است که خیلی مهم است که باید حتما در فضا باشد در معماری ما دو تا نوع باغ داریم : ۱. باغ ایرانی ۲. باغ ژاپنی باغ ایرانی می گوید : عمارت ، آب ، گیاه که اطرافش گیاه است .

اما باغ ژاپنی می گوید : عمارت ، گیاه .

می گویند که با گیاه باید زندگی کنی، زمانی که می خواهیم فضایی را با سبک ژاپنی یا ذِن کار بکنیم حتما آن فضا باید یک پنجره ای باشد که آن مکان رشد و نمو گیاه را داشته باشد که ما اجسام اضافه نباید باشد و رنگ برایش آنچنان مهم نیست و برای رنگ هایی که دلمان می خواهد راحت می توانیم استفاده کنیم مخصوصا رنگ هایی که یادآور طبیعت باشد.

مانند : رنگ های شاخ های درخت و ... تا جایی که ممکن است سعی می کنند که از سادگی پیروی بکنند و گیاه هایی مانند : بونسای ها و ... استفاده می کنند ، مثلا : تفکرات فنگ شویی در لباس این است که

لباس دیگه در یک سال نپوش ای به فرد دیگر باید بدهی تا او بپوشد ، چیزهایی که شکسته و پاره و کهنه باشد نباید نگه داشته شود و تابع تفکرات سبک ذهن بعد ژاپنی و فنگ شویی است و هیچ چیز انباشتگی نباید باشد .

حتما باید حرکت انرژی در فضا قرار بگیرد مخصوصا در فضای خواب از این کارها اجازه نمی دهند در سبک ژاپنی ما دیوار نداریم ، بلکه به جای دیوار از دَرهایی که با کاغذ و چوب بامبو درست می کنند و حالت های کشویی اند و همه چیز مرتب و منظم است و بر اساس یک نظمی قرار گرفته است .

*واحد اندازه ژاپن تاتامی است که در ایران فرش انداز در یک فضا استفاده می شود و چند تا تاتامی در فضا قرار می گیرد و بر حسب تاتامی آن فضا را محاسبه می کنند ، معمولا هم طبق این تاتامی ها این درهای کشویی را می گذارند و این درها اکثرا باز هستند ، ترجیح آنها این است که در آن فضا در خانه را که باز می کنند حتما باید حیاط و طبیعت را صاحب خانه ببیند .

سبک شبی شیک :

سبک دسته دوم ها گفته می شود و انگلیسی هایی که لوازمی دارند در انباری و گاهی اوقات هم بعضی از لوازم ربطی به هم ندارند اما منظورشان این نیست که هر چه از انباری دارید را وارد خانه کنید و وسایلی هستند که در مغازه ها می فروشند و مثلا کمدهای آنتیک و کهنه کاری شده است و و لوازم اکس سوری کهنه شده دارند و زمانی که مدرن به انگلستان می رود رنگ پوششی پیدا می کنند و اکنون در دوره اش هم هستیم که پتینه کاری روی وسایل در این سبک امروزه ترند شده است.

شبی شیک یعنی چه؟

البته در قرن ۱۸ام از اصطلاح "شبی شیک" برای این سبک استفاده نمی شد چرا که آن زمان وسایل این خانه ها چندان هم کهنه نبودند.

این نام در سال های ۱۹۸۰ توسط فردی به نام ریچل اشول که مغازه ای به نام شبی شیک افتتاح کرد و مبلمان و وسایل کهنه را از فروشگاه های کوچک خریداری کرد و در دسترس عموم قرار داد، رواج پیدا کرد.

از همان دوره تا به حال شبی شیک به عنوان سبکی ظریف و زیبا برای دکوراسیون استفاده می شود. خود کلمه "شبی شیک" هم در لغت به معنای "شیک کهنه" است. شبی شیک در واقع به سبک های وینتیج و فرنچ کانتری و روستیک نزدیک است ولی از همه آنها ظریف تر و لطیف تر است.

شبی شیک در لغت

شبی شیک در لغت به معنی شیک قدیمی است .

رنگ بندی

در دکوراسیون به سبک شبی شیک عموما از رنگ های روشن و پاستلی استفاده می شود. رنگ های غالب فضا رنگ هایی مثل سفید، کرم، طوسی روشن، بژ، استخوانی، عاجی و ... هستند.

به عنوان رنگ های دوم و سوم از رنگ های پاستلی مثلا آبی روشن، صورتی روشن، یاسی، خاکی، زرد لیمویی و سبز روشن استفاده می شود. همین رنگ های روشن کمک می کنند که فضاهای شبی شیک بزرگ و آرامش بخش به نظر برسند و پرنور باشند. فضاهای شبی شیک به لحاظ رنگی ملیح و روشن و دارای کنتراست کم هستند.

مبلمان

همانطور که گفتیم مبلمان و وسایل در این سبک آنتیک و کهنه کاری هستند. مثلا می توانید از وسایلی که قدیمی شده و رنگ و روی خود را از دست داده اند استفاده کنید. و یا مبلمان و اثاثیه ای به سبک فرنچ کانتری یا وینتیج خریداری کنید که کهنه به نظر برسند. و یا وسایل نو را با روشهایی مثل پتینه و کهنه کاری و رنگ به شکل قدیمی در بیاورید. اما در نظر داشته باشید که وسایل به لحاظ کاربردی باید سالم باشند.

مثلا مبل و تخت و صندلی ها راحت و قابل استفاده باشند و فقط ظاهری قدیمی داشته باشند.

نقش و نگار

خاص ترین ویژگی سبک شبی شیک طرح و نقش های گلدار آن است. کاغذدیواری، پرده و پارچه های گلدار و راه راه با رنگ های روشن و باز از مهم ترین اعضای خانه های شبی شیک هستند. یکی از علت هایی که سبک شبی شیک را سبکی زنانه در دکوراسیون می شناسند هم همین پارچه های گلدار آن است.

می توانید از طرح های گلدار در مبلمان، کوسن ها و هر المان دیگه ای استفاده کنید. اما به خاطر داشته باشید که سبک شبی شیک سبکی خلوت است و نباید تمام فضا را طرح و نقش پر کنیم. بهتر است از ترکیبی از پارچه های ساده و گلدار با هم استفاده کنیم و تعادل را در محیط حفظ کنیم.

مصالح و بافت ها

بافت های طبیعی و نرم مثل الیاف کتان و پنبه کمک می کند فضا راحت و دنج دیده بشود.

حضور این بافت ها در فضا کمک می کنند که وسایل پتینه و کهنه محیط را خشن نشان ندهند. انواع پارچه های طبیعی و نرم و غیررسمی

را می توانید در این فضا به کار بگیرید ، مصالح طبیعی و از همه مهم تر چوب هم در این سبک جایگاه ویژه ای دارند. همانطور که گفتیم این سبک بسیار به روستیک و وینتیج شبیه است و مثل هر دوی این سبکها از مصالح طبیعی برای ایجاد آرامش و راحتی در فضا استفاده می کند.

دکوریجات

دکوریجات و اکسسوری های سبک شبی شیک هم آنتیک و قدیمی هستند. می توانید از انواع قاب عکس ها و تابلوهای قدیمی، شمعدان و فانوس، گلدان ها و ظروف قدیمی، میراث های اجدادی و یادگاری ها در دکوراسیون این سبک استفاده کنید. همینطور می توانید از وسایل خاطره انگیز که در فروشگاه ها به فروش می رسند هم برای دکور شبی شیک استفاده کنید. فقط دقت کنید که فضا بیش از حد با دکوریجات شلوغ نشود و حد تعادل را حفظ کنید.

سبک شیکر :

این سبک انگلیسی است اما انگلیسی که به آمریکا رفته است و آنجا و نئوکلاسیک ترکیب شده است و کابینت های پلی یورتان و قاب بندی بدون تزئینات چوبی است .

این سبک استفاده کردن از رنگ های پوششی روی همه چیز است به گونه ای که جنس ماده دیده نشود ، زمانی که انگلیس در قرن ۱۸ تزئیناتش به آمریکا می رود این اتفاق برایش می افتد و مواردی که خیلی طبیعی اند مانند : میزها و چوب های واقعی ساخته شده اند و چوب گیلاس و گردو .

انگار که در متریال هایش یک تضادی وجود دارد و بعضی از متریال ها پوششی اند و بافت اصلی خودش را از دست داده اند و بعضی از آنها رنگ های آن ندارند و کاملا در سیستم خاص خودش در محیط استفاده می شود .

نکته مهمی که در این جا وجود دارد : پتینه در سبک انگلیسی زیاد به کار می رود و به معنای همان پنهان کاری است .

گران ترین کابینت ها : ۱.پولیشی ۲.پلی یورتان ۳. هیگلس مات ۴. هایگلس براق که در وسط های اینجا چوبا های کانادایی هم وجود دارد که از همه گران ترند .

مبلمان در دکوراسیون داخلی سبک شیکر

تزیینات عجیب و کنده کاری های خاص در این سبک جایی ندارد. آن چه در دکوراسیون داخلی به سبک شیکر اهمیت دارد .

این است که مبل ها ساده، سبک و عموما به صورت داشتن عملکردی چند منطوره ساخته می شوند. چوب درختان کاج، افرا و گیلاس از متریال مورد استفاده پدید آورندگان این سبک بوده است و معمولا به دنبال کیفیت در ساخت بوده اند. بهترین تعریفی که می توان در مورد وسایل این سبک ارایه داد این است که وسایل ساده و با کیفیت و دارای عملکردی مناسب بودند. مبلمان های تاشو که همان هدف چند منظوره بودن را فراهم می کنند در این سبک کاربرد زیادی دارند.

کفپوش خانه در طراحی داخلی به سبک شیکر

کفپوش ها را بهتر است از انواع مدل های چوبی و با رنگ روشن انتخاب کنید. کفپوش های رنگ روشن از دلگیری فضای کوچک خانه جلوگیری می کنند و سادگی مورد نظر در سبک شیکر را هم دارا هستند.

رنگ در دکوراسیون داخلی به سبک شیکر چگونه انتخاب می شود؟

اگر طرفدار ایجاد تضاد های رنگی هستید و به دنبال زرق و برق، پیشنهاد می شود به سراغ این سبک خاص نروید. در این سبک رنگ های خنثی هستند که حرف اول را می زنند. حتی قرار گرفتن رنگ های خنثی بدون هیچ رنگ متضادی در کنار همدیگر هم زیاد به کار می رود. بالاخره قرار

است سادگی سبک را نشان دهیم. همین رنگ های خنثی می توانند به ما برای ایجاد محیطی با دکوراسیون داخلی بسیار ساده کمک زیادی کنند.

سبک شیکر در طراحی داخلی آشپزخانه

آشپزخانه یکی از قسمت های مهم خانه است و توجه به عملکردی که برای ما دارد مهم تر می باشد. معمولا کابینت هایی که در سبک شیکر به کار می روند دارای درب های پهن و بزرگی هستند تا نور را به خوبی منعکس کنند. طبق قانون مان، رنگ های مورد استفاده در آشپزخانه هم رنگ های خنثی هستند که این ویژگی سبب می شود حتی اگر فضا هم کوچک باشد، بزرگ تر و دلباز تر به نظر برسد. دکوراسیون داخلی به سبک شیکر برای خانه های کوچک مناسب است پس حتما کابینت ها را طبقه بندی شده بسازید تا بتوانید وسایل زیادی را به خوبی داخل آن ها بچینید. طوسی و سفید دو رنگ مناسب برای آشپزخانه به سبک شیکر هستند که می توانید مطابق با سلیقه خودتان از آن ها استفاده کنید.

سبک روستیک :

همان طور که از نامش معلوم است یک سبک روستایی است و کاملا مواد و متریال ها از طبیعت بیرون آمده اند و با سنگ ها رودخانه ای دیزاین داخلی به کار می رود و سنگ های شیشه ای و آجر و چوب در فضا استفاده می شود.

فضایی که معمولا به ما می دهد خیلی فضای گرمی است و اینکه مبلمانی که ما در این فضا استفاده می کنیم قطعا مبلمان مدرن هستند ؛ این سبک خیلی مستعد است و گاهی اوقات معاصر بودن است و اگر خیلی خوب کار بشود می تواند زیرگروه سبک محاصره قرار بگیرد و مخصوصا فرم های خاصش و همچنین معمولا سبک آرامی است و رنگ هایی که در این سبک استفاده می شود از دل طبیعت آمده است .

ولی این سبک با اروپا کمی معنایش متفاوت پیدا می کند ، در این سبک از فرش ها و گلیم ها و گبه ها در فضا به کار می بریم و سبکی بوم آورد است و در هر منطقه ای که هستیم از متریال های همان منطقه به کار می بریم .

مثلا : اگر به شمال فضایی بخواهیم با این سبک درست کنیم با جنوب ایران خیلی خانه و روستایی هایشان متفاوت است ، چون این سبک بوم آورد است معنا و سبک دیزاینش نسبت به آن منطقه تغییر می کنند و

راه استفاده از این سبک در مناطق است نباید در اینترنت جستجو کرد چون برای ما مناسب نیست ، زیرا هر منطقه اقلیم امکانات و مجهزات خودش را دارد که طبق آن قوم آوردی بودنش ساخته می شود .

شاید ما کمی در اکسسوری ها دستمان باز باشد و یا مانند سبد و الک که در فضا به کار می بریم .

کلیدی ترین نکته این است که : در بعضی مبلمان ها می بینیم که از چوب مرده به کار برده شده است ، چوب مرده یعنی چه ؟

زمانی که چوب پیداست و در اثر حادثه آن چوب کنده شده و چوب چنار مرده و کاج زیاد است و یا اینکه این درخت کجا زندگی کرده باشد و چه خورده باشد و اینها به نوعی کیفیت و مرغوب و عدم مرغوب بودنش را نشان می دهد وسایلی را هم می توان به کار برد که به محیط زیست آسیب نرساند بعضی ها سبک روستیک را با بوهم اشتباه می گیرند .

سبک بوهم :

اصطلاحا به این سبک می گوید سبک کولی ها یا سبک سوغاتی ها یعنی از هر جایی که دوست داریم برای اکسسوری در فضا بچینیم و فضای شلوغی را برای ما تداعی می کند .

سبک بوهو در دکوراسیون یا سبک بوهمیان در واقع الهام گرفته شده از لغت bohemians است. این لغت در وصف قوم یا گروهی از افراد به کار می‌رفت که به اصطلاح زندگی نامتعارفی داشتند. این گروه از افراد عمدتا جیپسی ها یا کولی هایی بودند که از منطقه بوهمیا در جمهوری چک می آمدند. بوهمی یا کولی‌ها وابستگی مکانی خاصی به منطقه‌ای ندارند. این گروه اغلب با افرادی مانند خود هم‌نشین هستند و به موضوعاتی مانند، شعر، موسیقی و ... علاقه‌مند هستند. از ویژگی‌های خاص این افراد علاقه به ماجراجویی و سفر است.

اما این سبک خاص که بعدها در دکوراسیون داخلی هم از آن استفاده شد و در حال صحبت راجع به آن هستیم، اولین بار در پاریس شکل گرفت. بعد از مدتی این سبک، مبدل به نوعی سبک زندگی شد که در اعتراض به فقر ناشی از انقلاب شکل گرفته بود. پرچمداران این سبک، هنرمندان و فرهیختگان بودند و از طریق آنها به سایر افراد نیز منتقل شد.

قطعا مانند ذات این سبک انتخاب رنگ در سبک بوهو هم از الگوهای خاصی پیروی نمی‌کند. هر فرد با توجه به سلیقه خودش می‌تواند بخشی از طیف رنگی کلی در این سبک را پیدا کرده و آن را اجرا کند. در این سبک معمولا از رنگ های گرم و جسورانه‌تر استفاده می‌شود.

عمده رنگ هایی که به چشم می‌خورند، رنگ هایی از خانواده کرم، قهوه ای و طلایی هستند؛ اما برخی حتی از رنگ های سبز، قرمز، صورتی و آبی هم در قالب این سبک استفاده می‌کنند. به طور دقیق تر می‌توان از رنگ های غلیظ در دیوار ها، مبلمان و اجزای بزرگتر منزل استفاده کرد. همچنین از رنگ‌های خنثی می‌توان برای تعدیل رنگ های غلیظ در دیگر بخش ها کمک گرفت. در نهایت رنگ‌هایی از خانواده طلایی و برنز می‌تواند چاشنی نهایی برای تکمیل ترکیب‌های رنگی در این سبک باشد. پترن‌ها یا الگوهایی که در سبک بوهمین استفاده می‌شوند بی‌قاعده هستند؛ به این معنی که ممکن است در درب یک کنسول بیش ۱۰ الگو به طور همزمان به کار برده شود. همینطور این موضوع به کل الگوهای داخل منزل، در بخش‌های مختلف هم تسری پیدا می‌کند.

الگو دیگری که شاید اشاره به آن خالی از لطف نباشد، این است که کاربرد لایه های زیاد در این سبک قابل توجه است؛ مثل استفاده از چند لایه فرش روی هم، چند لایه پرده، چند لایه رو تختی و دیگر لایه بندی های این چنینی. مهم این است که به عنوان یکی از اصول بدانیم، در این سبک چیزی به اسم "زیاده روی" وجود ندارد.

سبک بوهو در دکوراسیون با آغوش باز از گیاهان در دیزاین خود استتقبال می‌کند. از جمله گیاهانی که بیشترین هماهنگی را با این سبک

از دیزاین دارند می‌توان به پتوس، سرخس ها، مونسترا، کالاتیا، فیلادندرون، برگ انجیری، کاکتوس های مینیاتوری و بزرگ و دیگر گیاهان مشابه اشاره کرد. این گیاهان در جای جای دکوراسیون داخلی خانه قابل استفاده هستند؛

سبک آرت آند کِرَفت :

سبک حاشیه ای هم وجود دارد مانند آرت اند کِرَفت (Art & craft)که سبک انگلیسی بوده است و خیلی قدیمی انگلیسی است مانند سبک آرت نِوُ است و خیلی عناصر چوبی داریم .

چون زمانی که کاغذ دیواری تازه متولد شده بود و اتفاقی که در این سبک می افتاد کاغذ دیواری های عجیب و غریب مانند طرح میوه و گل کمی هم حیوان و تا جایی که موضوع را پیش می برد که سقف ها هم

کاغذ دیواری می شود و اصلا به نورگیرها اهمیتی در فضا برای این سبک ندارد .

حتی ممکن است کمد را جلوی پنجره گذاشته باشد و استفاده کردن از شومینه مانند تمام سبک های انگلیسی در این فضا جزو آیتم های اصلی به حساب می آید حتی کسانی که از کاغذ دیواری نمی توانند از این سبک استفاده کنند و از نقاشی های طرح کاغذ دیواری در فضا به کار برده می شود.

و همه مواردی که در فضا استفاده می شود حتی دیوارکوب ها همه و همه با استفاده از چوب و ارتباط با طبیعت ساخته می شوند .

و ستون ها و نرده ها و پله ها و چومینه ها دو تا چیز را خیلی زیاد می بینیم : ۱. چوب ۲. کاغذ دیواری که در نهایت فرش ایرانی جزو آیتم های اصلی در معماری سبک انگلیسی به حساب می آید و رنگ هایش گرم است و به هیچ عنوان از رنگ های سرد و پاستلی در این سبک استفاده نمی شود .

سبک اسپانیایی :

این سبک معماری جزو مهم ترین سبک های جهان است همچنین مشاخص های ویژه دارد .

اولین مشخصه این سبک : داشتن سقف های الواری شکل است اما استایل این سبک و استاندارد اصلی این سبک در خصوص الوارهای سقفی را به ما نشان می دهد .

دومین مشخصه : استفاده از کاشی و سرامیک در کف سازی که خیلی مهم است .

سومین مشخصه : آن است استفاده از عنصر فلز به صورت فرفورژه در آویزه های سقفی و چراغ های دیواری و نرده هایی که در فضا هستند و

المان های دکوراتیو مانند : مبلمان ها در این سبک غالب مبلمان ها را به صورت فلزی داریم در سک اسپانیایی واقعی است وجود دارد که البته با گذشت زمان بعضی موارد جاب شده است در کنار سقف های چوبی ومتریال های تمام پارچه ای و چوبی خیلی استفاده می شود .

چهارم مشخصه آن این است که : بخشی از این مشخصات در سومین قسمت این سبک هم وجود دارد که همانطور که گفته شد سرامیک در کف سازی گفته بودیم اما کاشی در پوشش دیوارها به خاطر گرم بودن هوا و ماندگاری هوای سرد در محیط های خانگی می سازند به کار می رود به طور کلی رنگ هایی که در این سبک کار می شود فوق العاده رنگ های شادی اند و مردم این کشور از متریال هایی برای پوشاندن دیوارهایشان استفاده می کنند به نام استاکو که ترکیب سیمان و متریال هایی است که سیمان را به رنگ کرم درمی آورند و یک چیزی مانند میکروسمنت در خروجی اش است انگار که یک بتن ترکیب شده است با کرم و رنگ های مختلف داخلش وجود دارد .

پنجمین مشخصه : آن استفاده کردن از آینه برای این کشور مرسوم است علی الخصوص آیینه آنتیک و آینه آنتی هایی که در پتینه زیاد شده است و خیلی به وفور طرفداران زیادی دارد اساسا از سبک اسپانیایی آمده و ما آنها را می بینیم در این سبک طرح های کاشی کاری خیلی متفاوت

می شود.

از آنجا که کشور اسپانیا نزدیک به کشورهای آفریقایی و کمی هم به مراکش نزدیک است و کشورهایی که اسلامی اند و نزدیک اسپانیا وجود دارند و معماری ایرانی اسلامی طوری اند یا مراکشی هم تاثیرخیلی جالبی روی معماری اسپانیایی گذاشته است و ما ردپای کاهشی کاری هنر ایرانی را خیلی خوب در این سبک می بینیم .

به چه صورت این اتفاق می افتد ؟

اکنون در نقاشی ها و کاشی ها که تحت عنوان کاشی اسپانیایی در کشور ما می فروشند می بینیم که همان طرح های ایرانی و گل های ایرانی است که در کاشی کاری ایرانی چنین قدیمی به چشم می خورد ، اکنون اسپانیا در این زمینه تغییراتی روی آن ایجاد کرده است .مثلا : در کشور اسپانیا با رنگ های کم رنگ و رنگ هایی است که با ترکیبات رنگ خاکستری و روی آن استفاده شده است کاشی اسپانیایی فرم ها معمولا فرم های اند که در کشور ما وجود دارد ما دقیقا این فرم ها را در بناهای تاریخی مان به جا مانده است و کاملا آنها را مشاهده می کنیم و تک تک ش مانده اند مخصوصا رنگ های خنثی آنها و آرامشی که وجود دارد نشان دهنده رنگ های این سبک است در معماری ایرانی ما خود رنگ را در فضا استفاده می کنیم اما در سبک اسپانیایی با خاکستری

تاکیب می شود .

معماری اسپانیا خیلی به آمریکا مهاجرت کرد و حتی روستیک که ما می بینیم مانند : سبک هایی که در مکزیک انگار که یک کپی برابر اصل است سبک اسپانیایی است .

اسپانیایی ها خیلی از پارچه استفاده می کنند ، مخصوصا از پارچه سفید که حتی اگر مبلمان هایشان را هم سفیده بود ، یک روکش سفید روی آن مبل می اندازند و دقیقا همین سبک ها به کشورهای مکزیک و کشورهای آفریقای جنوبی و این را تامین می دهد به بافت معماری و معماری داخلی که ما زیاد به چشم می بینیم .

اسپانیایی ها عاشق کلاه هستند که آنها بامزه اند ، آینه آنتیک آینه زنگار گرفته هست و به گونه ای که جیوه پشتش ریخته شد از با وجود و جوهر نمک (رنگ بُر) اسید ماشین می خواهد برای مواد اولیه مان نیاز داریم که خیل کارهایش هم آسان است کسانی که از اسید می ترسند با اسپری آیینه این کار را انجام می دهند .

مثلا : کسی که با اسید کار می کند آینه را می خرد و رنگ پشتش را برمی دارد و روی آن کار انجام می دهد اما کسی که می ترسد و با اسید کار کند شیشه آینه را می خرد و روی آن کار انجام می دهد و پشتش را اسپری آینه می باشد اول با اسید ماشین رنگ پشت آیینه را برمی داریم

و پس از این رنگ ماشین سه تا قلق خیلی مهم دارد .

۱.باز کردن در قوطی چون اسید است و در هوا می پاشد اگر قبل تکان بخورد حتما ۲۴ ساعت قبل یک جایی باشد که صاف باشد و حرکت نکرده باشد و اسید را داخل نایلون می گذارند و با دستکش خیلی محکم در ظرف را باز می کنند دو آن قلم مو یا هر وسیله ای که می خواهیم استفاده کنیم مانند پرز بلال موهایش فر می خورد .

۲.چون اسید آن را داغون می کند از آن قلم غالب استفاده نیست و پس از زمانی که با آن کار می کنیم باید قلم موهایمان را دور بیندازیم و قلم موهایمان را تعویض باید بکنیم به هیچ عنوان دستمان را به اسید نباید بخورد و تاول می زند و تا استخوان حتی امکان دارد که برود و خیلی خطرناک است .

موقع کار از آن باید ماسک زد و با آن قلم مو به رنگ پشت آینه می زنیم و رنگ پشت آینه را مانند کپک حباب حباب می شود و رنگ پشتش بلند می شود و در همان زمان پای یک دستکش صنعتی دست کنیم و رنگ های برداشته شده می شوند ؛ مگر اینکه آیینه قدیمی باشد که این آیینه های جدید رنگ خوششان خیلی دیر بلند نمی شوند و آینه های جدید مانند برگ یک تکه ای بلند می شود .

اما آیینه های قدیمی دیر بلند می شوند در آن زمان ما تازه به جیوه پشت آینه رسیده ایم که جیوه پشت آینه با جوهر نمک بلند می شود سر جیوه خیلی از بین می رود با دستمال جوهرنمک می زنیم و پس از به آینه تکه تکه آن را انجام می دهیم که جیوه را برمی دارد و باز است و ممکن است به هر دلیلی هزار اتفاق بیفتد سه در آن زمان که به شیشه رسیدیم پشت آن را می توانیم ترنسفر یا دکوپاژ و نقاشی بکشیم یا ورق طلا یا رنگ طلایی بکنیم و شابلون بزنیم یا حتی نوشته بزنیم در آن زمان رفتارمان با معاینه مثل شیشه است .

۳. در آخر پشتش را یک رنگ خیلی محکم می زنیم که در امان باشد از این ترفند می توان روی سبک آرت دِکو و نئوکلاسیک در آینه ها انجام داد.

سبک مراکشی :

این سبک در طی هزاران سال وجود داشته هیچ تغییری نکرده و مردم این کشور همان گونه زندگی می کنند که مثلا چهارصد سال پیش هم زندگی می کردند و شکل معماری داخلشان را تغییر ندادند .

یکی از مهم ترین خصیصه های این سبک :

۱.استفاده از الوار و متاثر از سبک اسپانیایی

۲. داشتن قوس های ایرانی و انواع قرس های شاخ بُزی و قوس های خاص مراکشی .

همان طور که گفته شده بود ما ۳ تا قوس داریم : ۱. تند ۲. کند

و ۳. معمولی .

ما قوس دیگری داریم به نام نعل اسبی که به صورت زیر است :

قوس نعل اسبی می تواند بالای سراش هم تیر باشد و هم گِرد.

که بعضی قوس ها که به قوس های هندی شباهت دارند اما کشور

و مراکش هم از این قوس ها استفاده می کنند اگر قرار است که قوس بدهیم ارتفاع سقفش باید بیش از ۳/۵ یا ۳ باشد که بتوانیم این قوس ها را در محیطمان به زیبایی خودشان استفاده کنیم .

این سبک با داشتن پنجره های زیاد و بلند و استفاده از صفحات مشبک ایرانی در اکثر فضا ها به کار برده می شود هر قسمت از فضا را که می خواهند فاصله گذاری فضایی ایجاد بکنند و دو تا فضا را نسبت به هم جدا بکنند از صفحات مشبک ایرانی استفاده می کنند صفحات مشبک مراکشی جنس این صفحات می تواند پی وی سی pvc مانند صفحات ام دی اف MDFزیر دستگاه سی ان سی CNC می فرستند و طرح مورد نظر را برش می زنند می تواند ام دی اف باشد و کاملا چوبی باشد که با دست تکه تکه کار می کنند و با دست کار می شده که طرح ایرانی به وفور دیده می شود .

همچنین مدل سنگ آن هم هست که حجاری شده می باشد و بناهای خیلی قدیمی را هم ما می بینیم که بیشتر در کاخ ها دیده می شود تا در اماکن مذهبی ، علاوه بر اینها مدل فلزی این صفحات هم در بازار عرضه می شود .

به جز این صفحات که در این سبک وجود دارد چراغ های

مراکشی هستند که فانوس های مراکشی باز هم دو کشورشان وارداتی هستند این فانوس ها در اصفهان و یزد به تعداد فراوان وجود دارد این چراغ ها که انواع متعددی دارند .

به عنوان سمبلی از گزینه معماری داخلی مراکشی در نظر گرفته می شود و همین طور جنسشان از برنج است و روی بدنه این فانوس و چراغ ها فرم مشبک جوری و کار شده است .

فانوس که در حیاط به کار برده می شود حالت لوستری دارد که انگار باز هم برمی گردد به سمت اروپا و قدیمی تر ولی این چراغ ها تحت عنوان چراغ مراکشی دیده می شود .

چراغ دیواری جز چراغ هایی است که برای ما ایجاد روشنایی غیرمستقیم در فضای داخلی است اگر بخواهیم یک توضیح مختصر در نورپردازی در این همین قسمت داخل این سبک بگوییم می توان گفت که در فضای داخلی ما یک نورپردازی عمومی و دکوراتیو داریم .

چرا ما این دیواری معمولا برای ایجاد نورپردازی غیرمستقیم استفاده می شود ؟

که به هر شکلی هم می تواند باشد و معمولا هم در سبک کلاسیک با فاصله گذاری کمتری است سقف نصب می کنیم

مانند چراغ های دیواری شمعی و مدل هایی که شید های پارچه ای دارد اما در سبک مدرن معمولا از سقف پایین تر می آید و خم ها به شکل خررم های هندسی تری تبدیل می شود شبکه هایی که سبک اند و می توان در فضا استفاده کرد مانند : کدرین ولی سنگ و سرامیک چارچوب بندی دارد و در مکان های خاص استفاده می شود .

سبک مراکشی مانند سبک ایرانی یک رنگ آبی بخصوصی دارد که با آن رنگ آبی مراکشی و یک لاجوردی زیبای خودش را به همراه دارد.

مجددا کشی و سرامیک را هم در این سبک داریم و فرم های کاشی و سرامیک مراکش خیلی به ایرانی نزدیک است و کاملا رنگ های ایرانی در این سبک به کار برده شده و شارک و هیجان انگیز و شاد است مهم ترین سبک این کشور این است که مردمشان بسیار بسیار به رنگ علاقه دارند به رنگ هایی که همان آبی مراکشی خودشان و رنگ های دیگری مانند : نارنجی و قرمز در محیطشان می آید و مورد استفاده قرار می گیرد .

این کشور مانند کشورمان ایران و قدیم مخصوصا به جزئیات خیلی اهمیت می دادند و ما در این گفت هم آینه کاری نمی

بینیم و همه دیزاین های روی دیوار و سقف هایشان از کاشی است و این هنر در اوج اعتلای خودش در کشور مراکش قرار دارد .

نکته طلایی که در این سبک وجود دارد : صنعت توریست فوق العاده در کشورشان قدرتمند است و جز گران قیمت ترین تورهای جهان است.

همچنین آثار تاریخی بسیار بسیار زیادی هم دارد و تمام آن آثارها را حفظ کردند و جالب تر اینکه بناها از بین نرود و حالت بازآفرینی به وجود بیاید از آنها استفاده می کنند و یک سری مساجدی است که مدرسه هستند شبیه مسجد است اما کاربری شان است مدرسه است .

یکی دیگر از جذاب ترین قسمت هایی که کشور مراکش دارد این است که : حیاط خلوت دارند .

حیاط خلوت : مکانی است که خانم ها داخل این فضا می روند و یک فضایی است که همان هیات مرکزی در خانه های قدیم ایرانی می ماند و دور تا دور آن محصور است و یک حالت اندرونی طوری دارد .

انسان های غریبه وارد آن نمی توانند بشوند ، مثلا : خانم همسایه

با خانم خانه گپ می زند و در حیاط خلوت می کند معمولا هم حیاط خلوت هم باید حتما داخلش آب وجود داشته باشد و گل و گیاه داشته باشد و کاملا هم محیطی است که حالت اندرونی داخلش ایجاد کرده است و هنوز هم آن تفکر سنتی برای آنها وجود دارد در خیلی از مکان ها ما کف سازی هندسی داریم یعنی با کاشی و سرامیک طرح های هندسی ایجاد می کنند و تقریبا می توان گفت فرش های این سبک باریک و کوچک است .

شهر آبی مراکش : یکی از مهم ترین گزینه های توریستی شهری این کشور است و این کشور جز صنعت توریستی هیچ چیز دیگری ندارد و با گردشگر هزینه هایشان را تامین می کنند و زیورآلات و صنایع دستی هایشان هم که در این کشور معروف است و همچنین غذاهای خوشمزه ای دارد و مردم بسیار مهربانی هم دارد .

اگر کارفرما سبک سنتی در فضا خواست می توانیم سبک سنتی مراکشی نوین را به او پیشنهاد دهیم ، جالب ترین موضوع در این سبک این است که مبل مدرن در فضاهایشان می چینند همین موضوع باعث شده که این سبک ماندگار بماند ولی ما مبل های مراکشی داریم که به آن میز پاکستانی هم می گویند .

به طور کلی اگر بخواهیم سبک عربی کار کنیم و مبلمان های همه سبک های عربی مشترک است که با ارتفاع جمع و کفی های خیلی بزرگ و حالت لمیدنی طوری است و برای استراحت در زمان های طولانی به کار برده می شود از این مبلمان ها در کشور مراکش از این قاعده مستثنی نیست .

برای همین در سفره خواندن و فضاهای سنتی خیلی خوب ، خود مراکشی ها به این مبلمان ها الزاما پایبند نیستند .

مهم ترین قسمت این سبک استفاده از تابلوفرش است و به تابلو فرش فوق العاده علاقه مند هستند که ما در این سک هررنو هم کمی داریم.

سبک عربی :

اول اینکه این سبک چیز به خصوصی در خود ندارد ولی در صحبتی که کردیم بحث هرنو پیش آمد حال می گوییم .

هورنو چیست ؟

در بناهایی که سقف گنبدی شکل داشتند و طاق و کلمبه نیم دایره ای است و آنها را سوراخ می کردند و یا طاق های هشت و گیر بود که وسط آن را سوراخ می کردند که حتی حمام های قدیمی هم هورنو داشتند که هوا به داخل فضا می آمد و می چرخید و فضا را تهویه می کرد .

در خانه های جدید که سقف ها گنبدی شکل نیست و این داستان ها را ندارد کارکرد این هورنو فقط تهویه هوا نبوده است ، بلکه ایجاد مقاومت کششی و برشی بین نیروهای وارد به آجر بوده است ؛ کمی دقت کنیم متوجه می شویم که بناهای جانش پس از چندین سوال زلزله که می آید اما باز هم سرپا هستند و انگار به خاطر انبساطشان است و حرکت لایه های زیرین که شروع می شود این هورنو مانع از این اتفاق و خرابی های آن بنا می شود گسستگی و گسیختگی ایجاد می شود و اینها همدیگر را سفت

نگه می دارند و همچنین کار نوررسانی هم انجام می دهد.

از مهم ترین شرکت های عربی که در امارات کار عربی انجام می دهد شرکت خانم آنتنویچ است که در ایتالیا تحصیل کرده و این شرکت را تاسیس هم کرده است آنچه که در گذشته سبک عربی را اکنون نداریم معمولا در سبک عربی روی دیوارها که گچبری انجام می دادند و فرم های شمسه و معماری ایرانی داشتند و با چوب هم کار می کردند و این شرکت این خانم استانداردهای معماری ایتالیایی و معماری کلاسیک اروپا را به کشورهای عربی آورد اند و با موتیو های عربی کار می کنند و ما خیلی به ندرت در این سبک کاشی کاری داریم .

عملا برای مبامان کردن دور تا دور چیزی برای کاشی کاری نمی ماند این سبک مشخصه خاصی برای خود ندارد در مساجد عربی خیلی پول و هزینه می کنند ، چون فاخر بودن را نشان می دهند و نقوش اسلیمی ایرانی و فرم های مراکشی بخشی از آنها معماری هندی است مخصوصا در قوس های نعل اسبی ابهت و بزرگی که دارد این مساجد عربی را به کار می برد و دین اسلام را فاخر نشان می دهند .

مسجد شیخ زاید : تمام مواردی که طلایی رنگند از حیاط تا

داخل از جنس طلا است و در آنجا ورق طلای واقعی یا فلز طلا است ، پس به طور کلی دو تن موضوع در سبک عربی وجود دارد : ۱.لمیدنی بودن و راحتی بودن ۲. عبادت کردن و ۳. آنها از رنگ های گرم خیلی به شدت به کار می برند و جنبه تجمل گرایی در این سبک باید حتما حفظ شود و نکته بسیار مهمی است.

سبک ایرانی :

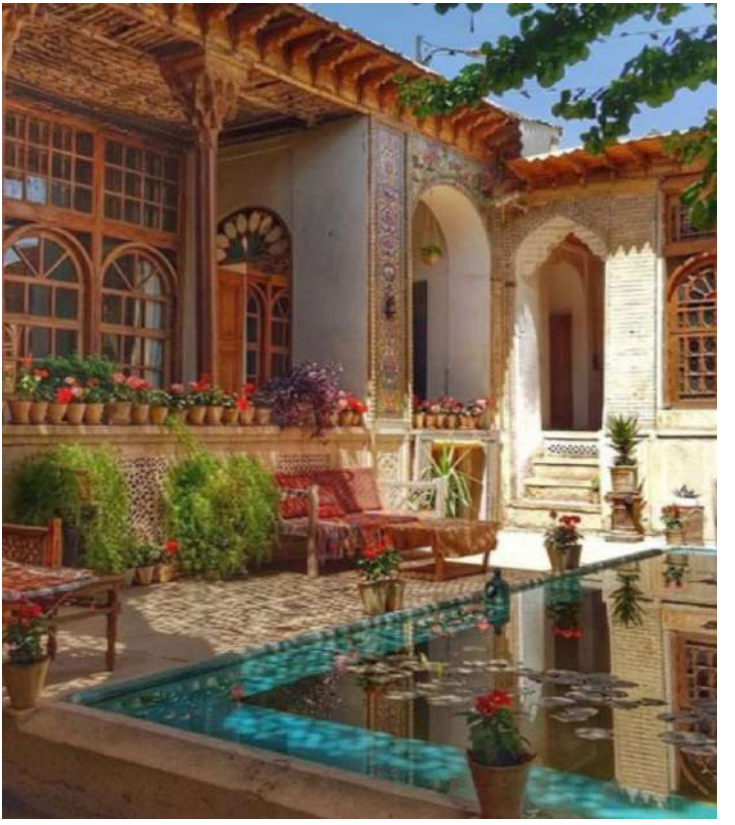

یکی از مهم ترین بناهای ایرانی که خیلی شاخص است در دفتر ایران در سفارت آمریکا می توان اشاره کرد یک استفاده کردن از گچ بری ای که مخصوص ما هست و دو استفاده کردن از آینه

کاری باز هم به شیوه ایرانی اگر بخواهیم .

یک گذری به دوران قاجار بزنیم به جای کاغذ دیواری همان رنگی که می خواستند کاغذ دی باری کنند را رنگ می زدند و روی آن را نقاشی می کشیدند و این نقاشی ها هم شامل نقاشی های گل و گیاه می شد در خانه های قدیمی در بافت های تاریخی مانند : شهر یزد بود وجود دارد در معماری ایرانی فضاهای خانه از هم جدا هستند یعنی فضاهای خصوصی و عمومی خانه تحت عنوان

عناوینی مانند اندرونی و بیرونی و شاه نشین و فضاهای خدماتی مانند : انواع پستوها هستند این معماری کاملا معماری قرینه است و این سبک چند مرحله دارد و ما چون آب و هوای متعدد و متنوعی را داریم خیلی همه چیز متفاوت است .

مثلا : در مناطق مرکزی ایران زمینی اگر به ما می دادند دور تا دور آن را می ساختیم و حیاط را به عنوان حیاط مرکزی استفاده می کردیم یا در بعضی شهرها مانند قم خانه هایی ساخته می شده که چندین حیاط داشته است و مانند خانه یزدان پناه قم در حمله باغ پنبه که پنج حیاط دارد و چهار تا از حیاط هایش اکنون ثبت شده است .

مانند : حیاطی که به خانه همسایه قبل از ثبتش انداختند و نمی توانند

آن بگیرند شهرهای دیگری مثل : کاشان ، اصفهان ، یزد و قسمت مهم این خانه ها پنجره های قشنگشان است و پنجره هایی که به صورت گروهی بود که آنها اُرُسی می گفتند و به صورت کشویی به سمت بالا حرکت می کند و بابت همین قسمت بالایی این پنجره ارتفاع زیادی دارد و زمانی که این پنجره را بالا می دهیم دو تا خار یا میخ بیرون می آید و پنجره را ما می توانیم

ول بدهیم و روی آن میخ یا خوارها می ایستد و همه منظورها به ترتیب به این صورت انجام می شود .

این اُرُسی معروفند به ۳دری ، ۵ دری ، ۷ دری ، ۹ دری که بزرگ ترین شان ۹ دری در کاخ گلستان وجود دارد .

در کاخ تابستانی اش شیشه های رنگی که در معماری ایرانی شیشه های رنگی علاوه بر این که چون کویر مرکزی نور آفتاب خیلی زیباست هم در خانه صحنه زیبایی را به وجود می آورده است و هم حشرات رنگ را نمی بینند و زمانی که شیشه رنگی باشد حشرات داخل خانه نمی آیند شیشه های شمس العماره که مثلا برای دویست سال قبل بوده علاوه بر رنگی که داشته یک طرح چاپ شده هم داشت و بعضی شیشه ها رنگی نبود ولی طرح چاپ شده را داشت اکثر خانه های قدیمی ایرانی زیرزمین دارند و نقش تابستان نشین را اجرا می کردند و همیشه خنک بوده و جرز های بزرگی برایش می ساختند و آن آجر که خاک رس بوده و فضا را خنک می کردند و اگر حوض چیزی داشتند و خنک می کردند حیاط های این خانه حتما حتما حیاط دار بودند و باغچه جزو آیتم های مهم بود که در خانه های ایرانی دیده می شد .

سکوهایی که جلوی در خانه ورودی می بینیم که با آن ایوان

پیرنشین یا سکوی پیرنشین به آن می گویند ، آن ایوان هایی که در خانه ها قرار دارد و محل تجمع خانواده ها بوده است در این معماری ایرانی به اتاق خواب اهمیت نمی دادند ؛ می گفتند خانواده باید گرد هم باشند و فضاهای پذیرایی خیلی بزرگ و مهم بوده است و اتاق ها به اندازه ای بود که یک جایی پهن بکنند و یک طاقچه ای داشته باشند که ظرف آبی و چیزی از آن استفاده بکنند و پستوها فضاهایی بوده که کمکی هم بوده و اتاق ها پستو داشتند و اکثرا گچ بری های خیلی سنگین به کار می بردند .

بعضی از سقف های خانه های ایرانی لمبه کاری یا لمبه کوبی بوده است در خانه دکتر پیرنیا که در خیابان لاله زار نرسیده به جمهوری است که حیاط بسیار بزرگی دارد که با پنج عمارت که دو تا از عمارت ها سقفش پایین آمده است و ویران شده و یکی دیگر از آن نیم ویران است و یکی دیگر از آنها کامل است .

چون این افراد ثروتمندی بودند و قانون اساسی می نوشتند و در مجلس بودندن و پدرهایشان در تاریخ ایران کمک کردند جز اعیان و اشراف ایران به حساب می می آمدند و آدم های مهمی کشور بودند و زمانی که وارد فضای خانه آنها می شویم سقفشان تماما لمبه کوبی بوده است .

همچنین خانه قوام السطنه که پولدار بوده است و در خانه سنگ وجود دارد و نقاشی هایی که دیده می شود آنها روی سنگ کشیده شده اند و اکثر خانه های ایرانی تا ارتفاع ۱، ۱/۱۰ سنگ می کردند و روی سنگ ها را با رنگ های گیاهی نقاشی می کشیدند و روی آنها را وِرنی کاری می کردند .

همچنین فرش ایرانی جزو آیتم هایی بوده که مهم بوده و در خانه حتما به کار برده می شده استدر خانه های قدیمی که شاه نشین دارند معمولا تمام خانه های ایرانی ارتفاع سقف بلندی داشتند و دیوارها را تا دو یا سه قسمت تقسیم می کردند که این موضوع در عمارت مسعودیه هم داریم و یا خانه انیس الدوله که یکی از زن های مهم ناصرالدین شاه پس از جهران بوده است که کنیز جیران بوده که جیران را تربیت می کند که همسر ناصرالدین شاه بشود و آنقدر انیس الدوله را دوست داشته که در کنارقبر انیس الدوله است و اکنون خانه انیس الدوله در خیابان ولیعصر تهران روبه روی مهدیه است .

خانه های دیگر مانند موتمن الاطبا و وثوق الدوله که بناهای تاریخی ایرانی اند .

آقای فریدون کسراییان در کتاب چهل کلید معماری داخلی نور

و رنگ و خانه از حال و هوا صحبت می کند و به جای سبک از این لغت به کار برده است و ریشه روستیک به روستایی علاقه است .

سبک های مدرن را متوجه می شویم و پیرامون صحبت هایشان از روسیک روستایی هستند کتابخانه های ملی در آنجا می توانیم تهیه کنیم چرا این موضوع برایمان مهم است چون چیزی را داریم به نام وحدت یعنی وحدت سبکی استفاده می کنیم و در فضای کاری مان می آوریم که خیلی برایمان پراهمیت است برای کارفرمایمان تصاویر خوب در برنامه پینترس از سبک هایی که دلمان می خواهد در آن حوزه بدرخشیم و نکته ای که در معماری داخلی وجود دارد و کسی به آن توجه نمی کند مانند تمام مشاغل باید در حرفه مان تخصصی سازی کنیم از اول معلوم باشد که آیا من کلاسی کار هستم یا مدرن کار توصیه کاری اول باید مسکونی شروع کنیم .

سپس فیلد کاری مان را تغییر بدهیم مثلا یک سال در آرایشگاه و در حوزه پزشکی و با مطالعه در آن حوزه به روز و آپدیت باشیم ما سه فضا و شرایط خانه و محیطمان را داریم که انسان ها فکر می کنند اجازه دارند متفاوت فکر کنند از جمله : پذیرایی (حال

) ، نشیمن ، آشپزخانه.

نکته : *مبل چِسترِ تنها مبلی است که به خاطر داشتن جزئیات خیلی زیاد وارد فضای کلاسیک می شود و به عنوان یک مبلمان فضای کلاسیک دیده و انتخاب می شود .

(اول) باید نظرات و روحیات کارفرما را ما بشناسیم و به آن توضیح بدهیم که نمی شود در یک فضا را شنبه یکشنبه کار کرد و اینکه ما هستیم برای کارفرمای مان خرید برویم و چیزهای مختلفی را بخریم (یک جایی از ماجراست که کارفرما وسیله دارد و از ما می خواهد که فقط برای آن چیدمان دکوراسیون بکنیم و بدترین حالت ممکن این است که وسایلش را که به درد نمی خورد) تا جایی که ممکن است باید با کارفرما صحبت بکنیم و آن را مجاب کنیم که بتوانیم کاری که انجام می دهد صد درصد اشتباه است.

معماران داخلی ایرانی و خارجی معروف :

کریم رشید :

معمار مصری است که در کانادا زندگی می کند و معمار داخلی است و وسایل روزمره ای که ما از آن استفاده می کنیم این شخص طراحی کرده از ساعت های هوشمند تا عینک ها و کفش ها و صندلی ها و موارد دیگر...

در ابتدای کرونا هم فقط از محصولات لوازم خانگی شان را به اجرا گذاشتند و فوق العاده زیبا اند و کار این شخص Diconstraction است.

و این فرد طرفداران حقوق بانوان است و قلم ایشان قلم روانی است همه جای فضاهایی که می سازد از یک وحدت خاصی برخوردار است و فضای مسکونی هم خیلی کم ساخته است.

علیرضا تغابنی :

طراح خانه شریفی ها ایشان هستند و فضا های داخل هم مدرن است و هماهنگی و وحدت خیلی مناسبی هم دارد .

این ساختمان در هفت طبقه طراحی شده که طبقات زیرزمین آن برای فعالیت‌های ورزشی و تفریحی در نظر گرفته شده و شامل سالن ورزشی و امکاناتی از قبیل یک میز بیلیارد می باشند. طبقه همکف شامل پارکینگ و سرایداری است.

طبقه اول و دوم به فضاهای عمومی اختصاص داده شده از جمله آشپزخانه، اتاقی برای تماشای تلویزیون و... در نهایت طبقات باقی مانده شامل عرصه خصوصی هستند و فضاهایی مثل اتاق خواب، حمام و آشپزخانه را در خود جای داده اند.

فرانک لوید رایت :

فرانک لویدرایت Frank Lloyd Wright معمار بزرگ آمریکایی از نظر بسیاری، بهترین معمار تاریخ است. این معمار شاخص دارای تحصیلات رسمی معماری نبود ولی از بسیاری از جهات از جمله تلفیق درون و بیرون ساختمان، صاحب سبک بود.

فرانک لویدرایت در ساختمان‌های بسیاری که در سال‌های طولانی کارش طراحی کرد، دو سبک معماری پریری (Prairie)

و ارگانیک را رواج داد. لویدرایت در استفاده از مصالح طبیعی استاد بود و به طراحی دیتیل و جزئیات اجرایی اهمیت بسیار می‌داد.

سبک معماری فرانک لویدرایت

معماری ارگانیک و سبک پریری (Prairie)

مهمترین آثار فرانک لویدرایت

خانه روبی در ایلینوی

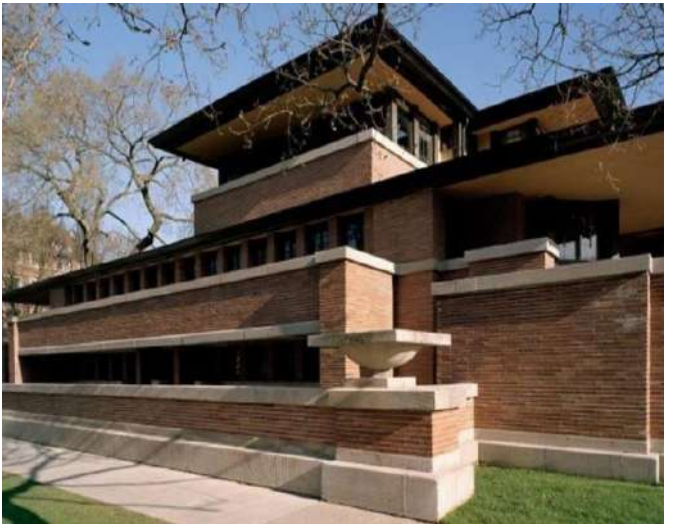

موزه گوگنهایم در نیویورک